



«مدیریت مصرف» منبع ششم انرژی است

رزا بیدار، رئیس کمیسیون انرژی و محیط‌زیست اتاق تهران

استفاده در دست و بچاز انرژی، متضمن توسعه پایدار در هر جامعه‌ای است؛ بر همین اساس، حفظ منابع باارزش انرژی و مدیریت صحیح مصرف آن یکی از مهم‌ترین موضوعات در دستور کار تمامی تدبیرپردازان و سیاست‌گذاران کشورهای جهان بوده و کلیه سیاست‌گذاران، دولتمردان و دست‌اندرکاران بخش انرژی را بر آن داشته است تا چاره‌ای برای رویارویی با مشکل افزایش بی‌رویه مصرف بیاندیشند.

در کشورهای صنعتی، مدیریت مصرف انرژی شاخصی هم‌وزن یک منبع انرژی در نظر گرفته می‌شود؛ به بیان دیگر، مدیریت انرژی و صرفه‌جویی‌های حاصل از آن را به‌عنوان منبع ششم انرژی، در کنار انرژی‌های فسیلی و تجدیدپذیر قرار می‌دهند، زیرا مدیریت انرژی می‌تواند منجر به چنان صرفه‌جویی‌هایی شود که گویی خود یک منبع جدید انرژی است.

برهمن اساس، امروزه مهم‌ترین ابزار برای مواجهه با افزایش بی‌رویه مصرف، جلوگیری از هدررفت انرژی است، به‌طوری که استقرار و بکارگیری آن، تضمین‌کننده بهینه‌سازی مصرف و انتخاب الگوی صحیح و اعمال سیاست‌های درست در مصرف انرژی است؛ به بیان دیگر، بهینه‌سازی مصرف انرژی از تولید تا توزیع و در نهایت مصرف، به‌معنای بکارگیری پیشرفته‌ترین تکنولوژی‌ها و استفاده از علوم نوین مدیریت است.

به‌تعبیر دیگر، بهینه‌سازی مصرف انرژی، افزایش آگاهی، ایجاد فرهنگ صحیح و در نتیجه، مدیریت صحیح بر منابع و مصارف انرژی است که نیاز مهم امروز اقتصاد ایران نیز محسوب می‌شود. از طرفی، در حوزه انرژی در کشور فقط مشکل مصرف را ندانیم و اگر یک فرآیند را از زمان تشخیص برای تولید و توزیع در نظر بگیریم و پس از آن به مصرف برسیم، اعتقادمان این است که تمام این مراحل مهم هستند؛ یعنی از زمانی که یک فناوری را برای تولید انرژی انتخاب می‌کنیم، باید دقت کافی در نوع فرآیند و تکنولوژی مینول شود؛ به عبارت دیگر، اگر فرآیندها و ساختارهای مان در بکارگیری منابع درست باشد، به‌طور حتم عملکرد سازمان در بهره‌وری انرژی بالاتر خواهد بود. بر این پایه و با نگاه فرآیندی و سیستمی، اعتقاد داریم اگر مادر سالم داشته باشیم، کودک سالم هم خواهیم داشت. این نگاه مادر سالم برای کودک سالم از همه ابعادش مهم است؛ نه فقط تولید محصول درست و باکیفیت، بلکه استفاده درست از منابع و امکانات از جمله انرژی.

به هر تقدیر، انتظار می‌رود مدیریت مصرف انرژی مانند سایر موضوعات اولویت‌دار، به یکی از دغدغه‌های مهم مدیران سازمان‌ها بدل شود و شاهد افزایش بهره‌وری در حوزه بسیار مهم انرژی در کشور باشیم تا بدین ترتیب بتوانیم از منابع متوسط، ستانده عالی داشته باشیم، نه از منابع عالی، ستانده متوسط. با آنچه از نظر گذشت، می‌توان گفت: «مدیریت» حلقه مفقوده مصرف انرژی در اقتصاد ملی ایران است.

و اما برای درک ضرورت موضوع «مدیریت» در مصرف انرژی باید نگاهی به جایگاه ایران در حوزه انرژی و ضرورت بهینه‌سازی مصرف بیندازیم. ایران دارنده بزرگ‌ترین ذخایر گاز و گاز در جهان است. این مهم همه‌ساله از سوی ژانسن‌ها و مراکز بین‌المللی معتبر بررسی و اعلام و مهر تأیید بر آن زده می‌شود. میزان ذخایر اثبات‌شده نفت ایران، حدود ۱۵۸ میلیارد بشکه و ذخایر گازی ایران در سطح ۳۴ تریلیون مترمکعب است. همچنین، ایران بیش از ۹ درصد کل ذخایر نفتی اثبات‌شده جهان را در اختیار دارد و همچنین چهارمین مالک بزرگ ذخایر نفتی در جهان محسوب می‌شود. اما در بخش گاز، کشورمان نزدیک ۱۸.۲ درصد کل ذخایر جهان را در خود جای داده است و بزرگ‌ترین دارنده ذخایر گازی جهان به‌شمار می‌رود.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، کشور ما از حیث ذخایر نفت و گاز در وضعیتی بسیار ایده‌آل و استثنایی قرار دارد، اما در موضوع مدیریت و شدت مصرف این انرژی‌های پایان‌پذیر، در شرایط پایدار و رضایت‌بخشی قرار نداریم و ارقام مصرف انرژی در ایران همواره در دنیا رکورد زده است؛ رکوردی منفی و تاسف‌برانگیز.

با نگاهی به شدت مصرف انرژی در ایران و مقایسه آن با کشورهای توسعه‌یافته یا در حال توسعه درمی‌یابیم که فاصله‌های بعید در این زمینه وجود دارد. شدت مصرف ما حدود ۹ برابر کشوری مثل ژاپن (که کمترین شدت انرژی را در دنیا دارد) و حدود ۴ برابر شدت انرژی متوسط دنیاست. تنها در بخش ساختمان، بیش از ۴۰ درصد انرژی کشورمان به‌صورت بی‌رویه مصرف می‌شود که علت اصلی آن به نوع ساخت و بی‌توجهی به مبحت ۱۹ و معاینه فنی دوره‌ای موتورخانه‌ها برمی‌گردد.

از سوی دیگر، تلفات انرژی هم در شبکه انتقال و توزیع زیاد است و در مجموع به حدود ۱۵ تا ۱۷ درصد می‌رسد که از این میزان حداقل ۱۲ درصد مربوط به شبکه توزیع و فوق توزیع است و حدود ۳ تا ۵ درصد هم مربوط به شبکه انتقال می‌شود که اگر با تدابیری ویژه می‌توانستیم مجموع تلفات توزیع و انتقال را به حدود میانگین جهانی ۷ تا ۸ درصد برسانیم، کمک شایان توجهی به مدیریت مصرف انرژی می‌شد. به‌اعتقاد نگارنده، روش‌های بهینه‌سازی مصرف انرژی با هدف مقابله با شدت مصرف انرژی به‌طور معمول به ۲ دسته قیمتی و غیرقیمتی تقسیم می‌شوند. بر این اساس، اصلاح ساختارها و قوانین، ارتقای فناوری و اصلاح رفتار مصرف‌کنندگان به‌عنوان ۳ راهکار عمده غیرنفتی و سیاست‌های مالیاتی (یارانه‌ای) و آزادسازی قیمت‌ها به‌عنوان مهم‌ترین ابزارهای قیمتی شناخته و توصیه می‌شوند. در همین حال، بسیاری از صاحب‌نظران، اجرائشدن تورم ۲ روش قیمتی و غیرقیمتی را دلیل عدم موفقیت سیاست‌های بهینه‌سازی مصرف انرژی در ایران و پایین بودن بهره‌وری آن می‌دانند.

کلام پایانی اینکه، اصلاح الگوی مصرف و مدیریت انرژی در ایران و جایگاه منطقی آن در اقتصاد، نیازمند اراده و عزمی جدی است. در این میان، ابزار نرخ تنها انگیزه کافی برای رشد بهره‌وری را از طریق جایگزینی بین عوامل تولید فراهم می‌کند. اگر در این شرایط، ساختار اقتصادی و امکانات لازم برای ارتقای کارایی موجود نباشد، نمی‌توان انتظار داشت الگوی مصرف انرژی و موقعیت آن در اقتصاد ملی ایران اصلاح شود.

نظارت بر نمایش خانگی به صداوسیما واگذار شد

تصویب به‌عنوان قانون به مجلس شورای اسلامی ارسال شود. براساس این مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، وظیفه نظارت در حوزه سکویای صوت و تصویر فراگیر و شبکه نمایش خانگی طبق قانون اساسی و قوانین موضوعه، برعهده سازمان صداوسیما قرار دارد.

پیمان جبلی، رئیس صداوسیما با اشاره به ابلاغ این مصوبه تأکید کرده است: «به‌گفته دبیر محترم شورای عالی انقلاب فرهنگی، مصوبه این شورا در خصوص تثبیت نظارت صداوسیما بر نمایش خانگی توسط ریاست محترم جمهوری ابلاغ شد.»

معاون اول رئیس جمهوری در مراسم روز ملی اهدای خون تأکید کرد

ضرورت جلوگیری از خام‌فروشی پلاسما در کشور

مخبر خاطرنشان کرد: زمانی که کشور برای یک بیمار در اتاق جراحی نیاز بود تا چندین واحد خونی گرفته شود، اما با تلاش‌های سازمان انتقال خون و همراهی اهداکنندگان، به مرحله‌ای رسیدیم که نیاز به معوض خونی وجود ندارد و با بانک خونی اهداشوندگان نیازهای بیمارستانی و جراحی کشور تأمین می‌شود. وی بر ضرورت جلوگیری از خام‌فروشی پلاسما در کشور تأکید و اظهار امیدواری کرد که پالایشگاه پلاسما به‌عنوان یکی از پروژه‌های بزرگ نظام سلامت هرچه زودتر آغاز به کار کند و به‌سرانجام برسد.

معاون اول رئیس جمهوری همچنین در بخش دیگری از سخنان خود حوزه فرهنگ را بالاترین مولفه تمدن‌سازی برشمرد و اظهار کرد: فرهنگ تحول، تحرک و از خودگذشتگی مکتب عاشورا و اباعبدالله حسین (ع) نعمتی بزرگ برای ایرانیان و شیعیان جهان است که در دوران ۸ سال دفاع مقدس و پس از آن به‌خوبی به جهانیان نشان داد که اگر علم، فناوری و امکانات در دست تربیت‌شدگان فرهنگ عاشورا قرار گیرد، معنای دیگری برای بشریت خواهد داشت.

مخبر با بیان اینکه ارتقای علمی، تکنیکی و عملیاتی حوزه پزشکی از



معاون اول رئیس‌جمهوری بر ضرورت جلوگیری از خام‌فروشی پلاسما در کشور تأکید کرد و گفت: امید است پالایشگاه پلاسما به‌عنوان یکی از پروژه‌های بزرگ نظام سلامت هرچه زودتر آغاز به کار کند و به‌سرانجام برسد.

به‌گزارش ایرنا، محمد مخبر در مراسم چهل و نهمین سالروز تاسیس سازمان انتقال خون ایران و به مناسبت روز ملی اهدای خون با قدردانی از پیشرفت‌ها و دستاوردهای فناورانه و علمی این سازمان، افزود: سازمان انتقال خون از برجستگی‌های حوزه سلامت و درمان جمهوری اسلامی ایران است و امروز به جایی

رسیده‌ایم که می‌توان روند درمان بیماری‌های صعب‌العلاج همانند سرطان خون و بیماری‌های خاص را با پیشرفت‌های تکنولوژیکی در سازمان انتقال خون شروع کرد که این نعمت بزرگ و خیری خوب برای مردم ایران است. معاون اول رئیس‌جمهوری با اشاره به افتتاح ۲ مرکز خون‌گیری در استان‌های یزد و آذربایجان غربی بیان کرد: با توجه به تأمین صددرصدی نیلز خونی و فرآورده‌های خونی بیمارستانی در امسال ضرورت دارد تا برای اطمینان از تأمین ذخایر بانک خونی کشور مراکز خون‌گیری در سایر شهرهای کشور نیز ایجاد شود.

کنترل نقدینگی، نقطه محوری مهار تورم

ایران (چه در بودجه، چه در نظام بانکی و چه در صندوق‌ها) بی‌درازییم. اگر هدف مهار تورم است، به‌طور حتم باید نقدینگی را کنترل کنیم. در بحران مالی سال ۲۰۰۸ میلادی یا در دوره همه‌گیری کووید ۱۹ اگرچه پایه پولی گاهی تا ۴۰ درصد هم رشد داشت، اما دولت‌های غربی توانستند تورم را کنترل کنند. فریزین اظهار کرد: اساس مسئله مهار تورم، کنترل نقدینگی است و پایه پولی امکان دارد به‌دلیل مسائل رشد اقتصاد یا تغییرات تولید ناخالص داخلی افزایش یابد، اما باید سعی کنیم، تورم را مهار کنیم. در بسیاری از تحقیق‌ها، مسئله اثر نقدینگی بر تورم مورد بحث است. پایه پولی جزئی از نقدینگی است و ما باید نقدینگی را کنترل کنیم. برای کنترل نقدینگی باید ناترازی را ملاحظه و کنترل کنیم. ما امسال بسته جامعی را در دولت طراحی کردیم که به‌واسطه آن، سیاست‌های پولی و مالی به تفکیک وظایف بانک مرکزی، وزارت اقتصاد و سازمان نامه و بودجه‌پیکری شود. ما به این مسئله واقفیم که بانک مرکزی نمی‌تواند به تنهایی اهداف را محقق کند و این نیازمند یک سیاست‌گذاری جامع‌نگر است.

وی همچنین درباره برنامه‌های بانک مرکزی برای بازگرداندن تورم به میانگین بلندمدت (حدود ۲۰ درصد) گفت: ما از مقادیر متوسط بلندمدت تورم، بسیار فاصله گرفته‌ایم. البته هنوز به هسته‌های سخت تورم که ۱۵ تا ۲۰ درصد است، نرسیده‌ایم و بیشتر در شرایط حبابی هستیم که بخش عمده‌ای از آن، ناشی از انتظارات است.

به‌نحوی دیگر، ما از ۵ تا ۵ سال گذشته در چرخه تورم گیر کرده و از مقادیر متوسط تورم فاصله گرفته‌ایم. هرچند در ماه‌های ابتدایی امسال این فاصله و شکاف کمتر شده و کاهش یافته است. تورم (معیار تورم در سطح



رئیس کل بانک مرکزی با تأکید بر اینکه اگر هدف مهار تورم است، به‌طور حتم باید نقدینگی را کنترل کنیم، گفت: برخی افراد از نرخ ارز شنوار برای بازار آزاد یاد می‌کنند، اما نرخ شنوار به‌معنای تغییر لحظه‌به‌لحظه یا ساعت‌به‌ساعت نیست؛ این در واقع به‌معنای بی‌ثباتی است.

به‌گزارش ایرنا، رئیس کل بانک مرکزی با بیان اینکه مهم‌ترین مسئله امروز اقتصاد ایران، تورم است، افزود: مسئول این مقوله طبق قانون، بانک مرکزی است که باید با تدوین سیاست پولی و ابزارهای در اختیار، مهار تورم را انجام دهد.

البته مسئله تورم در ایران فقط به بانک مرکزی محدود نمی‌شود و تورم ناشی از سلطه مالی یا ناترازی‌ها یا کسری بودجه هم هست، اما بانک مرکزی باید به سیاست‌گذاران پاسخگو باشد و سیاست‌های صحیح را در این‌باره اتخاذ کند. فریزین تصریح کرد: در نظر داشته باشید که اقتصاد ایران در دهه ۹۰ با تشدید تحریم‌ها مواجه شد و بعد از آن، فرآیند تأمین منابع مالی در تنگنا قرار گرفت. دولت و نظام پولی ناگزیر برای تأمین نیاز دولت و جامعه به‌سمت خلق بیشتر پول گام برداشت. سرمایه‌گذاری کاهش یافت، فروش نفت سخت شد و بسیار کاهش یافت و معادل این کاهش درآمد و سرمایه‌گذاری، دولت برای تأمین مالی و درآمد، به روش ترمی روی آورد. نرخ‌های اقتصاد کلان در اقتصاد ایران از سال ۹۶ از سطوح تعادلی فاصله گرفت و نرخ تورم به بالاتر از متوسط گذشته قدم گذاشت؛ در چنین برهه زمانی، نقدینگی بیشتر می‌شود و اقتصاد در حالت رشد حباب‌گونه قرار می‌گیرد.

باید به ریشه ناترازی‌ها بپردازیم

رئیس کل بانک مرکزی با اشاره به تأثیر ناترازی‌ها بر تورم گفت: اگر می‌خواهیم تورم را مهار و کنترل کنیم، باید به ریشه ناترازی‌ها در اقتصاد

نداوم توقیف ۴۲۶ کانتینر لوازم خانگی «بوش»

جمع‌آوری اموال تملیکی ادامه داد: در شرایطی که قوانین و مقررات واردات انواع کالاها از جمله لوازم‌خانگی به کشور دست‌خوش تغییرات در سال ۱۳۹۷ قرار گرفت، برخی محموله‌ها یا در حال حمل به کشور بودند یا وارد گمرکات شده بودند، اما اگر اظهار نشده بودند که مشمول قوانین جدید می‌شوند.

این ۴۲۶ کانتینر لوازم‌خانگی نیز در فرآیند واردات و تا زمان تغییرات اعمال‌شده در قوانین اظهار نشده بودند.

عضو هیات‌مدیره و معاون بهره‌برداری و فروش اموال منقول سازمان جمع‌آوری اموال تملیکی با بیان اینکه ۲۸ اسفند سال گذشته، مرجع قضایی



معاون سازمان جمع‌آوری اموال تملیکی درباره جزئیات و آخرین وضعیت ۴۲۶ کانتینر لوازم‌خانگی خارجی بوش در گمرکات استان هرمزگان گفت: همچنان دستور مقام قضایی برای توقف فروش این لوازم‌خانگی که ارزشی بالغ بر هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان دارد، پابرجاست.

سعید غلامی باغی در گفت‌وگو با ایسنا، اظهار کرد: مشکل به‌وجودآمده برای این محموله لوازم‌خانگی به‌خاطر تغییر قوانین و مقرراتی بود که دربراسه کالاهاهی منقول‌الورود اتفاق افتاد؛ بنابراین ثبت سفارش و ترخیص آنها با مشکل مواجه شد.

عضو هیات‌مدیره و معاون بهره‌برداری و فروش اموال منقول سازمان

ویژه‌تر از خبر

تفاهم بر ای تداوم «روند آستانه»

امیرعبداللهیان بیان کرد: تقویت بخش خصوصی دوطرفه، افزایش سفرهای هوایی میان ۲ کشور به موزات توسعه همکاری‌های اقتصادی و نیز همکاری در حوزه ترانزیت نیز امروز مورد بحث قرار گرفت. در ادامه این نشست، فیصل مقداد، وزیر خارجه سوریه نیز با ابراز خرسندگی از سفر به ایران و دیدارش با وزیر امور خارجه کشورمان، اظهار کرد: ملت سوریه از سفری که آقای رئیسی به سوریه داشتند، خرسند هستند و با بیان اینکه ۲ کشور تلاش می‌کنند تا روابط ایران و سوریه دستاوردهایی داشته باشد، گفت: گام‌های عملی در این‌باره آغاز شده و با دستورات رهبران ۲ کشور، تلاش داریم این اقدامات را گسترش دهیم. وزیر امور خارجه سوریه نیز در نشست مطبوعاتی مشترک با حسین امیرعبداللهیان گفت: سفر اخیر رئیس جمهوری ایران به دمشق، صفحه جدیدی را در گسترش روابط ۲ کشور ایجاد کرده است. وی با تأکید بر حمایت از گسترش روابط ایران و کشورهای عربی ادامه داد: جنایت‌های امریکا در سوریه جنایت جنگی است. این جنایت‌ها پایان می‌یابد و ملت سوریه اجازه نمی‌دهد که اشغالگری و جنایت امریکا در سوریه ادامه پیدا کند و آنها را مجبور می‌کند که سوریه را ترک کنند. فیصل المقداد در بخشی دیگری از صحبت‌های خود با انتقاد از حضور نیروهای نظامی ترکیه در شمال سوریه گفت: نیروهای بیگانه نظامی ترکیه در سوریه حضور دارند. هیچ دشمنی بین ملت‌ها وجود ندارد و ما می‌خواهیم نیروهای بیگانه از سرزمین‌مان بیرون بروند.

وزیر امور خارجه با بیان اینکه با پیگیری مستمر وزرای کابینه ۲ کشور، شاهد پیشرفت‌هایی در اجرایی شدن توافقات اقتصادی، تجاری و فناوری بین ۲ کشور هستیم، گفت: تشکیل شرکت مشترک بیمه، توافق برای معاملات تجاری با پول ملی ۲ کشور و آغاز سفر زائران ایرانی به سوریه پیگیری می‌شود.

به‌گزارش ایرنا، حسین امیرعبداللهیان در نشست خبری مشترک با فیصل مقداد، همتای سوری خود در تهران، با اشاره به سفر هیات‌های سیاسی و اقتصادی برای پیگیری توافقات سفر اخیر آیت‌الله رئیسی به دمشق اظهار کرد: در هیات‌اعزامی سوریه، علاوه بر وزیر خارجه این کشور، وزرای اقتصاد و ارتباطات دولت سوریه نیز حضور دارند و امروز هم‌زمان با این دیدار، نشست کمیسیون مشترک اقتصادی ایران و سوریه به ریاست آقای بذریاش، وزیر راه و شهرسازی و همتای سوری وی برگزار شده است. امیرعبداللهیان یکی از محورهای رایزنی خود با وزیر خارجه سوریه را پیگیری اجرایی شدن اسناد همکاری‌های امضا شده در سفر آیت‌الله ابراهیم رئیسی به دمشق عنوان کرد و گفت: امیدواریم با پیگیری مستمر سفرهای ۲ کشور، شاهد پیشرفت اجرای توافقات در زمینه‌های مختلف باشیم. به‌گفته وی، تشکیل شرکت مشترک بیمه، توافق برای معاملات تجاری با پول ملی ۲ کشور، آغاز سفر زائران ایرانی به سوریه به‌شکلی مناسب و با توجه اقتصادی که هموطنان خواهند به امکان زیارتی در سوریه دسترسی پیدا کنند، از دیگر محورهای گفت‌وگوهای وزرای خارجه ایران و سوریه بود.



دیدار حسین امیرعبداللهیان و فیصل مقداد



اماواگرهای تامین برق صنایع از طریق بورس

سیامک مقتداری
فعال حوزه صنعت

عرضه برق در بورس، یکی از راهکارهایی است که به‌تازگی برای تامین برق صنایع مورد توجه جدی‌تر قرار گرفته و به‌نظر می‌رسد در این راستا صنعت با چالش‌های جدیدی مواجه شود. در حال حاضر ابعاد عرضه برق در بورس برای صنعتگرانی که می‌توانند از این طریق برق موردنیاز واحد صنعتی خود را تامین کنند و روند به رقابت کشیده شدن یا نشدن آن در زمان عرضه، مشخص نیست. این طرح باید مدتی در سطح وسیع اجرا و کم‌وکیف آن مشخص شود تا براساس مواردی که در مواجهه با آن نمایان خواهد شد بتوانیم درباره مزایا و معایب آن به‌طور خاص صحبت کنیم.

براساس آخرین خبرها، واحدهای صنعتی که مصرف برق‌شان بیش از یک مگاوات است، ملزم به خرید برق موردنیاز خود از بورس انرژی هستند. در این زمینه پرسش‌های زیادی مطرح می‌شود که باید پاسخ داده شود. آیا برق عرضه‌شده در بورس به رقابت کشیده می‌شود؟ نسبت برق عرضه‌شده در بورس و تقاضا برای آن به چه صورت است؟ اگر عرضه برق به بورس کمتر از تقاضا باشد، تکلیف واحدهایی که ملزم به خرید برق از بورس هستند چه خواهد شد؟ و... در بورس کالا، فرآیند کار به این صورت است که متقاضی کالا باید در یک فضای رقابتی حضور یابد و احتمال دارد زمانی که عرضه کالا کمتر از تقاضا برای آن است، برنده نشود. البته روش دیگری هم قبلاً از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت دنبال می‌شد که سهمیه‌بندی بود؛ یعنی براساس میزان عرضه به‌نسبت سهمیه‌بندی انجام می‌شد. البته زمان‌هایی هم عرضه و تقاضا متناسب است و کالای عرضه‌شده در بورس با نرخ پایه به فروش می‌رسد. اینها شکل‌های گوناگونی از عرضه یک کالا در بورس است.

وقتی صنعتگر ملزم به خرید برق از بورس است، دیگر نمی‌تواند آن را از بازار تهیه کند. در حالی که اگر صنعتگر در خرید مواد اولیه از بورس موفق نشود، می‌تواند آن را از بازار خریداری کند یا در مواردی که مواد اولیه ذخیره‌شده دارد تا عرضه بعدی مواد اولیه در بورس منتظر می‌ماند، اما درباره برق این‌گونه نیست و در این زمینه محدودیت‌هایی وجود دارد. حال اگر صنعتگر موفق به خرید برق از طریق بورس نشود، تکلیف ادامه فعالیت در واحد تولیدی او چه می‌شود؟

در این میان یکی از موضوعاتی که باید درباره عرضه برق در بورس مورد توجه قرار گیرد، این است که برق جزو کالاهایی است که دولت بابت آن پارانۀ پرداخت می‌کند و این موضوع نیز در روند عرضه آن در بورس تاثیرگذار خواهد بود.

صنعتگر باتوجه به مواردی که از سوی نهاد مربوطه تعیین می‌شود، درباره اینکه برق مصرفی خود را از بورس تامین کند یا شبیه، براساس هزینه‌فایده‌ای که برای او خواهد داشت، تصمیم‌گیری خواهد کرد. به‌عنوان نمونه اگر قرار است با پرداخت مبلغی دیگر دچار قطعی برق نشود، امکان دارد از عرضه برق در بورس استقبال و برق موردنیاز خود را از این طریق تامین کند.

برخی از مواد مطرح‌شده در دستورالعمل عرضه برق در بورس همچنان سوال‌برانگیز است. براساس این دستورالعمل، صنعتگران می‌توانند برق موردنیاز خود، مثلاً برق مراد که احتمال قطعی برق در این ماه بیشتر است را پیش‌خرید کنند. در این صورت، برق واحد صنعتی در روزهای پیک مصرف برق که احتمال قطعی برق نیز وجود دارد، تامین خواهد بود. البته در این زمینه نیز ابهاماتی وجود دارد. به‌عنوان مثال در زمان قطعی برق سراسری، شبکه برق داخل شهرک‌های صنعتی و طبیعتاً برق واحدهای صنعتی که در این شهرک‌ها فعالیت می‌کنند، قطع خواهد شد. در این صورت، چگونه تامین برق برای واحدی که برق موردنیاز این دوره زمانی را از بورس پیش‌خرید کرده، امکان‌پذیر می‌شود؟ باتوجه به این موضوع، این بخش از مزیت‌های عرضه برق در بورس شاید فقط شامل حال واحدهایی تولیدی شود که پست برق مستقل دارند.

همان‌طور که می‌دانید به‌طور مشخص در چند سال گذشته، اغلب طرح‌هایی که در راستای کمک به تولید و صنعت کشور اجرایی شده، بیشتر جنبه ایجاد محدودیت داشته تا حمایت؛ در ظاهر برنامه‌های زیادی در راستای حمایت از تولید اجرایی شده، اما در نهایت نتنها به نفع تولید نبوده که در برخی موارد خود به مانع و محدودیتی در مسیر حرکت تولید تبدیل شده‌اند. آنچه مسلم است اینکه در بخش‌های گوناگون از تامین برق و گاز گرفته تا مواد اولیه، ارز، بیمه و بانک‌ها عرصه بر تولیدکننده سخت شده و هر جا تنگنایی برای دولت ایجاد می‌شود، برای عبور از آن، اول از همه به تولید فشار می‌آورد.

دولت به محض اینکه با کمبود برق و گاز در کشور مواجه می‌شود، اول برق و گاز صنایع را قطع می‌کند. در نتیجه همین بازخوردها و عملکرددهاست که تولیدکننده امیدی به طرح‌های حمایتی دولت ندارد. تجربه نیز این را به اثبات رسانده که دولت نتنها مسیر حرکت تولید را هموار نمی‌کند، بلکه گاه مستقیم و غیرمستقیم با اجرای طرح‌های به‌اصطلاح حمایتی مانع حرکت چرخ تولید و صنعت کشور نیز می‌شود.

در نهایت اگر عرضه برق در بورس چیزی جدا از شعارهای حمایتی باشد و به‌معنای واقعی مشکلات صنعتگران برای تامین برق موردنیازشان به‌ویژه در ماه‌های اوج مصرف که دفعات قطعی برق و زیان‌های ناشی از آن بیشتر است را برطرف کند و از سوی دیگر با هدف ارتقای صنعت برق کشور اجرایی شود، می‌توان امیدوار بود در این دو بخش شاهد تحولات مثبتی باشیم.

شهاب صناعی

editor@smtnews.ir

گلابه صنعتگران از راهکارهای مقطعی رفع مشکل کمبود گاز بهینه‌سازی مصرف در اولویت باشد

ایران با وجود اینکه دومین دارنده منابع گاز در جهان است، مشکلاتی در تامین گاز موردنیاز در بخش‌های گوناگون دارد که هر سال هم شکل جدی‌تری به خود می‌گیرد. فاجعه اینجاست که در مصرف این سوخت نیز با هدررفت بالایی مواجهیم. در چنین شرایطی هر از گاهی شاهد راهکارهای دولت با هدف رفع این کمبود هستیم که در تازه‌ترین اقدام برای تشویق مصرف‌کنندگان بخش‌های گوناگون به صرفه‌جویی در مصرف گاز، موارد تشویقی و برای بر مصرف‌ها هم افزایش پلکانی تعرفه گاز مصرفی را در نظر گرفته است. به‌باور کارشناسان درست این است که با ایجاد یک متولی برای بهینه‌سازی مصرف گاز و استفاده از ابزارهای قیمت، فناوری، قانون و فرهنگ‌سازی به‌دنبال حل مشکل باشیم و صرفاً تمرکز بر یک ابزار مانند تعرفه چندان کارساز نخواهد بود. آیا به‌راستی چنین رویکردهایی در کاهش مصرف انرژی تاثیرگذار خواهد بود؟ از سویی دیگر هرگونه محدودیت و تغییر در روند تامین انرژی به‌طور مستقیم بخش تولید را نشانه می‌گیرد و باید به این موضوع نیز توجه شود. **صنعت** در این گزارش به تاثیر تغییرات تعرفه‌ای در محاسبه هزینه گاز واحدهای صنعتی پرداخته که در ادامه می‌خوانید. با ما همراه باشید.

راهکارهایی که به ضرر تولید است

به‌تازگی طبق اعلام شرکت ملی گاز، اگر صنایع ۵ روز متوالی در روزهای سرد سال دست‌کم ۲۰ درصد کاهش مصرف گاز داشته باشند، تخفیف ۱۰ درصدی تعرفه به آنها تعلق می‌گیرد و در مقابل با افزایش مصرف، تعرفه گاز آنها پلکانی افزایش خواهد داشت. دولت به‌طور مشخص این رویکرد را در راستای کاهش مصرف دنبال می‌کند. بوسن اکبرپورپایدار، فعال حوزه صنعت درباره تاثیری که این اقدامات بر روند فعالیت صنایع خواهد گذاشت به **صنعت** گفت:

«به‌نظر من، اینکه برای کاهش مصرف، تخفیفاتی در نظر گرفته شود، به صرفه‌جویی در مصرف گاز منجر نخواهد شد. باید بررسی کنیم ببینیم ریشه مشکل کجاست و چرا باید در کشوری که منابع عظیم گاز دارد، با کمبود گاز مواجه باشیم. چرا باید در یک رویه نادرست، صنعت را محدود کنیم تا گاز مصرفی کشور تامین شود. یک مشکل اساسی و مهم که در این زمینه وجود دارد و نخست باید آن را حل کنیم، این است که دست‌کم حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد پرت انرژی در کشور داریم؛ یعنی راهکارها باید باتوجه به هدررفت انرژی در کشور ارائه شود؛ به‌عبارتی دولت باید برای حل ریشه‌ای این معضل، بهینه‌سازی مصرف سوخت صنایع را در اولویت قرار دهد و بر روند اجرای برنامه‌های مربوط به آن نظارت کند، بودجه تخصیص دهد، آموزش بدهد و در مجموع حامی و کمک‌کننده واقعی بخش صنعت و تولید کشور باشد.»

وی ادامه داد: باتوجه به شرایط کشور ما هم در تولید گاز و هم مصرف آن، شکی نیست که بهینه‌سازی مصرف سوخت برای کل

مشتترکان انرژی در بخش‌های گوناگون از گاز گرفته تا برق و آب می‌تواند رویکرد بسیار خوبی باشد که به‌طور واقعی نیز اجرای آنها امکان‌پذیر است و در بلندمدت بسیاری از مشکلات ما در این بخش را برطرف می‌کند.

امنیت سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی نداریم

و اصلاح الگوی مصرف از سوی دولت‌های گوناگون در حوزه برق، آب و... تهیه و اجرا شده، موفق نبوده‌اند که نشان می‌دهد در این زمینه عارضه‌یابی درستی انجام ندادیم یا اگر اقدامی شده، سیاست‌گذار به هر دلیلی تشخیص داده سیاست‌های قبلی اجرا شود و از سیاست‌گذاری جدید فاصله گرفته‌ایم. این رویکرد باعث شده همچنان با مشکلاتی در این زمینه روبرو باشیم. اینکه در زمینه تولید گاز برنامه نداریم و کسی به این حوزه ورود نمی‌کند هم به این موضوع برمی‌گردد که امنیت سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی وجود ندارد و رویکرد آینده ما مشخص نیست.

وی ادامه داد: اثر تامین نشدن گاز بر بخش صنعت به‌طور مشخص در قیمت تمام‌شده کالا نمایان خواهد شد. این موضوع مشخص و روشنی است که کاهش یا افزایش هزینه انرژی قیمت محصولات را صعودی یا نزولی خواهد کرد و به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر وضعیت صنعت و تولید کشور تاثیرگذار خواهد بود و در ادامه مصرف‌کنندگان نیز تحت‌تاثیر این قرار خواهند گرفت. در کل کاهش مصرف گاز بدون سرمایه‌گذاری محقق نخواهد شد. درست این است که شرایطی فراهم شود که واحدهای تولیدی هم خود در زمینه کاهش مصرف اقدام و برای بهینه‌سازی مصرف انرژی سرمایه‌گذاری کنند. باید شرایط به‌گونه‌ای باشد که هزینه تولیدکننده در این زمینه در طول زمان به او برگردد و از این روند منفعت ببرد تا در راستای نوسازی و بهسازی تجهیزات اقدام کند. صرفه اقتصادی ناشی از این امر باید مورد توجه قرار گیرد.

رقابت‌پذیری با کاهش قیمت تمام‌شده

صالحی ادامه داد: البته تکنولوژی و فناوری به کمک ما خواهد آمد و به‌واسطه ورود تکنولوژی انرژی در آینده ارزان‌تر خواهد شد. به‌عنوان نمونه در حال حاضر شاهد کاهش هزینه تولید برق خورشیدی هستیم. وی افزود: در دنیا انرژی که به صنعت اختصاص

راهکار اصلی گذر از کمبود گاز در کشور هم در بخش خانگی و هم غیرخانگی، بهینه‌سازی مصرف است و با استفاده از ابزار قیمت و تکنولوژی می‌توان راه‌حل‌های متعدد دیگری هم ایجاد کرد. از سویی هم باید در رویکردهایی که داریم، تغییراتی ایجاد و سیاست‌های جدیدی را دنبال کنیم. درست این است که با فناوری



عکس: صناعت



مصرف را کاهش می‌دهد. در ادامه این روند قیمت تمام‌شده محصول کاهش خواهد داشت و به نفع مصرف‌کننده خواهد بود.

وی در ادامه با اشاره به اینکه محاسبه گاز مصرفی صنایع با نرخ جدید در دسر دیگری برای صنعت کشور است، اظهار کرد: در حالی که تولیدکننده چند ماه هزینه گاز را با تعرفه مشخصی پرداخته و براساس آن قیمت تمام‌شده کالایش را محاسبه کرده و آنها را به فروش رسانده، حالا باید بابت همان گاز مصرفی، هزینه دیگری پرداخت کند. با این رویه تمام محاسبات و برنامه‌ها بهم می‌ریزد و تولیدکننده درگیر چالش جدیدی می‌شود که بر مشکلات قبلی او افزون خواهد شد.

در این روند تنها تولید آسیب می‌بیند و این سوال مطرح می‌شود که به‌راستی چرا باید چنین رویه‌هایی دنبال شود که ضرروزیان زیادی دارد و صنعت گرفتار را گرفتارتر از قبل می‌کند. با این کارها، صنعت زمین می‌خورد و شکی نیست که این اقدامات درست نیست و اجرای آنها جای تامل دارد.

اکبرپورپایدار در پایان با اشاره به اینکه باید یک‌بار برای همیشه معضل کمبود انرژی بخش صنعت را حل کنیم، گفت: باید به‌طور جدی زیرساخت‌های تامین انرژی برای صنایع و واحدهای تولیدی ایجاد شود که نیازمند برنامه‌ریزی‌های کلان در این بخش است.



داده می‌شود، ارزان‌تر از مصارف خانگی است، چون در صنعت این انرژی تبدیل به درآمد ملی می‌شود، اشتغال ایجاد می‌کند و مزایای بسیار دارد. هرقدر تولید ثروت توسط بنگاه‌های اقتصادی بیشتر شود، دولت منتفع‌تر خواهد شد، چون شریک بنگاه‌هاست. بنگاه‌هایی که مصرف انرژی کمتری دارند نرخ تمام‌شده محصولاتشان کمتر است که برای آنها مزیت رقابتی ایجاد می‌کند و به‌طبع نتایج مثبتی برای اقتصاد کل به‌دنبال خواهد داشت. رقابت همیشه خوب است و منجر به ارتقای تولید می‌شود. رقابت‌پذیری اصل مهمی در داشتن یک اقتصاد و تولید سالم است و تلاش دولت‌ها باید در این زمینه باشد که رانت مانع رقابت‌پذیری نشود.

صالحی درباره تاثیر اقداماتی مشابه طرح اخیر در تعیین تعرفه گاز بر صرفه‌جویی در مصرف انرژی اظهار کرد: مشکلات زیرساختی کلان منجر به کمبود انرژی صنایع شده که به ادامه رویکردها و سیاست‌های گذشته برمی‌گردد؛ بنابراین اگر رویکردمان را تغییر دهیم، آینده خوبی خواهیم داشت، در غیر این صورت، به اینکه با این رویه شاهد صرفه‌جویی در مصرف گاز و کاهش هدررفت آن باشیم، خوشبین نیستیم.

این‌فصالح حوزه صنعت در پایان تاکید کرد: سال‌هاست که مشکلات تولید نتها کم نشده که بزرگ‌تر هم شده است. به‌راستی چرا چنین است؟ این پرسشی است که باید از خودمان پرسیم. اینکه رویکردمان را تغییر نمی‌دهیم، یکی از دلایل مشکلات روزافزون ما است و مصداق این عبارت انیشتین که «از کسانی که سنگ جلوی پای شما می‌اندازند، انتظار نداشته باشید خودشان این سنگ را بردارند.»

سخن پایانی

روز پیش برویم و سیاست‌گذار روی موضوعات جدید متمرکز شود. به‌عنوان نمونه گسترش استفاده از پنل‌های خورشیدی را هدف‌گذاری و از ظرفیت‌های موجود در این حوزه استفاده کنیم تا مصرف گاز خانگی کاهش و سهم بیشتری از گاز تولیدی کشور به صنایع اختصاص یابد.

با ابلاغ دستورالعمل جدید ثبت محدوده معدنی

هر ۱۴۵ هزار تومان، یک امتیاز مالی

گیتا جاودانی: با ابلاغ دستورالعمل مربوط به آیین‌نامه اجرایی قانون معدن و ویرایش ۱۴۰۲، خبر پیشین روزنامه **معدن** (چهارشنبه ۴ مرداد ۱۴۰۲) درباره افزایش حداقل موجودی سه ماهه حساب تأیید شد. گفته می‌شود این مبلغ برای سال ۱۴۰۲ به یک میلیون و ۴۵۰ هزار ریال افزایش پیدا کرده است. در سال‌های نه چندان دور برای ثبت محدوده معدنی نیازی به اثبات صلاحیت فنی و مالی نبود و افراد حقیقی و حقوقی می‌توانستند به سادگی محدوده‌ای ثبت کنند و عملیات اکتشاف و استخراج را انجام دهند. اما در سال‌های اخیر اثبات

صلاحیت فنی و مالی مطرح شد و وزارت صمت ارائه درخواست ثبت محدوده را مشروط به داشتن صلاحیت فنی و مالی کرده است. این موضوع، به ویژه امتیازات در نظر گرفته شده برای صلاحیت مالی متقاضیان به محل مناقشه فعالان معدنی تبدیل شده است. برخی آن را تحولی ضروری و دیر هنگام می‌دانند، اما در مقابل گروهی دیگر مخالف هستند و آن را ثبات عملی موضوع «ثروت برتر از علم» می‌دانند. در گزارش امروز **معدن** نگاهی داریم به تبعات این تغییرات برای فعالان بخش معدن.

سرمایه‌هایی که به چشم نمی‌آید



این تغییر است.

فشار بر متخصصان

اما دربارہ نتایج منفی باید گفت که وقتی بحث مالی پررنگ‌تر شود، در درجه اول افراد تشویق می‌شوند که سرمایه خود را در حساب نگه دارند و به گردش نیندازند تا شانس بالاتری برای ثبت محدوده‌های معدنی داشته باشند.

از سوی دیگر، وقتی کسی به‌واسطه نداشتن تمکن مالی نتواند محدوده‌ای را برای خود ثبت کند، شانس معدنکاری را از دست می‌دهد؛ این موضوع بیشترین فشار را بر فارغ‌التحصیلان و جوانان بانکدیزه وارد می‌کند.

مشکل دیگر این است که باوجوداینکه عنوان این بند «صلاحیت فنی و مالی» است، اما موضوع توان مالی همیشه وزن بیشتری دارد و پیام ضمنی‌اش این است که ثروت بهتر از علم است. چون اگر دانش کافی هم نداشته باشید، می‌توانید با مقداری پول امتیاز بگیرید، اما اگر پول نداشته باشید، راه به‌جایی نخواهید برد.

خواب سرمایه

وقتی میانگین سه‌ماهه سپرده حساب باید رقم مشخصی باشد، خودبه‌خود مشوق نگهداری سرمایه در بانک است. به‌عبارت‌دیگر، به‌جای اینکه پول وارد چرخه تولید شود، باید در حساب بانکی فرد راکد بماند تا فرد بتواند براساس آن، امتیاز کسب کند. به‌این‌ترتیب، سرمایه نقدی که محرک اصلی بخش اقتصاد است، از دور خارج و در پست‌تو ذخیره می‌شود. از طرف دیگر هم، فرد صاحب دانش در حوزه معدن به‌جای اینکه دنبال سرمایه‌گذاری برای راه‌اندازی معدن باشد، باید دنبال سرمایه‌گذاری بگردد که اول معدن او را ثبت کند.

به‌این‌ترتیب، سرمایه‌گذاری در بخش معدن دو، سه پله عقب‌تر می‌رود. علاوه بر این، هم متخصصان معدنی دل‌سرد می‌شوند و هم باعث رکود سرمایه در بانک‌ها می‌شود که به روند تولید و اشتغال در کشور لطمه زیادی وارد می‌کند.



عکس: ایلخانی

اهمیت پرینت حساب

مهدی رستمی معز، فعال معدن در استان همدان: عمده افراد متخصصی که در بخش معدن فعال هستند، چه در بخش پژوهشی باشند چه تولیدی یا مهندسی، معمولاً سرمایه نقد در دسترس ندارند. این دسته از افراد اگر سرمایه‌های هم داشته باشند، صرف تأمین ماشین‌آلات و اماکن اعم از مسکنی، اداری، آزمایشگاهی و... می‌شود. این در حالی است که سرمایه نقدی به وفور در دسترس دلالان است و در شرایط موجود خواه‌ناخواه پای این افراد بیش از پیش به حوزه دلالی پروانه‌های معدنی باز می‌شود و تنها با آن‌ها به پرینت حساب خود، وارد شراکت در معدن و ثبت محدوده‌ها می‌شوند.

معادنی که کور می‌شوند

به‌این‌ترتیب افرادی که از طریق دلال بازی و حضور در بازارهای پرسودی مانند خودرو، سسکه، ارز، طلا... انتفاع مالی فراوانی داشته‌اند، بدون هیچ سابقه فعالیت تولیدی و به صرف موج سواری بر التهابات اقتصاد، شانس حضور در این بخش را هم به‌دست آورده‌اند. مشکل دیگر این است که اگر از این میان فرد یا افرادی هم قصد فعالیت داشته باشند، چه بسا بدون توجه به ضرورت‌های مهندسی در باز کردن معدن، اقدام به برداشت و استخراج غیراصولی از منابع معدنی در دسترس می‌کنند و معدن را به اصطلاح «کور» می‌کنند. از دیگر آسیب‌های این رویه بازگذاشتن دست کلاه‌برداران است که در قالب اشخاص حقیقی و حقوقی و به قصد سودجویی اقدام به حساب‌سازی و مستندسازی می‌کنند و به این ترتیب برای برخی از افراد مورد نظر خود صلاحیت مالی دریافت می‌کنند و با پرداخت مبالغی جزئی به آن فرد، محدوده را تحت سیطره خود می‌گیرند.

با چه فرمولی محاسبه شد؟

هدف از تغییر امتیاز مالی، سنجش تاب آوری مالی متقاضیان انجام می‌شود اما روشن چیست که چگونه و با چه فرمولی به این اعداد می‌رسند. گفته می‌شود که افزایش تورم، علت اصلی افزایش ضریب امتیاز مالی است. اما سوال اینجاست که مگر هزینه‌های اکتشاف و استخراج در معدن گروه یک تا چهار، چقدر تغییرات ایجاد شده است که باید صلاحیت مالی به صورت چشمی افزایش یابد و دیگر اینکه عدد شاخص P چقدر تغییر پیدا کرده است که نتیجه آن افزایشی به این بزرگی

در امتیاز مالی است. این ابلاغیه عاملی بر سراه تولید و تسهیل مجوز و راه‌اندازی کسب‌وکار است زیرا با این مصوبه علاقه‌مندان واقعی نمی‌توانند وارد این حوزه شوند و عملاً از قدم اول حذف می‌شوند. این در حالی است که در قانون معدن برای اکتشاف و گواهی کشف و پروانه بهره‌برداری مدت زمان مشخصی جهت ایفای تعهدات متقاضی تعیین شده است و اگر فردی به هر دلیل نتواند وظایف خود را انجام دهد، سلب صلاحیت می‌شود و بنابراین نیازی به فیلتر در ابتدای امر نیست.

محروریت افراد ذی‌صلاح

با این شرایط چه بسا علاقه‌مندان بر خوردار از توان علمی و تخصصی، توان تأمین یک امتیاز را ندارند و ناچار از حق خود محروم می‌شوند. این در حالیست که قانون و مصوبات آن باید حامی صاحب حق باشد نه طرفدار عده خاص از صاحبان سرمایه. با این روش بسیاری از دانش‌آموختگان و شاغلان بخش معدن عملاً حذف شده‌اند. به عقیده من باید به جای تغییر مدام عدد امتیاز سرمایه، به اصل ۴۳ قانون اساسی توجه شود و به تشکیل شرکت‌های تعاونی توسط دانش‌آموختگان این رشته و شاغلان تحصیل‌کرده امتیاز تعلق گیرد تا بتوان شاهد توسعه فعالیت‌های معدنی بود نه اینکه با گذاشتن سدی دیگر راه را برهمه ببندند.

سخن پایانی

موافقان افزایش کف امتیاز مالی می‌گویند اگر این تغییرات صورت نگیرد، کسانی معدن را در اختیار خواهند گرفت که توانایی انجام فعالیت معدنی را ندارند و بسیاری از معادنی که مجدداً به مزایده گذاشته می‌شوند یا بلاکلیف می‌مانند، مربوط به همین دسته از بهره‌برداران است. به باور این گروه، اگر این چرخه ادامه پیدا کند، آسیب‌های بزرگی به بخش معدن کشور وارد می‌شود و چاره‌ای نیست که با تغییرات مکرر جلوی این چرخه باطل را گرفت.

مدیرعامل فولاد هرمزگان خبر داد:

افزایش سرعت اجرای پروژه‌های توسعه فولاد هرمزگان

● **احداث مدول سوم آهن‌سازی با ظرفیت ۱،۷۲ میلیون تن آهن اسفنجی در سال:**

هدف توسعه ظرفیت تولید واحد آهن‌سازی به‌منظور تأمین خوراک بخشی از آهن اسفنجی موردنیاز واحد فولادسازی در طرح توسعه ظرفیت آن واحد به ۳،۲ میلیون تن در سال است. عملیات خاک‌برداری و بتن‌ریزی فونداسیون سازه‌های مختلف و نصب بخشی از اسکلت فلزی سازه‌ها و همچنین ساخت تجهیزات داخلی در کارگاه‌های ساخت و خرید تجهیزات خارجی در حال انجام است. این پروژه ۷،۸۴ درصد پیشرفت دارد.

افزایش تعداد سیلوهای آهن اسفنجی:

هدف افزایش ظرفیت ذخیره‌سازی آهن اسفنجی با توجه به توسعه ظرفیت واحد آهن‌سازی، اطمینان از وجود میزبان ذخیره کافی آهن اسفنجی جهت واحد فولادسازی، آزادسازی فضا جهت اجرای طرح توسعه، کاهش ضایعات آهن اسفنجی و کاهش آلاینده‌ی زیست‌محیطی است. اجرای فونداسیون مخازن ذخیره‌سازی، سازه‌های ساختمانی و نوارقاله‌ها و همچنین تأمین داخلی و خارجی تجهیزات در حال انجام است. این پروژه ۱۴،۴۲ درصد پیشرفت دارد.

احداث واحد تولید گازهای صنعتی شماره ۲:

برای تأمین نیاز به گازهای صنعتی واحدهای تولیدی تا ظرفیت ۲ میلیون تن فولاد خام نیاز به احداث یک واحد تولید گازهای صنعتی با ظرفیت تولید اکسیژن به ظرفیت ۱۰ هزار Nm³/h است که با اجرای این پروژه، ظرفیت تولید گاز اکسیژن از ۷ هزار به ۱۷ هزار نرمال مترمکعب در ساعت افزایش خواهد یافت. در حال حاضر تهیه و ارسال مدارک مهندسی و خرید تجهیزات داخلی و خارجی در حال انجام است. رفع معارضات زیرزمینی انجام شده و همچنین عملیات خاک‌برداری، آرماژون‌بندی و بتن‌ریزی سازه‌های مختلف در دست اقدام است. این پروژه ۱۱،۳۳ درصد پیشرفت کرده است.

احداث ایستگاه کاهش فشار گاز طبیعی شماره ۲:

فراهم کردن زیرساخت لازم برای توسعه ظرفیت تولید، افزایش آماده‌به‌کاری و رفع محدودیت‌های ظرفیت ایستگاه گاز موجود از مزایای اجرای این طرح است. در حال حاضر، بخشی از تجهیزات تأمین شده و اجرای فونداسیون و تأمین باقی‌مانده تجهیزات در حال انجام است. این پروژه ۲۸ درصد پیشرفت دارد.

احداث تصفیه‌خانه پساب‌های صنعتی:

هدف پروژه ایجاد شبکه جمع‌آوری پساب‌های صنعتی، پمپ‌خانه‌های لازم و تصفیه‌خانه پساب‌های صنعتی به‌منظور تأمین بخشی از آب موردنیاز طرح توسعه، بازچرخانی آب و رفع مغایرت زیست‌محیطی ناشی از پساب‌های صنعتی است. در حال حاضر عمده فعالیت‌های سیویل و نصب استراکچر فلزی تصفیه‌خانه در حال اتمام است. تأمین و اجرای پمپ‌خانه‌ها و شبکه جمع‌آوری پساب‌ها در حال انجام است. همچنین تأمین خارجی تجهیزات مکانیکی و ابزار دقیق پروژه انجام شده و در محل سایت پروژه است. این پروژه ۴۸،۴۸ درصد پیشرفت دارد.

● **راه‌اندازی ترانس‌های MVA1۹۰ و ارتقای اتوماسیون در پست اصلی برق:**

هدف در مدار قرار گرفتن دو ترانسفورماتور جدید موجود در پست



میلیون تنی در دست اقدام است؛ در بخش فولادسازی انتخاب پیمانکار در حال انجام است و در بخش زیرساخت‌ها، پروژه‌های متعددی تعریف شده که برخی در فاز اجراست و برخی دیگر در فاز تکمیل مطالعات فنی و تهیه اسناد پیمان برای انتخاب پیمانکار قرار دارند.

طرح مهم دیگر، توسعه پایین‌دستی زنجیره ارزش با احداث واحد نورد گرم به ظرفیت ۱،۷ میلیون تن در سال ورق گرم است که تکمیل مطالعات فنی و تهیه اسناد پیمان آن برای انتخاب پیمانکار در حال انجام است. مهم‌ترین پروژه‌های توسعه‌ای که در فاز مطالعات فنی و تهیه اسناد پیمان هستند شامل افزایش ظرفیت واحد فولادسازی از ۱،۵ میلیون تن به ۳،۲ میلیون تن، احداث واحد نورد گرم به ظرفیت ۱،۷ میلیون تن، احداث مدول چهارم واحد آهن‌سازی به ظرفیت ۱،۶ میلیون تن، احداث واحد تولید گازهای صنعتی شماره ۱،۳ احداث ایستگاه کاهش فشار گاز طبیعی شماره ۲، توسعه پست اصلی برق ۲۳۰ ولت و ارتقای شبکه توزیع آن و همچنین توسعه زیرساخت‌های ریلی و ساختمانی است.

مهم‌ترین پروژه‌هایی که در فاز اجرا هستند کدام‌اند؟

● **افزایش ظرفیت تولید کوره‌های فولادسازی از طریق نصب Sidewall Lance.**

با انجام این پروژه و نصب لنس‌های تزریق اکسیژن، کربن و آهن در کوره‌های فولادسازی، نسبت مصرف انرژی الکتریکی مصرفی در کوره‌ها کاهش می‌یابد و با انرژی شیمیایی جایگزین می‌شود. از مزایای این پروژه می‌توان به افزایش تولید، بهبود کیفیت ذوب، کاهش مصرف انرژی الکتریکی، کاهش مصرف نسوز و الکتروود اشاره کرد. در حال حاضر فعالیت‌های مهندسی و تأمین تجهیزات تکمیل شده و فعالیت‌های پیش‌راه‌اندازی و راه‌اندازی در حال انجام است. این پروژه ۹۸،۵۲ درصد پیشرفت دارد.

● **افزایش ظرفیت تولید کوره‌های فولادسازی از طریق تعویض و ارتقای ترانس کوره شماره ۲ فولادسازی:**

در حال حاضر ترانس موجود در کوره، MVA ۱۲۰ با وزن ۱۳۴ تن بوده و سازه اتاق ترانس دارای تحمل این وزن است. هدف از اجرای این طرح مقاوم ساختن اتاق ترانس و تعویض یا ترانس جدید MVA ۱۴۰ با وزن ۱۶۰ تن است. با این ارتقا، ظرفیت تولید در واحد فولادسازی افزایش می‌یابد. فعالیت‌های مهندسی و تأمین تکمیل شده و راه‌اندازی گرم ترانس در حال انجام است. این پروژه ۷۷،۷۴ درصد پیشرفت دارد.

شرکت فولاد هرمزگان بر اساس رصد دائمی بازار و نیاز مشتریان، ضمن بررسی فرایندهای تولید، با انجام کار گروهی در واحدهای بهره‌برداری، تکنولوژی و توسعه، فروش و بازاریابی، در حال اجرای پروژه‌های توسعه خود با قوت و سرعت هرچه بیشتر است.

عطالله معروفخانی، مدیرعامل فولاد هرمزگان، در گفت‌وگو با خبرنگار روابط عمومی ضمن اشاره به اهمیت اجرای طرح‌های توسعه در بنگاه‌های اقتصادی به تشریح وضعیت و چگونگی روند پیشرفت این پروژه‌ها پرداخته است. ماحصل این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

● **قبل از اینکه به جزئیات پروژه‌های توسعه شرکت بپردازیم، بفرمایید که اساساً نگاه فولاد هرمزگان به توسعه چگونه است؟**

همان‌گونه که می‌دانیم، مقرر است که ظرفیت تولید فولاد کشور در اقی سال ۱۴۰۴ به ۵۵ میلیون تن افزایش یابد و بنابراین آمارهای اعلام‌شده، این ظرفیت هم‌اکنون ۴۷ میلیون تن است. با توجه به ظرفیت‌های بسیار خوبی که در استان زیربخش هرمزگان وجود دارد، سهم قابل‌توجهی از افزایش ظرفیت این صنعت در کنار آب‌های نیلگون خلیج فارس هدف‌گذاری و جانمایی شده است. اما اینکه چرا افزایش ظرفیت فولاد در کشور هدف‌گذاری شده است در جای خود نکته حائز اهمیت است. امروزه میزان مصرف سرنانه فولاد در کشورها به یکی از ملاک‌های توسعه‌یافتگی آن‌ها مبدل شده است. با نگاهی به آمار تولید فولاد کشور چین به‌خوبی درمی‌یابیم که این کشور چگونه با افزایش تولید این فلز، امروز نه‌تنها در کشور خود، بلکه در تمامی جهان به دستاوردهای بسیار درخور توجهی رسیده است.

همان‌گونه که می‌دانیم، در قرآن کریم از آهن به‌عنوان عنصر الهی و ابزاری یاد شده که «داری نیرویی شدید و سودهایی برای مردم» است. در واقع با افزایش ظرفیت تولید فولاد در هر کشور، در بالا و پایین‌دست این کارخانه‌ها به‌صورت زنجیره‌ای کامل، تحرک و رونق ژئاندالوژی ایجاد می‌شود، از افزایش توان و ظرفیت تولید فولاد گرفته تا ایجاد فرصت‌های شغلی، افزایش توان فنی، رونق اقتصادی و تأمین معیشت مردم.

به‌طور مشخص اجرای طرح‌های توسعه در همه بنگاه‌های اقتصادی همانند به جریان افتادن خون تازه در شریان‌ها و مویرگ‌های سازمان است. توسعه در شرکت‌های تولیدی باعث ایجاد تحرک مثبت و افزایش انگیزه کارکنان می‌شود، به ارتقای سطح کیفی محصولات و بهبود فرایندها می‌انجامد و ضمن افزایش ظرفیت تولید و اشتغال‌زایی در کشور، برای کارکنان و سهام‌داران ارزش افزوده اقتصادی به همراه می‌آورد. از این‌رو شرکت فولاد هرمزگان به‌عنوان یکی از پیشرفته‌ترین شرکت‌های فولادی کشور، اجرای طرح‌های توسعه را از اساسی‌ترین راهبردهای شرکت می‌داند و پروژه‌های متعددی را در دستور کار قرار داده است.

این پروژه‌ها کدام‌اند و از نظر پیشرفت چه شرایطی دارند؟

به‌طور کلی طرح توسعه افزایش ظرفیت به ۳،۲ میلیون تن در سال فولاد خام از جمله مهم‌ترین طرح‌های فولاد هرمزگان برای دست‌یابی به چشم‌انداز تولید ۱۰ میلیون تن فولاد خام در منطقه ویژه خلیج فارس است.

پروژه‌های توسعه شرکت در سه بخش آهن‌سازی، فولادسازی و زیرساخت‌ها خلاصه می‌شود. در بخش آهن‌سازی مدول سوم ۱،۷۲ میلیون تنی در فاز اجرا بوده و انتخاب پیمانکار برای مدول چهارم ۱،۶

تامین انرژی و چالش‌های پیش‌رو



محمد مسن آبادی
کارشناس و فعال معدن

انرژی شاه‌رگ حیاتی زنجیره تولید است و در هر بخش از این زنجیره نقش یکی یا تعدادی از حامل‌ها بیشتر است. توسعه صنعتی - اقتصادی در کشورهای در حال توسعه نیاز مضاعفی به دسترسی بیشتر به حامل‌های انرژی، به وجود آورده است.

علاوه بر این، ارتقای استانداردهای زندگی در جوامع در حال توسعه، در دهه‌های اخیر افزایش تقاضای حامل‌های انرژی در راستای دسترسی به امکانات و رفاه بیشتر را به دنبال داشته است. برای دانستن اینکه کمبود انرژی چه آسیبی به بخش تولید وارد می‌کند، در ابتدا باید اهداف کشورمان در راستای تولید و اولویت‌های بخش صنعت را بشناسیم. به عبارت دیگر، بدانیم آیا هدف اصلی از توسعه صنایع و بخش تولید ایجاد اشتغال است، افزایش سطح کیفی امکانات و رفاه مردم است یا تکیه بر تولید داخلی و حمایت از آن یا...؟

متأسفانه مدیریت کلان کشور پاسخی دقیقی برای بسیاری پرسش‌های فوق ندارد، بنابراین همواره به تصمیمات آنی متوسل می‌شود که نقشی مسکن موقتی دارد. در حالی که تا اهداف کلان مشخص نباشد، نمی‌توان آسیب‌های اصلی را شناخت و نحوه رفع آن را متناسب با هدف، شناسایی کرد. براساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی در سال ۲۰۲۰، در میان ۲۵ کشور ایران بالاترین میزان یارانه پرداختی به انرژی مصرفی را به خود اختصاص داده و رتبه نخست پرداخت یارانه انرژی به گاز، برق و فرآورده‌های نفتی را دارا است. هدف از یارانه انرژی، براساس تعریف جهانی، پایین نگه داشتن قیمت‌ها برای حمایت از مصرف‌کنندگان است، اما این یارانه‌ها هزینه بالایی دارد و دولت باید منابع مالی زیادی برای تامین آن صرف کند.

این مسئله می‌تواند مانع تلاش دولت‌ها برای کاهش کسری بودجه شود و سرانجام پرداخت‌کننده نهایی هزینه این یارانه‌ها، خود مردم هستند که اغلب با تورم و کاهش قدرت خرید به سبب استقراض دولت روبه‌رو می‌شوند. در سال‌های قبل که میهمان سفره نفت بودیم، آثار و نتایج این شیوه نمود نداشت، اما امروز تأثیر آن کاملاً ملموس است.

با توجه به موارد فوق، می‌توان چنین گفت که آسیب کمبودها به‌طور مستقیم و غیرمستقیم سبب ایجاد نقص در زنجیره تولید، جلوگیری از برنامه‌های توسعه‌ای، کاهش قابل توجه محصولات و نیازهای اساسی کشور، رشد نرخ بیکاری، تورم، کاهش قدرت خرید و... می‌شود.

به‌طور قطع استفاده از انرژی طبیعی خورشید و بهره‌مندی از روز به‌ویژه برای کاهش مصرف برق و گاز می‌تواند کمک‌کننده باشد، اما نحوه مدیریت انرژی و جلوگیری از هدررفت آن و به‌عبارت دیگر، تعریف الگوی درست مصرف تأثیرگذاری بیشتری خواهد داشت. بنابراین، باید آموزش را از اوان کودکی آغاز کرد، چراکه تک‌تک افراد می‌توانند در کاهش مصرف، نقش تأثیرگذاری ایفا کنند.

بعضی معتقدند که بخش صنعت نسبت به بخش خانگی اولویت دارد، بنابراین باید بخش بزرگی از بار کمبود انرژی برعهده بخش خانگی باشد که با افزایش بهای حامل‌های انرژی می‌توان محدودیت‌هایی را اعمال کرد. اما همان‌طور که اشاره شد، به‌نظر من، ابتدا باید اهداف مشخص شود و به این ترتیب، اولویت‌ها به خودی خود مشخص شوند. به‌طور کلی، هدف از فعالیت‌های صنعتی و تولیدی، افزایش رفاه است. بنابراین، شرایط را باید به‌گونه‌ای مدیریت کرد که تعادل برای دستیابی هر ۲ بخش به منابع انرژی در شرایط برابر و هزینه عادلانه رعایت شود. تولید تجهیزات لازم برای دستیابی به انرژی‌های پاک، نیازمند دانش کافی در این زمینه و سرمایه‌گذاری متناسب است، اما متأسفانه تاکنون این اقدامات اولیه انجام نگرفته است. علاوه بر این، قدم گذاشتن در چنین مسیری نیازمند مطالعاتی مفصل است که این بخش هم در کشور ما با ضعف و نقصان روبه‌رو بوده است. از سوی دیگر، هزینه واردات تجهیزات تولید برق از انرژی خورشید و باد بسیار بالا و پشتیبانی، تعمیر و نگهداری آنها نیز بسیار مشکل و پرهزینه است. بنابراین، در این بخش نیز کشورمان چندان موفقیتی به‌دست نیاورده است. به‌گمان من، برنامه‌های شتاب‌زده‌ای که در مدت کوتاه موجب رفع مشکلات انرژی را وارد چالش جدید و شدیدتری کند. سال‌های سال است که برنامه‌های کلان و مسیرهای توسعه‌ی زیادی تعریف شده که اگر درست و دقیق بود، کشور در وضعیت فعلی نبود.

بنابراین، تنها راه برون‌رفت از مشکلات فعلی، ترمیم مدیریت کلان و ترسیم مسیر درست با توجه به داشته‌هایمان است. به‌عبارت بهتر، مدیریت هر بخش از کشور را باید به متخصصان آن بخش، که توان مدیریتی دارند، سپرد و از آزمون و خطا در انتخاب مدیران و فرصت‌سنجی برای یادگیری آنها در موارد حساس جلوگیری کرد. واردات با توجه به نوع اقلیم و محدودیت‌های داخلی، آموزش مستمر و تقویت مدیران در هر بخش از تولید سبب مصرف بهینه انرژی خواهد شد. متأسفانه بخشی از ماشین‌آلات معدنی که در سال اخیر وارد شد، با نوع سوختی که در کشور عرضه می‌شود، تناسب ندارد. علاوه بر این، با توجه به نامشخصی میان نوع حامل‌های انرژی با دستگاه‌ها و ماشین‌آلات وارداتی، در زمینه آموزش نیروی کار و مدیریت انرژی با چالش‌های جدی روبه‌رو هستیم.

کلیه مشکلات موجود مانند فرسودگی ماشین‌آلات، واردات دستگاه‌ها و تجهیزات بی‌کیفیت، دوره بلند تعمیر و نگهداری به‌دلیل کمبود قطعات و گرانی آنها، واردات اجناس تقلبی توسط دلالان تحریم، تولیدات بسیار بی‌کیفیت داخلی، کمبود نیروی کار ماهر، تمایل متخصصان زنده به مهاجرت و گرانی واردات تجهیزات تولید انرژی‌های تجدیدپذیر و... فقط و فقط با رفع تحریم‌ها و جابه‌جایی مدیران انتصابی با مدیران متخصص کاهش خواهد یافت.

به‌عبارت بهتر، تمام مسیرها برای برون‌رفت از وضعیت فعلی، رفع تحریم‌ها و واگذاری مدیریت به مدیران متخصص است.

در گزارش سه‌ماهه درباره افزایش تعرفه گاز صنایع و بخش خانگی مطرح شد

تحمیلی دیگر به جیب مردم



شرکت ملی گاز ایران تعرفه گازبهای بخش خانگی و صنعتی مصوب امسال را طبق قانون بودجه کل کشور اعلام و ابلاغ کرد. تفاوت تعرفه جاری با سال گذشته در این است که هزینه‌ها با فرمولی محاسبه می‌شود که حتی تا ۴ برابر افزایش خواهد یافت.

گفته می‌شود در جدول پلکانی ارائه‌شده از پله ۴ تا ۱۲، به‌ازای هر پله، ۴۰ درصد به مبلغ گازبها اضافه و این قانون عطف به ماسبق هم خواهد شد، زیرا قبوض گازی که ابتدای سال دریافت شده، علی‌الحساب بوده است و مابه‌التفاوت هزینه از مشترکان دریافت خواهد شد!

البته هنوز روشن نیست که صنایع معدنی، به‌ویژه فولادی‌ها، که به‌تازگی با افزایش ۱۰۰ درصدی تعرفه گاز روبه‌رو شده‌اند هم، مشمول این تعرفه پلکانی خواهند شد یا خیر. اما فارغ از این بحث، آنچه موجب افزایش نگرانی‌ها شده، این است که با این شوک، تولید و بازار سرمایه دچار تلاطم می‌شوند و تأثیرات آن به‌صورت تصاعدی بر مصرف‌کننده نهایی تحمیل خواهد شد.

در گزارش امروز **صنایع معدنی**، بهرام شکوری رئیس انجمن مس و سنگسازان و سعید باستانی، کارشناس اقتصادی و نماینده ادوار مجلس، نظرات خود درباره تبعات این تغییر را بیان کرده‌اند.

هر دم از این باغ بری می‌رسد

سرمه واردات ماشین‌آلات و تجهیزات و... دچاریم که دیگران با آن روبه‌رو نیستند، از سوی دیگر برای تامین ارز و پیمان‌سپاری ارزی، تامین زیرساخت‌ها، هزینه‌های بسیار سرسام‌آور در حوزه حمل‌ونقل ریلی و جاده‌ای و دریایی و... هم با مشکلات فراوانی روبه‌رو هستیم و علاوه بر همه اینها، افزایش نرخ گاز و حامل‌های انرژی هم در پیش است و این به‌نظر من، می‌تواند بخش معدن و صنایع معدنی را به‌کل تعطیل کند.

آهنایی که زندگی خود را می‌بازند

دولت از این موضوع غافل است که متأسفانه تولیدکننده‌ها تجارت نمی‌کنند که اگر امروز کسب‌وکارشان دچار مشکل شد، کار دیگری را انجام دهند و محصولات دیگری را وارد یا صادر کنند.

تولیدکننده فولاد، مس، سنگ و... کاری جز این ندارد و مجبور است چون سرمایه‌گذاری کرده و هزینه فراوانی برای آن پرداخته است، باید به کار ادامه دهد، اما روزی می‌رسد که دیگر نمی‌تواند از پس مشکلات برآید و وسط راه همه زندگی‌اش را می‌بازد و در این صورت به‌نظر من، بزرگ‌ترین بازنده کشور خواهد بود که از توسعه بازمی‌ماند و در عمل نتنها اشتغال ایجاد نمی‌شود، بلکه قشر

بهرام شکوری - رئیس انجمن مس و سنگ ایران: متأسفانه هر روز داستانی برای بخش معدن و صنایع معدنی ایجاد می‌شود و همه اینها هم ریشه در گران اداره کردن کشور و کسری بودجه دولت دارد. به‌نظر می‌رسد، مسئولان در واقع از اداره کشور ناتوان هستند و تلاش می‌کنند از هر جایی که به دست‌شان می‌رسد، این کسری بودجه را جبران کنند، اما متأسفانه به عواقب آن توجهی نمی‌کنند. کشور ما بالاترین ذخایر گازی را دارد و اگر نتوانیم با این موهبت الهی که در کشور داریم، مزیتی ایجاد کنیم و تسهیلاتی در اختیار صنایع خود قرار بدهیم، از بازار رقابت جا می‌مانیم، زیرا این مانعی علاوه بر مشکلاتی خواهد بود که در حال حاضر با آن دست‌به‌گریبان هستیم و این بخش کاملاً زمینگیر می‌شود.

به معضلاتی دچاریم که...

اگر این تصمیم در اروپا اتخاذ شده بود، هیچ اشکالی بر آن وارد نبود و باید سوخت را به قیمت‌های جهانی محاسبه می‌کردند، اما وقتی خیلی از هزینه‌هایی که رقیب ما در کشورهای گوناگون ندارند، بر سر ما آوار شده و به معضلاتی مثل تحریم، قطع ارتباط بانکی با دیگر نقاط دنیا، دسترسی به نوآوری‌ها، چالش بی‌پایان

مزیت رقابتی ما چیست؟

ارزش افزوده بالاتر فراهم شود و علاوه بر آن، باید تکلیف صنایع و مصرف داخلی از مصرف خارجی و صادرات جدا می‌شد.

تصیرای که متخول می‌ماند

شرایط موجود نشان‌دهنده بی‌برنامگی دامنه‌داری در سند توسعه صنعت است و حوزه فولادی که گاز را برای سوخت خود مصرف می‌کنند و حوزه پتروشیمیایی که از گاز به‌عنوان خوراک استفاده می‌کنند را به‌شدت تحت تأثیر قرار داده است. یکی از دلایل عمده این موضوع، غفلت از تبصره ۱۴ قانون بودجه است به‌نظر من علت این است که تبصره فوق در ترتیب و طبقه‌بندی موضوعی سند بودجه، تبصره ۱۴ در اواخر متن و پس از احکام بودجه‌ای دیگر جا گرفته است و از این‌رو معمولاً کمتر مورد توجه نمایندگان مجلس قرار می‌گیرد. به‌عبارت دیگر، جدول بسیار مهم تبصره ۱۴ به‌عنوان درآمدها و مصارف، معمولاً زمانی وارد بودجه می‌شود که چندان توجهی به آن نمی‌شود و به‌روشنی مشخص نیست که افزایش نرخ برای صنایع فولادی، سوخت و خوراک پتروشیمی‌ها و... چقدر است و تأثیر آن بر بازار سرمایه چگونه خواهد بود و تأثیر آن بر تولید تانک‌جاست و رگلاتوری آن چگونه باید باشد. این در حالی است که نظر به اهمیت این بخش دولت باید قبل از اینکه تبصره ۱۴ در مجلس مصوب شود، همه این موارد در توضیح دهد. خلاصه اینکه، این اشکالی اساسی است که در سنوات دیگر هم دیده می‌شود و معمولاً هم سعی می‌کنند در کمیسیون تلفیق یا لایحه‌ری آن را حل کنند و به‌این ترتیب، باز هم برای عموم نمایندگان شفاف نمی‌شود که تأثیرات و تبعات تصمیمات اتخاذشده چیست. بنابراین تأثیر آنی این تغییرات، شوکی به تولید وارد می‌کند که دامپینگ این شوک به بازار سرمایه هم منتقل می‌شود و تا مرحله شوک‌زدایی طی شود و شرایط به حالت عادی و طبیعی برگردد، همه بازار سرمایه را به هم می‌ریزد و مشکلات فراوانی ایجاد خواهد شد.

۲ مسئله لاینحل

برای حل معضلات تغییر بهای گاز و شوکی که به سید هزینه خانوار وارد می‌کند، ابتدا باید این دو مسئله روشن شود که آیا قرار است کشور ما براساس مزیت نسبی خود، گاز را در اختیار بخش خانگی قرار دهد یا قرار است مانند کشورهای اروپایی که گاز را به نرخ جهانی خریداری می‌کنند، نرخ سوخت برای بخش شهری و تعیین شود. البته روشن است که مردم انتظار دارند با توجه به منابع عظیم گازی کشور، این سوخت با نرخ مناسب به دست‌شان برسد. اما این رابطه بین مردم و حاکمیت یک رابطه دوطرفه و متقابل و به این صورت است که اول مردم آگاه شوند که ارزش واقعی گاز، انرژی در مجموع چقدر است و این سوختی که می‌تواند ارزش افزوده زیادی در صنایع پیدا کند، نباید برای تولید گرمایش به هدر برود. بنابراین، دولت باید به مردم آگاهی



عظیمی از همین مردمی که پای سفره فعالان اقتصادی نشسته‌اند، نان‌شان آجر خواهد شد.

خروج در گرو آبادانی است

ما که دم از مسلمانی می‌زنیم، باید به فرمایش حضرت امیر درباره مالیات‌ستانی توجه کنیم. حضرت امیر در فراز ۷۹ تا ۸۶ عهدنامه مالک اشتر (ترجمه نهج‌البلاغه استاد محمد دشتی ۵۷۹، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی) می‌فرمایند: «مالیات و بیت‌المال را به‌گونه‌ای واریسی کن که صلاح مالیات‌دهندگان باشد، زیرا بهبودی مالیات و مالیات‌دهندگان، عامل اصلاح امور دیگر اقشار جامعه است و تا امور مالیات‌دهندگان اصلاح نشود، کار دیگران نیز سامان نخواهد یافت، زیرا همه مردم نان‌خور مالیات و مالیات‌دهندگان هستند. باید تلاش تو در آبادانی بیشتر از جمع‌آوری خراج باشد که خراج جز با آبادانی فراهم نمی‌شود و آن کس که خواهد خراج را بدون آبادانی به‌دست آورد، شهرها را خراب و بندگان خدا را نابود می‌کند و حکومتش جز اندک مدتی دوام نیاورد.»



دهد که در کشور ما بزرگ‌ترین منبع درآمدی کشور را برای ایجاد گرمایش هدر می‌دهیم و این اتلاف سرمایه بزرگی است، اما از سوی دیگر، مردم باید نتیجه‌کنترل مصرف گاز را ببینند و تأثیر منابع

گازی را که به ارزش افزوده تبدیل می‌شود، در زندگی‌های خود مشاهده کنند و بهبود شرایط زندگی برای‌شان ملموس باشد و بدانند اگر گاز به ارزش افزوده تبدیل شود، سطح کیفیت زندگی افراد و رفاه اجتماعی بهبود پیدا می‌کند. اما مشکل اینجاست که مردم باور ندارند که اگر افزایش نرخ گاز و به‌تبع آن، کاهش مصرف به وجود آید، بهبودی در زندگی آنها ایجاد خواهد شد. پس باوجوداینکه استفاده از گاز برای ایجاد گرمایش استراتژی نادرستی بوده که از دیرباز شکل گرفته و جافتاده است و ما به‌جای اینکه از انرژی‌های دیگر، مثل انرژی برق استفاده کنیم و گاز را در بخش صنعتی به مصرف برسانیم تا به ارزش افزوده بالاتری تبدیل شود، گاز کثی گسترده در کشور صورت گرفت و این توقع عمومی ایجاد شد که دولت این سوخت را به ارزان‌ترین بهای ممکن در اختیار مردم بگذارد. این فرهنگ نادرستی است که از قدیم شکل گرفته، اما نباید از این نکته غافل شد که بدون اقدامات جدی و زیربنایی دولت، افزایش بی‌مقدمه تعرفه گاز خانگی تنها هزینه خانوار را افزایش می‌دهد.

تبعات منفی پردانده

درباره تأثیر بر نرخ تمام‌شده و بازار باید گفت به‌طبع نرخ تمام‌شده کالاها افزایش پیدا خواهد کرد و سود حاصل از فعالیت تولیدی در چه برای صادرات و چه برای مصرف داخلی کاهش پیدا می‌کند و این مشکل زمانی که در کنار هزینه‌های مالی که بر اثر تحریم به کشور تحمیل شده و شرایط انتقال پول به داخل و... گذاشته شود، اثری تصاعدی خواهد داشت و قدرت رقابت‌پذیری در بازار جهانی و حاشیه سود را به‌شدت پایین می‌آورد. از آنجایی که عمده شرکت‌های فعال در این حوزه بورسی هستند و ارزش سهام و حجم بازار کاهش پیدا می‌کند و شاهد افت شاخص خواهیم بود و این موضوع در کوتاه‌مدت تأثیر فراوانی بر بازار سرمایه خواهد داشت. علاوه بر این، مصرف‌کننده نهایی در کشور هم با افزایش شدید نرخ روبرو می‌شود. چون به‌فرض وقتی نرخ گاز کارخانه تولید آهن‌اسفنجی افزایش پیدا کند، به‌همین ترتیب هزینه در صنایع پایین‌دستی مانند شمش، ورق و کالاهای حاصل از ورق افزایش پیدا می‌کند و در عمل باز این هزینه از جیب مردم برداشته می‌شود و به بازار تحمیل می‌شود و اگر برای مقابله با این آفت به قیمت‌گذاری دستوری متوسل شوند، بازار سرمایه از دست خواهد رفت.

سخن پایانی

شاید دولت بتواند پیش از افزایش گازبها اقدامات لازم را برای ترویج استفاده از دستگاه‌هایی با بهره‌وری بالاتر انجام دهد یا قوانین مقررات مربوط به ساخت‌وساز را جدی‌تر اجرا کند تا از اتلاف انرژی جلوگیری شود یا با در نظر گرفتن سبیدی از انرژی مصرف گاز را کنترل کند.

در کشوری با منابع گازی فراوان و مشکلات اقتصادی فراینده، دولت باید به‌دنبال مدیریت صحیح و بهینه مصرف گاز باشد تا آسیبی به صنایع و سید خانوارها وارد نشود، زیرا در میانه افزایش تورم و فشار اقتصادی به این بخش‌ها، افزایش بی‌مقدمه بهای حامل‌های انرژی می‌تواند آثار و تبعاتی زمینگیرکننده‌ای به بار آورد.

تصمیمات یک‌شبه آفتی بزرگ برای کسب‌وکارهای اینترنتی است

اعتماد بر باد رفته



چالش کسب‌وکارهای دیجیتال با محدودیت‌های ناشی از فیلترینگ ادامه دارد؛ چالشی بزرگ که یکباره در اوج نامساعدی وضعیت اقتصاد، دامن‌گیر مشاغل اینترنتی شده است؛ کسب‌وکارهایی که با گذشت زمان توانستند حسابی در زندگی روزمره شهروندان نفوذ کنند و در آمد خوبی را از این طریق به‌دست آورند. در چنین زمانه‌ای ناگهان تصمیمی اخذ شد که براساس آن هیچ بخشی از صنعت رایانه از خسارات فیلترینگ در امان نمانده است. براساس برآورد صورت‌گرفته درباره تأثیر این محدودیت‌ها بر ترکیب فروش و هزینه کسب‌وکارها، روزانه حداقل ۵۰ میلیون تومان و حداکثر ۵۰۰ میلیون تومان به مشاغل مرتبط خسارت وارد می‌شود. مدت‌هاست که دولت بر میخ فیلترینگ می‌کوبد و کاربران را تشویق به حضور در اپلیکیشن‌های داخلی می‌کند، در حالی که بالغ بر ۱۰ میلیون کسب‌وکار خرد در بستر اینستاگرام فعالیت دارند. از سوی دیگر به‌دلیل اعتماد بیشتر به اپلیکیشن‌های خارجی، شهروندان خرید ماهانه فیلترشکن و سختی‌های اتصال به آن را بر حضور در شبکه‌های داخلی ترجیح می‌دهند. در بعد دیگر این مسئله، برخی از مردم اعتمادی به خرید از فضای مجازی ندارند؛ در نتیجه دولت راه طولانی برای متقاعد کردن شهروندان برای حضور در اپلیکیشن‌های داخلی و خرید آنلاین دارد. در این گزارش به بررسی روند اعتمادسازی نسبت به کسب‌وکارهای اینترنتی پرداخته است.

درآمدزایی از بستر مجازی

علاقه‌مندان به اشتغال آفرینی به این حوزه وارد شوند. به گزارش ایران، تاریخچه کسب‌وکارهای اینترنتی تقریباً به سال ۱۹۹۵ بازمی‌گردد و در سال ۲۰۰۷ با معرفی گوشی تلفن همراه هوشمند و تحول جدی در فناوری اطلاعات، کسب‌وکار اینترنتی به سمت رونق رفت؛ به‌گونه‌ای که در سال ۲۰۱۱ سرمایه‌گذاری ۷ میلیارد دلاری در این حوزه به ثبت رسید. به‌عقیده کارشناسان کسب‌وکارهای اینترنتی از

کسب‌وکارهای اینترنتی یکی از شریان‌های درآمدزای اقتصاد بسیاری از کشورهای دنیا محسوب می‌شوند و معمولاً نیاز به سرمایه‌گذاری اولیه زیادی ندارد و گستردگی مشتریان از جمله مولفه‌های ارزشمند این نوع اشتغال است. آغاز کسب‌وکار اینترنتی و در بستر مجازی در مقایسه با راه‌اندازی کسب‌وکار در فضای حقیقی به‌طور معمول از ریسک کمتری برخوردار است و این مولفه سبب شده

کسب‌وکارهای اینترنتی یکی از شریان‌های درآمدزای اقتصاد بسیاری از کشورهای دنیا محسوب می‌شوند و معمولاً نیاز به سرمایه‌گذاری اولیه زیادی ندارد و گستردگی مشتریان از جمله مولفه‌های ارزشمند این نوع اشتغال است. آغاز کسب‌وکار اینترنتی و در بستر مجازی در مقایسه با راه‌اندازی کسب‌وکار در فضای حقیقی به‌طور معمول از ریسک کمتری برخوردار است و این مولفه سبب شده

فروش بیشتر با اعتمادسازی بیشتر

خریدها کاهش پیدا کرده و عده زیادی متضرر شدند. در چند وقت اخیر، شاهد قطعی اینترنت و فیلترینگ برخی از شبکه‌های اجتماعی‌ها مثل اینستاگرام و لینکدین بوده‌ایم که این اتفاق فعالیت کسب‌وکارهای بزرگ را مختل کرده است.

عضو هیات‌مدیره انجمن صنفی کسب‌وکارهای اینترنتی با اشاره به اثرات قطع اینترنت بر کسب‌وکارهای فعال در اینستاگرام به گفته‌ی گفت: پلتفرم قالب در کشور اینستاگرام است. اقتصاد ۱۱ میلیون نفر به اینستاگرام گره خورده که عدد کوچکی نیست. با کاهش موج کرونا بسیاری از کسب‌وکارهای آنلاین نیز وارد اینستاگرام شدند؛ در نتیجه هر گونه اختلال و قطعی اینترنت تأثیر مستقیم بر این کسب‌وکارها دارد. ضرر و زیان بسیاری در این چند ماه که فیلترینگ اجرا شده، به کسب‌وکارهای اینستاگرامی وارد شده، در حالی که صاحبان این نوع کسب‌وکار تأمین‌کننده معیشت‌شان هستند.

منکر لزوم وجود پیام‌رسان‌های داخلی نیستیم
الفت‌نسب درباره میزان پذیرش پلتفرم‌های داخلی از سوی مردم گفت: تحقق هدف نفوذ در بین مردم زمانی ممکن است که اعتمادسازی انجام شود. مردم در صورت حصول اعتماد، وارد یک شبکه اجتماعی می‌شوند. با فراهم شدن بستر اعتماد، اشخاص با خیال راحت به گفت‌وگو، کسب درآمد و تفریح خواهند پرداخت. این برخورد خوبی با مردم نیست که از آنها خواسته شود که حتماً وارد پیام‌رسان مدنظر آنها شوند. این روش به‌صالح مملکت نیست. من منکر لزوم وجود پیام‌رسان‌های داخلی نیستم، اما این پیام‌رسان‌ها باید توسط بخش خصوصی عرضه شود. وی در ادامه افزود: هیچ کس مخالف شبکه‌های اجتماعی داخلی نیست. در کشور ما افراد نخبه‌ای هستند که ساختن پلتفرم‌هایی شبیه

رضا الفت‌نسب، عضو هیات‌مدیره انجمن صنفی کسب‌وکارهای اینترنتی درباره اعتمادسازی در زمینه کسب‌وکارهای اینترنتی به گفته‌ی گفت: هر چند فاصله اعتماد به کسب‌وکارهای اینترنتی با نقطه مطلوب زیاد است، اما نسبت به ۱۶ سال پیش که نخستین اطلس تجارت الکترونیکی کشور صادر شد، وضعیت خوبی دارد.

وی با اشاره به چالش‌های فراوان در مسیر کسب‌وکارهای اینترنتی و نقش مهم اعتمادسازی بیان کرد: براساس آمارها حدود ۳۷ درصد مردم به‌دلیل بی‌اعتمادی، خرید اینترنتی انجام نمی‌دهند؛ بنابراین هر اندازه که بتوانیم اعتماد را در جامعه گسترش دهیم، بی‌شک در فروش اینترنتی توسعه خوبی پیدا خواهیم کرد. آمارها می‌گوید تنها ۴ درصد خرده‌فروشی در کشور به صورت آنلاین است و ۹۶ درصد آن در بازارهای دیگر صورت می‌گیرد.

کلاهبرداری و اعتمادهای از دست‌رفته
عضو هیات‌مدیره انجمن صنفی کسب‌وکارهای اینترنتی با اشاره به موارد گوناگون کلاهبرداری در این فضا بیان کرد: متأسفانه به‌دلیل کلاهبرداری‌هایی که از طریق فروش‌های اینترنتی صورت می‌گیرد، عموم مردم اعتماد خود را نسبت به این نوع از کسب‌وکار از دست داده‌اند. از سوی دیگر با توجه به عدم ساماندهی و دسترسی آسان به صاحبان مشاغل اینترنتی، نمی‌توان پیگیری خاصی را در شکایت افراد انجام داد. البته کلاهبرداری‌ها از سوی کسب‌وکارهای دارای مجوز نیز رخ می‌دهد، اما در این گونه موارد، خسارت وارد شده به فرد شاکي جبران می‌شود. وی با اشاره به ضرر و زیان گسترده فیلترینگ به کسب‌وکارها اظهار کرد: در حال حاضر تا حدودی شرایط کسب‌وکارها بهتر شده است. در وضع فعلی، کسب‌وکارهای بزرگ‌تر حال و روز خوبی ندارند. میزان

اعتمادسازی وظیفه دولت است

صاحبان کسب‌وکارهای اینترنتی گفت: به‌نظر می‌رسد برخی از دولت‌مردان ما در عرصه‌های برنامه‌ریزی اقتصادی خیلی توانمند نیستند و صرفاً به چند شاخص نگاه می‌کنند، این در حالی است که حتی شاخص‌های اجتماعی و روابط بین‌الملل نیز می‌توانند در این مسئله تأثیرگذار باشند. بسیاری از پرسنل کسب‌وکارهای اینترنتی افراد فنی هستند که کشورهای خارجی و شرکت‌های بین‌المللی تشنه جذب آنها هستند و حتی از طریق دورکاری می‌خواهند با آنها کار کنند. در نتیجه در پی تصمیماتی چون فیلترینگ و تضعیف کردن اینترنت، آسیب‌هایی بسیاری به کسب‌وکارها وارد می‌شود.

نقره‌کار با اشاره به اینکه فیلترینگ اینستاگرام و واتس‌آپ می‌تواند تأثیرات منفی زیادی داشته باشد، اظهار کرد: وقتی فضای تبادل اطلاعات محدود شود، اعتماد عمومی مردم از بین می‌رود و افراد حاضرند به سختی و با استفاده از فیلترشکن از پیام‌رسان‌های خارجی استفاده کنند، این در حالی است که استفاده از فیلترشکن‌ها توسط

کیوان نقره‌کار، کارشناس فناوری اطلاعات درباره نقش مهم اعتمادسازی در وضعیت کسب‌وکارهای اینترنتی به گفته‌ی گفت: یکی از دلایل رونق یک کسب‌وکار، امنیت خاطر پرسنل و مشتریان آن است؛ در نتیجه موضوع امنیت همیشه به‌ویژه در کسب‌وکارهای اینترنتی دارای اهمیت است، اما نکته مهم این است که گاهی تأمین و حفظ امنیت از حیثه قدرت صاحبان کسب‌وکارهای اینترنتی خارجی می‌شود. وی با اشاره به قطعی‌های اینترنت و اعمال محدودیت اظهار کرد: در نقطه‌ای که زیرساخت کیفیت لازم را ندارد، از دست صاحبان مشاغل اینترنتی کاری بر نمی‌آید، این در حالی است که حتی تعطیلی ۲۴ ساعته یکی از کسب‌وکارهای اینترنتی موجب عدم اعتماد مشتریان و پرسنل می‌شود. در نتیجه ایجاد امنیت در حیثه وظایف و قدرت صاحب کسب‌وکار نیست، بلکه به مسائل بیرونی برمی‌گردد. به‌بیانی شفاف‌تر وظیفه دولت و نهادهای بالادستی است که امنیت را ایجاد کنند.

این کارشناس فناوری اطلاعات با اشاره به شعارهای داده‌شده مبنی افزایش اشتغالزایی گفت: اشتغالزایی و توسعه کسب‌وکار در هر کشوری سلسله‌نیازمندی‌هایی دارد که وظیفه دولت‌هاست که آنها را تأمین کند تا یک کسب‌وکار بتواند متولد شود و رشد پیدا کند و در نهایت درآمد کسب‌وکار ایجاد شده به همان دولت بازمی‌گردد.

نیروهای فراوان دست می‌دهید
نقره‌کار با اشاره به آثار منفی فیلترینگ و سنگ‌اندازی در مسیر

اختلالات اینترنت و زیان کسب‌وکارها



محمود راشدی، کارشناس اقتصادی در حوزه کسب‌وکارهای اینترنتی

چندین ماه از فیلترینگ پلتفرم‌های خارجی در ایران می‌گذرد و هنوز استقبال چندانی از پلتفرم‌های داخلی نشده است.

البته اگر در شرایط بهتری و بدون اجبار این اتفاق رخ می‌داد، شاید وضعیت از الان بهتر بود. در هر صورت با این اقدام آسیب‌های زیادی به کسب‌وکارها وارد شده که متأسفانه آمار دقیقی از آنها نیست یا نمی‌خواهند که آماری باشد! اکنون پلتفرم غالب در کشور اینستاگرام است و اقتصاد ۱۱ میلیون نفر به اینستاگرام گره خورده که عدد کوچکی نیست.

با کاهش موج کرونا بسیاری از کسب‌وکارهای فعال در فضای واقعی نیز وارد اینستاگرام شدند؛ در نتیجه هر گونه اختلال و قطعی در اینترنت تأثیر مستقیم بر این کسب‌وکارها دارد. اینکه به دلیل مسائل امنیتی اینترنت را قطع کنیم چه کسی بهای آن را می‌دهد؟

چه کسی پاسخگوی ضرر صفحه‌ای که در فضای مجازی حدود ۵۰ نفر پرسنل دارد، است؟ این نکته مهمی است که بسیاری از افراد در اینستاگرام به‌دنبال امرار معاش هستند و اغلب تعدادشان بین ۱ تا ۵ نفر است. بیشتر فعالیت این افراد نیز در حوزه خوراک، پوشاک و صنایع دستی است.

این افراد دارای کسب‌وکارهای بزرگ نیستند و از این طریق زندگی روزمره خود را می‌گذرانند. متأسفانه کج‌فهمی‌های صورت‌گرفته در برخی تصمیم‌گیری‌ها از یک سو و متخصص نبودن برخی از افراد تصمیم‌گیر در زمینه کسب‌وکار و کارآفرینی، ضرر زیادی به مشاغل وارد می‌کند.

متأسفانه نخستین اقدام دولت در برخورد با هر اتفاقی قطع اینترنت است، در حالی که بیشترین آسیب این اقدام شامل حال صاحبان کسب‌وکار در فضای مجازی می‌شود.

باتوجه به ارتباطی که با فعالان فضای مجازی داریم، دریافته‌ام که اختلال در اینترنت بی‌اعتمادی دوطرفه را بین فعالان کسب‌وکار و مشتری ایجاد می‌کند. در اختلال اینترنتی که هر از گاهی ایجاد می‌شود، بسیاری از مردم سفارش‌هایی دارند که کنسل شده یا خبری از وضعیت فعلی آن ندارند. در مجموع این عملکرد درست نیست و به اقتصاد کشور آسیب زیادی وارد می‌کند. این در حالی است که جایگزینی برای اینستاگرام در کشور وجود ندارد.

زمانی که یک برنامه موجود است از نظر علمی نمی‌توان یک برنامه مانند آن را ساخت. با علم و دانش فعلی مبارزه در این جهات امکان‌پذیر نیست و اشتباه است، زیرا کشور را عقب می‌اندازد. کشور ما از نظر زیرساخت مشکلاتی دارد که امکان ساخت یک برنامه مشابه برای فعالیت صاحبان مشاغل در اینستاگرام وجود ندارد.

چندین بار برای ساخت برنامه‌های مشابه تلاش و هزینه‌های سنگینی را در این راه صرف کردند اما این تلاش‌ها در نهایت موفقیت‌آمیز نبود. همچنین هزینه‌های زیادی صرف ساخت و ترویج استفاده از برنامه‌های جدید جایگزین اپلیکیشن‌های اینستاگرام یا واتس‌آپ شده که به نتیجه مثبتی نرسید. در واقع هیچ کس مخالف شبکه‌های اجتماعی داخلی نیست.

در کشور ما افراد نخبه‌ای هستند که ساختن پلتفرم‌هایی شبیه اینستاگرام برای آنها کار ساده‌ای است، اما شرایط برای راه‌اندازی شبکه اجتماعی مشابه به‌دلیل مشکلات زیرساختی و بحث‌های حقوقی مهیا نیست.

همچنین این تصور که با بستن یک شبکه اجتماعی غالب می‌توانیم یک شبکه اجتماعی داخلی را ایجاد کنیم اشتباه است.

دولت باید بررسی کند که چرا مردم تا به‌حال از اپلیکیشن‌های داخلی استفاده نکرده‌اند؟

از سوی دیگر تجمعی که در اینستاگرام است در هیچ کدام از شبکه‌های اجتماعی داخلی نیست. می‌توان از اپلیکیشن‌های داخلی در کنار اینستاگرام استفاده کرد.

متأسفانه برخی از رسانه‌های وابسته به ارگان‌های خاص برای مسدود شدن اینستاگرام و واتس‌آپ موج راه انداختند که این سیاست نه‌تنها باعث بهبود اوضاع نشد، بلکه گویی نمک روی زخم فعالان این فضاها شد!

راهکار این است که در مرحله اول مسائل ایجادشده، حل شود. همچنین اینترنت کشور دارای ساختاری منظم شود تا دیگر شاهد قطع اینترنت در کشور نباشیم.

کیما ملکی
editor@smtnews.ir

بر اساس
آمار حدود
۳۷ درصد
مردم به‌دلیل
بی‌اعتمادی،
از خرید کالا
به‌شکل
اینترنتی
خودداری
می‌کنند

حتی تعطیلی
۲۴ ساعته
یک از
کسب‌وکارهای
اینترنتی
موجب عدم
اعتماد
مشتریان
و پرسنل
می‌شود



اینستاگرام برای آنها کار ساده‌ای است، اما شرایط برای راه‌اندازی شبکه اجتماعی مشابه به‌دلیل مشکلات زیرساختی و بحث‌های حقوقی مهیا نیست. از سوی دیگر تجمعی که در اینستاگرام وجود دارد، در هیچ کدام از شبکه‌های اجتماعی داخلی نیست.

می‌توان از اپلیکیشن‌های داخلی در کنار اینستاگرام استفاده کرد.

نیاید برنامه‌های مشابه خارجی بسته شود
الفت‌نسب تأکید کرد: ساخت یک پلتفرم که بستر انجام فعالیت اقتصادی باشد در کوتاه‌مدت امکان‌پذیر نیست. همچنین این تصور که با بستن یک شبکه اجتماعی غالب می‌توانیم یک شبکه اجتماعی داخلی را جایگزین کنیم اشتباه است.

دولت باید بررسی کند که چرا مردم تاکنون از اپلیکیشن‌های داخلی استفاده نکرده‌اند؟ به هیچ عنوان نباید برنامه‌های مشابه خارجی بسته شود، بلکه باید برای استفاده از شبکه‌های اجتماعی داخلی امتیازهایی داده شود تا برنامه‌های داخلی و خارجی با هم رقابت کنند.

شرایط همین گونه می‌ماند
عضو هیات‌مدیره انجمن صنفی کسب‌وکارهای اینترنتی در

پیش‌بینی وضعیت اینترنت و پلتفرم‌های خارجی به‌عنوان بستری برای کسب‌وکارهای مجازی بیان کرد: شرایط بدون تغییر و به همین شکل پیش می‌رود و بعد از اتفاقات خوبی در وضعیت پلتفرم‌ها و اینترنت رخ دهد. در نتیجه نمی‌توان آمیدی به بهبود وضعیت کسب‌وکارها داشت و امیدواریم کسب‌وکارها تاب‌آوری خود را بالا ببرند.



تعداد زیادی از افراد فضایی را ایجاد می‌کند که مگرها بتوانند سایت‌ها را به‌راحتی از دسترس خارج یا هک کنند.

کوچ به پلتفرم‌های داخلی
این کارشناس فناوری اطلاعات ضمن انتقاد از تصمیم‌گیری‌های صورت‌گرفته و تشویق صاحبان کسب‌وکار برای کوچ به پلتفرم‌های داخلی بیان کرد: واقعیت این است که فضای موردنیاز اینفلوئنسرها و صاحبان کسب‌وکار نمی‌تواند در پلتفرم‌های ایرانی وجود ندارد. بعد می‌دائم فضایی شبیه اینستاگرام در نمونه‌های ایرانی باشد. این موضوع شبیه این است که فردی مغازه بزرگی در مرکز شهر داشته باشد و حالا با توجه به شرایط باید در یکی از زیرپله‌های کوچ‌های شهر فعالیت کند.

سخن پایانی

عمر کسب‌وکارهای اینترنتی را کوتاه می‌کند و مهم‌ترین آسیب آن از بین رفتن اعتماد است. مسئولانی که شعارتان اشتغالزایی است، لطفاً اعتماد مردم نسبت به کسب‌وکارهای اینترنتی را از بین نبرید!

جان کلام اینکه کسب‌وکارهای اینترنتی که اوج حضور مفید خود را در دوران کرونا نشان دادند و این روزها در زندگی روزمره ما حضور پررنگی دارند، به واسطه تصمیم‌گیری‌های یک‌شبه دچار چالش‌های بسیاری شدند، این در حالی است که این تصمیمات

نوسان نرخ کالا توزیع کنندگان را سرگردان کرد

اتاق‌های اصناف و هیات مدیره اتحادیه‌ها را برای تلاش هرچه بهتر به‌منظور تداوم فعالیت در تشکل‌های صنفی طی دوره‌های بعدی گرفته است. نایب‌رئیس دوم اتاق اصناف ایران گفت: یکی از پیشنهادات ما این است که فرآیند اصلاح قوانین مربوط به کسب‌وکار و واحدهای صنفی از چرخه تا توزیع تسهیل شود تا مصرف‌کننده و فعال اقتصادی احساس خسران نکنند. ما نیز در هیات رئیسه اتاق اصناف ایران برای بهبود شرایط رفیع موانع و مشکلات پیگیری این امور هستیم و انتظار داریم دولت، مجلس و دیگر نهادها در تصمیم‌گیری‌هایی که به‌نوعی به کسب‌وکارهای صنفی مربوط است، بدون مشورت اتاق اصناف و اتحادیه‌های مربوطه تصمیماتی نگیرند که بعدتر، آسیب آن را جامعه متحمل شود.

مالیات، تنها ۵ درصد است. باتوجه به هزینه‌های تحمیلی به اصناف طی سال‌های گذشته از جمله کرونا، رکود و تورم، افزایش حقوق و دستمزد، افزایش سرسام‌آور اجاره واحدهای صنفی و... حتی پرداخت این مقدار مالیات نیز برای برخی از واحدهای صنفی غیرممکن است؛ بنابراین انتظار می‌رود این سهم ۵ درصدی نادیده گرفته یا کمتر شود تا اصناف دچار ورشکستگی نشوند و بتوانند خدمات بهتری ارائه دهند؛ ضمن اینکه از آسیب‌های اجتماعی تعطیلی واحدهای صنفی و افزایش بیکاری جلوگیری شود.

بدری بیان کرد: تأخیر در اصلاح قانون نظام صنفی، روند انجام کارهای صنفی را تحت تأثیر منفی قرار داده و انگیزه‌های کاری هیات رئیسه

فروشنده و توزیع‌کننده به‌جای برنامه‌ریزی‌های روزانه، بتوانند پیش‌بینی‌های چندماهه داشته باشند.

وی بیان کرد: از دیگر مشکلات واحدهای صنفی، بازرسی‌های متعدد توسط نهادهای مختلف از جمله تعزیرات، وزارت جهاد کشاورزی، وزارت صمت، اتحادیه و اتاق اصناف و... است که برای فعالان صنفی دست‌وپاگیر شده و آنها مجبورند زمان زیادی برای فرآیند بازرسی صرف کنند. ما بر این عقیده‌ایم که این بازرسی‌ها باید یکپارچه شود.

نایب رئیس دوم اتاق اصناف ایران مالیات و اینتاگرد را از اصلی‌ترین مشکلات اصناف دانست و تأکید کرد: دولت معتقد است سهم اصناف در



نایب‌رئیس دوم اتاق اصناف ایران با اشاره به شرایط روز فعالان صنفی گفت: اصناف با چندین مشکل جدی مواجهند که از آن جمله می‌توان به عدم ثبات نرخ ارز و بی‌ثباتی نرخ کالاهای تولید داخل و تأثیر منفی آن بر بازار اشاره کرد.

به گزارش اتاق اصناف ایران، مراد بدری، ضمن بیان این مطلب افزود: انتظار می‌رود کالاهای تولیدی دست کم ۳ ماه، ثبات‌نرخ داشته باشند اما به‌دلیل عدم ثبات نرخ ارز و تأثیر آن بر واردات مواد اولیه این امر ناممکن شده است. این‌ها را باید در نظر گرفت. راهکارهایی می‌توان اندیشید تا

صرفه‌جویی الزام نیست، اجبار است



سعید میرزازی
کارشناس انرژی

ایران دارنده ۱۸ درصد از میادین گازی جهان و سومین تولیدکننده گاز جهان است و بیش از ۷۰ درصد از گاز تولیدی کشور در پارس جنوبی تولید می‌شود.

همچنین، براساس گزارش شرکت ملی گاز ایران، ایران ۲۲ پالایشگاه گازی دارد و روزانه یک میلیارد مترمکعب گاز معادل بیش از ۵۵ میلیون بشکه نفت در کشور تولید و ۶ درصد از گاز تولیدی صادر می‌شود. براساس برآوردها، صنایع عمده ۱۷ درصد و نیروگاه‌ها ۳۰ درصد و بخش خانگی و تجاری بیش از ۴۴ درصد از کل تولید گاز کشور را مصرف می‌کنند و گاز ایران به کشورهای ترکیه، عراق، ارمنستان، نخجوان و جمهوری آذربایجان صادر می‌شود.

باوجود ظرفیت‌های یادشده، تامین گاز در فصول سرد سال یکی از مشکلات سال‌های اخیر ایران است. تا آنجا که تولید، عرضه، مصرف و تقاضا، حوزه گاز را شبیه به یک معادله کرده است.

کارشناسان مشکل عدم‌تامین گاز در فصول سرد سال را ناشی از رشد اندک عرضه می‌دانند که به‌دنبال محدودیت‌های مالی، فنی و سرمایه‌گذاری ایجاد می‌شود.

از سوی دیگر، تقاضا برای مصرف این انرژی در ایران به‌شدت رشد داشته که به‌گفته کارشناسان، این تقاضا ناشی از مصرف غیربهرینه است.

افزایش سالانه انشعابات در مراکز مصرف‌کننده گاز از جمله مصارف نیروگاه‌ها، بخش خانگی، صنایع و... منجر به مصرف غیربهرینه گاز شده است.

از سوی دیگر، تجهیزات و وسایل انتقال و مصرف سوخت دستگاه‌هایی که عمده مصرف آنها گاز است، از سطح استاندارد پایینی برخوردار بوده که درنهایت منجر به هدرروی سوخت می‌شود.

هدرروی سوخت در بحث ساختمان‌ها نیز از دیگر دلایل مصرف بالای گاز است، چراکه تعداد بسیاری از ساختمان‌ها عایق‌بندی مناسب ندارند، بنابراین در مجموع، این معادله به این‌گونه است که رشد مصرف در کنار کندی عرضه، منجر به بروز کمبود گاز در فصل سرد سال می‌شود.

کنترل این کمبود و مدیریت مصرف نیز نیازمند اتخاذ تدابیر و برنامه‌هایی است که مانع از توسعه ناترازی در این بخش شود.

ناترازی به این معنا است که تقاضا بیشتر از عرضه در یک فاصله زمانی مشخص پدید آید.

دولت‌ها در چند سال گذشته، برای کنترل و جلوگیری از شدت این ناترازی، اقداماتی از جمله قطع گاز مقطعی یا سهمیه‌بندی گاز صنایع را به‌کار می‌بندند که به‌گفته بسیاری از کارشناسان، راحت‌ترین راهکار است و درمان قطعی این درد نیست.

در اصل، یکی از راهکارهای کوتاه‌مدت می‌تواند قطع گاز در برخی صنایع یا تعطیلی ادارات و مدارس باشد که به این صورت بتوان بحران را مدیریت کرد.

در چنین شرایطی، سوخت مورداستفاده در نیروگاه‌ها ممکن است به سوخت مایع تغییر کند که البته این تغییر معمولاً هزینه‌بر بوده و با مشکلاتی از جمله محدودیت تولید و خدمات همراه است، چراکه با تعطیلی ادارات، کاهش خدمات قابل‌توجهی رخ می‌دهد.

همچنین، با تغییر سوخت و استفاده از سوخت جایگزین در صنایع و کارخانه‌ها، احتمال آلودگی هوا افزایش می‌یابد. علاوه بر این، استفاده از سوخت مایع، هزینه‌های بسیاری را به‌دنبال دارد و هزینه تولید را افزایش می‌دهد.

در نهایت، اقداماتی مانند قطع گاز در دوران پیک مصرف، می‌تواند به مدیریت مصرف گاز کمک کند و قطعی گاز در استان‌ها را تا حدی کاهش دهد، اما همراه با هزینه‌های بالای تولیدی و زیست‌محیطی است.

باتوجه به موارد یادشده، بسیاری اصلاح تعرفه گاز را راهکار عملیاتی‌تری برای کنترل مصرف می‌دانند. این گروه معتقدند به‌دلیل آنکه گاز به صنایع و بسیاری از ادارات به‌صورت ارزان ارائه می‌شود، به‌طورمعمول کسی به فکر بهینه‌سازی مصرف نیست، هرچند محدودیت‌های مالی و تکنولوژی، یکی از موانع جدی بهینه‌سازی مصرف به‌ویژه در کارخانجات و بخش تولید است، اما برای رفع ریشه‌ای این مشکل باید با برنامه‌های تدریجی و میان‌مدت به اصلاح امور پرداخت.

نکته دیگر، افزایش مصرف گاز بخش خانگی است که در زمستان با انفجار مصرف گاز در این بخش مواجه می‌شویم، برای تامین گاز خانگی مجبور به محدود کردن گازرسانی به نیروگاه‌ها و صنایع خواهیم بود. از سوی دیگر، باوجود تمام اقدامات، ذخیره‌سازی گاز نیز محدود است.

بنابراین، کنترل مصرف تنها راه فعلی خواهد بود. به این ترتیب، صرفه‌جویی در مصرف گاز دیگر یک الزام نیست، بلکه یک اجبار است.

در کل، مردم ایران باید بپذیرند که قبض گاز ۶۰ هزارتومانی نسبت به قیمت‌های جهانی ارزان و مفت است، تا زمانی که این قبض‌های ارزان صادر می‌شود، کسی به فکر بهینه‌سازی مصرف انرژی نیست.

در بررسی آخرین وضعیت تغییر تعرفه گاز نمایان شد

تیر خلاص به مشترکان بدمصرف



عکس: مهرنگار

جهش قیمتی شدید برای پر مصرف‌ها

داخلی به بیشترین سرانه یارانه پرداختی به‌ازای هر واحد تولید ناخالص داخلی خواهد رسید. یکی از دلایل مهم در زمینه پرداخت حجم بالای یارانه انرژی، فاصله نرخ گاز تولیدی کشور با نرخ گاز عرضه‌شده است. ایران در ۲ حوزه برق و گاز به بخش‌های مختلف اقتصادی، یارانه بالایی پرداخت می‌کند. در بخش گاز، بخش خانگی و تجاری با سهمی بیش از ۴۴ درصد در صدر مصرف گاز در کشور، بعد از این بخش نیز، نیروگاه‌ها با بیشترین میزان مصرف گاز در رتبه بعدی قرار دارند. همچنین، بخش نیروگاهی نیز عمده تولید برق خود را در اختیار بخش خانگی و تجاری قرار می‌دهد و از این‌رو سهم بسیار بزرگی از مصرف یارانه‌ای برق و گاز در بخش خانگی و تجاری است؛ بنابراین برای بهینه‌سازی مصرف انرژی در اقتصاد ایران، تمرکز بر بخش خانگی با سهم بسیار بالا

تعرفه گاز تغییر نمی‌کند

به سرمایه زیاد هوا، دولت مصوبه‌ای را ابلاغ کرد که طبق آن ۷۰ درصد تخفیف برای مشترکان اعمال شد که این موضوع دیگر اعمال نمی‌شود و این تعرفه مربوط به فصل سرد بود که از ۱۶ آبان تا ۳۱ فروردین لحاظ خواهد شد.

استفاده از تجهیزات بهینه‌سازی‌شده

در این گزارش آمده است؛ کسانی که در دوره گرم سال از گاز طبیعی برای مصارف سرمایه‌یابی استفاده می‌کنند، ضروری است از تجهیزات بهینه‌سازی‌شده و با بازده انرژی بالا استفاده کنند تا هزینه‌های مربوطه را کاهش دهند. گازبهای افراد زیرپوشش سازمان‌های حمایتی در دوره سرد و گرم سال تا سقف مصارف پله ۳ آنها رایگان است و تنها گازبهای مصارف مزاد بر پله ۳ را پرداخت خواهند کرد. همچنین، مشوق‌هایی برای تشویق مشترکان به صرفه‌جویی در بازه ۱۶ آذر تا ۱۵ اسفند در نظر گرفته شده است.

بر این اساس، در صورت کاهش حداقل ۱۰ درصدی مصارف خانگی به نسبت دوره مشابه سال ۱۴۰۱، به ازای هر مترمکعب صرفه‌جویی، مبلغی معادل ۵ برابر هزینه فرآورش، انتقال و توزیع به مشترک پرداخت خواهد شد. این مبلغ تا سقف ۳۵ درصد صرفه‌جویی قابل‌پرداخت خواهد بود.

مدیر هماهنگی و امور گازرسانی شرکت ملی گاز ایران در این راستا توضیح داده بود: در اقلیم یک، میزان مصرف هزار و ۳۰۰

بیشترین بازدارندگی برای پر مصرف‌ها

بلندمدت خود را در ساخت‌وسازهای جدید به‌همراه خواهد داشت که در سال‌های آینده نمایان می‌شود.

نرخ سوخت نیروگاهی

احمدی نرخ سوخت نیروگاهی برای تامین انرژی را ناچیز عنوان کرد و ادامه داد: دولت‌ها به‌علت پایین بودن نرخ سوخت به‌سمت ساخت نیروگاه با بازدهی بالا حرکت نکرده‌اند. به‌تازگی آیین‌نامه اجرایی بند ب ماده ۴۴ برنامه ششم توسعه به‌تصویب رسید که طبق یکی از ماده‌های این آیین‌نامه، نرخ سوخت نیروگاهی به‌تدریج افزایش پیدا می‌کند تا سرمایه‌گذاری نیروگاهی به‌سمت ساخت نیروگاه با بازدهی بالا حرکت کند. این کارشناس با اشاره به نزدیک شدن فصل سرما و بالا رفتن میزان مصرف گاز بیان کرد: بیشترین مصرف گاز در زمستان و در بخش خانگی است و روش تنظیم تعرفه‌ها اقدامی برای مدیریت مصرف سوخت قبل از مواجهه با بحران محسوب می‌شود. در بخش گاز، خلاف برق که در تابستان دارای

سخن پایانی

در صورت صرفه‌جویی بیش از ۱۰ درصدی، مدارس، دانشگاه‌ها، خیریه‌ها، اماکن ورزشی و مذهبی، مجتمع‌های تجاری و اماکن گردشگری، به‌ازای هر یک واحد درصد صرفه‌جویی، مشمول تخفیف هزینه‌های گازبهای دوره صورت‌حساب تا ۱۰ واحد درصد خواهند شد. این تخفیف گازبها تا سقف ۴۰ درصد قابل‌اعمال در صورت‌حساب دوره است. براساس ابلاغیه شورای عالی امنیت ملی، گازبهای مشترکانی که در بازه زمانی ۱۵ دی تا ۱۵ بهمن حداکثر ۷۰ درصد مصرف پله سوم اقلیم مربوطه را داشته باشند، به‌صورت ۱۰۰ درصد رایگان محاسبه خواهد شد. مشترکان غیرخانگی با ظرفیت ۵ هزار مترمکعب در ساعت و بیشتر در صورتی که در دوره سرد سال حداقل در ۵ روز متوالی مصارف خود را نسبت

سال گذشته، سال پرفراز و نشیبی برای گاز بود که در زمستان چالش‌های فراوانی را پشت‌سر گذاشت و طی روزهای گذشته، شرکت ملی گاز ایران، تعرفه گازبهای مصوب امسال را طبق قانون بودجه کل کشور اعلام و ابلاغ کرد که تنها تفاوت آن با تعرفه سال ۱۴۰۱ در این است که پلکان مصرف به‌جای ۷۵ مترمکعبی، ۱۰۰ مترمکعبی است و هیچ افزایش تعرفه‌ای رخ نداده است.

تعرفه هر پله در دوره سرد سال به‌طوردقیق مشابه تعرفه‌های ابلاغی سال ۱۴۰۱ است و تنها الگوی مصرف براساس آخرین اطلاعات مصرف و شرایط آب‌وهوایی کشور و با هدف کاهش هزینه خانوارها تغییر یافته و الگوی مصرف متناسب با مناطق جغرافیایی و اقلیم آب‌وهوایی شهرهای کشور تعیین شده است و مشترکان در شهرهای مختلف طبق وضعیت آب‌وهوایی محل مصرف از الگوهای متفاوتی برخوردار هستند. از سوی دیگر، به‌منظور اعمال دقت‌نظر و بررسی شرایط آب‌وهوایی مناطق مختلف کشور، اقلیم‌های آب‌وهوایی از سوی پژوهشگاه هواشناسی کشور تعیین و به شرکت ملی گاز ایران اعلام می‌شوند. ~~در این گزارش~~ تعرفه گازبهای مصوب امسال را مورد تحلیل و بررسی قرار داده است.

ایران جایگاه دوم تولید گاز و همچنین مقام سوم در حوزه مصرف در سطح جهانی را دارد، اما مسئله‌ای که به نگرانی‌های بسیاری در بین دولتمردان و کارشناسان منجر شده، اجرای طرح افزایش تعرفه پلکانی گاز است که البته مخالفان و موافقان بسیاری دارد که در این میان، برخی‌ها پایین بودن نرخ گاز را از جمله عوامل مهم تاثیرگذار بر مصرف بی‌رویه گاز در بخش خانگی می‌دانند، اما در مقابل، برخی کارشناسان دیگر نیز معتقدند افزایش نرخ گاز به‌صورت پلکانی هم تنها فشار اقتصادی به اقشار آسیب‌پذیر جامعه را بیشتر می‌کند و قادر نخواهد بود میزان مصرف را کاهش دهد. به‌تازگی نیز بانک جهانی اعلام کرده است که ایران در رتبه سوم پرداخت یارانه سوخت در جهان قرار دارد که باتوجه به میزان تولید ناخالص داخلی، این رقم به‌ازای هر واحد تولید ناخالص

در تعرفه‌های ابلاغی مانند سال‌های گذشته تعرفه مشترکان کم‌مصرف (۳ پله ابتدایی) هیچ تغییری نکرده و تنها تعرفه مشترکان پر مصرف مانند سال ۱۴۰۱ در هر پله تعیین شده است. همچنین، به‌منظور تشویق مشترکان به صرفه‌جویی و استفاده از راهکارهای بهینه‌سازی مصرف گاز طبیعی، تعرفه پله‌های ۱۱ و ۱۲ (مشترکان بسیار پر مصرف، به‌ترتیب ۵۰ و ۶۰ هزار ریال است.

این در حالی است که چندی پیش، مسلم رحمانی، مدیر هماهنگی و امور گازرسانی شرکت ملی گاز ایران درباره آخرین وضعیت تغییر تعرفه گاز گفته بود: «بر اساس جزء یک بند «ز» و بند «ل» تبصره ۱۵ قانون بودجه سال ۱۴۰۲ دولت و شرکت ملی گاز موظف شدند که ضمن بررسی مجدد الگوی مصرف بخش خانگی تعرفه‌های گاز طبیعی را نیز به‌نحو تنظیم کنند که برای مشترکان تحت‌پوشش کمیته امداد و بهزیستی که در حد متعادل مصرف دارند، قبوض رایگان صادر شود.»

افزایش تعرفه در پلکان ۱۱ و ۱۲

این مقام مسئول تاکید کرد: از ابتدای سال ۱۴۰۲، پلکان مصرف ۱۲ گانه ۱۰۰ مترمکعب خواهد بود، اما تعرفه‌ها هیچ تغییری پیدا نکرده است و مشترکان قبل اعمال می‌شود. برای مصارف ۳ پلکان اول تعرفه نرخ گاز ثابت است و در پلکان ۱۱ و ۱۲ که مصارف زیادی دارند، با تغییراتی مواجه هستیم.

رحمانی با بیان اینکه سال گذشته نیز همین مبلغ بود، اما باتوجه

معین احمدی، کارشناس انرژی به ~~گفت~~ محاسبه نرخ گاز مصرفی براساس تعرفه‌های گاز و انواع سوخت اکنون در بخش خانگی در حال اجرا است و به‌نظر می‌رسد نرخ‌گذاری پلکانی نقش بالایی در بازدارندگی مصرف نداشته باشد. بنابراین، تعرفه‌گذاری باید به‌گونه‌ای باشد که بیشترین بازدارندگی را برای پر مصرف‌ها و کمترین فشار را بر کم مصرف‌ها داشته باشد. این کارشناس انرژی ادامه داد: هرچند به‌گفته مسئولان، همین شیوه نیز نقش بسزایی در کاهش مصرف و مدیریت ناترازی انرژی در پیک مصرف امسال داشته است.

بالاترین یارانه انرژی

احمدی بیان کرد: براساس آمار آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) ایران با رقمی نزدیک به ۳۰ میلیارد دلار، بیشترین میزان یارانه پنهان انرژی در دنیا را می‌دهد و بعد از ایران، کشور چین با بیش از یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون نفر جمعیت، ۲۵.۵ میلیارد دلار یارانه انرژی می‌دهد.

سیاست‌های کنترل مصرف به طریقه کنترل قیمتی و غیرقیمتی تقسیم‌بندی می‌شوند که باید در کنار یکدیگر اجرا شوند. اگر فقط نرخ برق یا گاز افزایش پیدا کند، بعد از گذشت زمان، مصرف‌کنندگان به قیمت‌ها عادت می‌کنند و دوباره میزان مصرف بالا می‌رود؛ مانند آنچه در زمان هدمندی یارانه‌ها و افزایش نرخ انرژی رخ داد، چراکه بعد از گذشت زمان، میزان مصرف انرژی به روال قبل بازگشت. احمدی بیان کرد: تا زمانی که هزینه‌ها جبران شوند، تعرفه‌گذاری اقدام قابل‌قبولی است و روش‌های پلکانی شاید در میزان مصرف کلی گاز اثرگذار باشد، اما در زمان پیک مصرف، نیازمند کنترل مصرف هستیم که احتمالاً تغییرات قیمتی بیشتری نیاز دارد. اگر ابزار قیمت‌گذاری برای کنترل پیک مصرف مورد استفاده قرار بگیرد، باید از زیرساخت کنترل‌های هوشمند هم استفاده کرد که هنوز در مصارف خانگی پیاده‌سازی نشده است. قیمت‌گذاری پلکانی اثرات

محمد انوشه‌نی
editor@smtnews.ir



از ابتدای سال، پلکان مصرف ۱۲ گانه برای محاسبه نرخ گاز تعیین شده، اما تعرفه‌ها هیچ تغییری پیدا نکرده است



تعرفه‌گذاری باید به‌گونه‌ای باشد که بیشترین بازدارندگی را برای پر مصرف‌ها و کمترین فشار را بر کم مصرف‌ها داشته باشد

اجرای درست قوانین

شاهکلید حل مشکلات



فریدون اسعدی
کارشناس انرژی

تولید و مصرف گاز در سال‌های اخیر به‌واسطه عدم سرمایه‌گذاری در این حوزه و سایه سنگین تحریم‌ها، وضعیت مطلوبی ندارد. اعمال تحریم‌ها از بخش نفت و گاز آغاز و سبب شده است در تولید، سرمایه‌گذاری و بخش‌های بالادستی، با مشکلات اساسی مواجه شویم. نبود توانمندی مناسب و سرمایه‌گذاری خارجی در کشور باعث شده از لحاظ منابع گازی در شرایط نامساعد قرار بگیریم.

امروز کسری تراز انرژی در فصول سرد و گرم هیچ تفاوتی ندارند. نفت و گاز طبیعی بیش از ۹۹ درصد انرژی اولیه کشور را تشکیل می‌دهد.

اگر همین امروز، تمام مسئولان برای حل مشکل کمبود گاز در کشور دست‌به‌دست هم بدهند، شاید حدود ۳ سال طول بکشد تا بتوانیم این ناترازی را جبران کنیم. از سویی، اگر امروز برای این مشکل چاره‌های اندیشیده نشود، در سال‌های بعد بحران جدی‌تری خواهیم داشت.

مشکل کمبود گاز در کشور ما به‌دلیل عوامل مختلفی مانند افزایش تقاضا، کاهش تولید داخلی، عدم توسعه صادرات گاز و... پیش آمده است و برای حل این مشکل نیاز به برنامه‌ریزی جامع و دقیق داریم. باتوجه به اینکه سیستم تامین و توزیع گاز شبکه‌ای در کشور به‌اندازه کافی توسعه‌یافته نیست، لازم است که برای حل این مشکل به‌سرعت اقداماتی انجام شود.

به‌نظر می‌رسد که برای حل این مشکل، لازم است که از راه‌های مختلفی مانند توسعه تولید داخلی، افزایش صادرات گاز، افزایش کارایی شبکه‌های توزیع و تامین گاز، تشویق به استفاده از منابع انرژی جایگزین و... استفاده کنیم.

اگر این اقدامات به‌درستی انجام شود، می‌توان به‌طور قابل‌توجهی نیاز کشور به گاز را تامین کرد. باتوجه به مسئله پیچیده‌ای که در برابر آن قرار داریم، لازم است که همه مسئولان و نهادهای مرتبط با این حوزه با هم همکاری کنند و برای حل این مشکل اقدامات لازم را انجام دهند.

طبق بررسی‌های انجام‌شده تا قبل از سال ۱۳۹۰، حدود ۸۰ درصد منابع موردنیاز برای سرمایه‌گذاری بخش نفت و گاز کشور به‌ویژه در بخش‌های بالادستی را سرمایه‌گذاران خارجی تامین کرده‌اند، اما در سال‌های اخیر وضعیتی که تحریم برای کشور ایجاد کرد، سبب شد نتوانیم از ظرفیتی که در سال‌های گذشته از طریق منابع سرمایه‌گذاری خارجی جذب شد، استفاده کنیم.

در بحث منابع داخلی نفت و گاز هم اتفاقات نامناسبی رخ داده است. تحریم‌های غرب سبب شد در بحث صادرات نفت با مشکلات بسیاری مواجه شویم، اما در بحث صادرات گاز، مشکلی نداشتیم. کشور در صادرات نفت از روزی ۲.۵ میلیون بشکه در روز به روزی ۷۰۰ هزار بشکه رسیده است.

این موضوع یکی از مسائل مهمی بود که سبب شد نتوانیم از داخل کشور منابع موردنیاز برای سرمایه‌گذاری را تامین و کسری‌هایی را که از نبود سرمایه‌گذاری خارجی اتفاق افتاد، جبران کنیم. اتفاق ناخوشایند بعدی، اجرای نامناسب قانون هدفمند کردن یارانه‌ها بود. اگر قرار است کشور رویه مناسبی در حوزه انرژی به‌ویژه در حوزه مصرف داشته باشد، باید این قانون به‌درستی اجرا شود.

اگر به سوابق قانون هدفمند کردن یارانه‌ها رجوع کنیم، درمی‌یابیم کارشناسان مخالف یارانه ۴۵.۵۰۰ تومانی بوده‌اند و محاسبات صورت گرفته، نشان می‌داد اگر قرار است ۵۰ درصد منابع، صرف یارانه نفت و الباقی به شرکت‌های خدمات‌دهنده انرژی تخصیص داده شود، باید به هر فرد حدود ۱۲.۵۰۰ تومان تخصیص می‌یافت.

در عمل، این مدل از اجرای قانون هدفمندی سبب شد که این شرکت‌ها دچار یک اشکال بزرگ شوند و به یک اداره کل برای تامین منابع هدفمند کردن تبدیل شدند.

در گذشته، شرکت توانیر از محل فروش برق، منابع سرمایه‌گذاری برای تولید برق را تامین می‌کرد، اما شکل اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها سبب شد که فروش برق از دست شرکت توانیر خارج و در اختیار سازمان هدفمندی یارانه‌ها قرار گیرد و در بین مردم توزیع شود. چنین برخوردی سبب شد که بحران انرژی در کشور، شکل جدی‌تری به خود بگیرد. متأسفانه ما در بحث

بهینه‌سازی هیچ فعالیت مثبتی انجام ندادیم. البته در جریان بررسی قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر صحت و بندهایی از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در قانون یادشده گنجانده شد که بهینه‌سازی را در دستور کار قرار دهند. با این همه، آیین‌نامه اجرایی ماده (۱۲) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور به موضوع بهینه‌سازی مصرف و صرفه‌جویی در مصرف نهادهای و کاهش هدررفت انرژی پرداخته است. به‌نظر می‌رسد استفاده از ظرفیت ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید که سال‌ها قبل ابلاغ شده است، از اصلی‌ترین راهکارهای غیرقیمتی دولت برای بهینه‌سازی مصرف انرژی باشد. همچنین، راهکار قیمتی کاهش مصرف در صنعت برق و گاز نیز با شیوه تعرفه‌گذاری پلکانی اعمال شده و در کنار این بحث، جای خالی راهکارهای غیرقیمتی در کشور به‌منظور بهینه‌سازی مصرف انرژی نیز الزامی است.

مصرف بالای گاز با تعرفه‌گذاری پلکانی قابل کنترل است

سقوط آزاد پرمصرف‌ها



بهینه‌سازی مصرف گاز طبیعی، تعرفه پله‌های ۱۱ و ۱۲ (مشترکان بسیار پرمصرف)، به‌ترتیب ۵۰ و ۶۰ هزار ریال است. طبق اعلام شرکت ملی گاز ایران، حدود ۷۶ درصد مردم در ۳ پله مصرف قرار دارند که حدود ۵۰ درصد از مصرف کل گاز در بخش خانگی را به خود اختصاص می‌دهند. در این گزارش تعرفه گازهای مصوب امسال را از نگاه کارشناسان بررسی کرده است.

اما بازه هر پله افزایش یافته است که بدین صورت مشترکان پرمصرف و مرفه‌نشین تاحدودی از تیررس سیاست‌های تنبیهی دولت خارج شده‌اند. در تعرفه‌های ابلاغی مانند سال‌های گذشته تعرفه مشترکان کم‌مصرف (۳ پله ابتدایی) هیچ تغییری نکرده و تنها تعرفه مشترکان پرمصرف مانند سال ۱۴۰۱ در هر پله تعیین شده است، همچنین به‌منظور تشویق مشترکان به صرفه‌جویی و استفاده از راهکارهای

تعرفه‌های گازهای مصوبه ۲۱ خرداد امسال به‌منظور اجرای جزء (یک) بند (ز) تبصره ۱۵ و بند (ل) تبصره ۱۵ قانون بودجه سال ۱۴۰۲ ابلاغ شده است. این تعرفه‌ها به‌صورت پلکانی و در قالب ۱۲ پله تدوین و ابلاغ و تعرفه هر پله به مصارف مازاد بر پله پیشین اعمال خواهد شد. طبق مصوبه جدید دولت، تعرفه گاز مشترکان خانگی در هر پله مصرف نسبت به سال گذشته هیچ تغییری نکرده،

طرح‌های تشویقی و تنبیهی برای کاهش مصرف انرژی

در بسیاری از کشورها، طرح‌های تشویقی و تنبیهی برای کاهش مصرف انرژی اجرا می‌شود. این طرح‌ها برای تشویق مردم به بهره‌وری انرژی و کاهش مصرف و در عین حال برای تنبیه افرادی که بیش از حد گاز مصرف می‌کنند، طراحی شده‌اند.

طرح‌های تشویقی و تنبیهی برای مصرف گاز در کشور همچنان در حال توسعه و بروزرسانی هستند و دولت سعی می‌کند با اجرای این طرح‌ها، مصرف گاز را کاهش دهد و از این طریق به حفظ محیط‌زیست کمک کند. هر چند تعرفه‌های پلکانی با مخالفت‌هایی از سوی کارشناسان روبرو است.

دولت در سال‌های اخیر برای مقابله با این مشکل، برنامه‌هایی را برای افزایش بهره‌وری انرژی و کاهش مصرف گاز در دستور کار خود قرار داده است. این برنامه‌ها شامل توسعه نیروگاه‌های برق با استفاده از منابع انرژی پاک، ترویج استفاده از سیستم‌های مدیریت انرژی هوشمند در ساختمان‌ها و صنایع، تشویق به استفاده از انرژی خورشیدی و بادی و افزایش تولید سوخت‌های جایگزین بوده است، اما با تمام تلاش‌هایی که برای بهینه کردن مصرف گاز در کشور انجام گرفت، متأسفانه نتایج قابل‌ملاحظه‌ای حاصل نشد و در نهایت، مانور دولت بیشتر به‌سمت طرح‌های تشویقی و تنبیهی معطوف شد.

مصرف بالای گاز در ایران یکی از مشکلاتی است که مدت‌هاست، وجود دارد. عوامل مختلفی از جمله توسعه صنعتی، تغییر الگوی مصرف انرژی در خانوارها و ادارات و رشد جمعیت می‌توانند به افزایش مصرف گاز در ایران منجر شوند. در بسیاری از مناطق کشور، مصرف گاز برای گرمایش و ایجاد آب گرم بسیار رایج است. از طرفی، به‌دلیل پایین بودن نرخ گاز به نرخ برق، بسیاری از مردم به استفاده بیشتر از گاز روی آورده‌اند. در هر صورت، افزایش مصرف گاز باعث افزایش هزینه‌های انرژی برای خانوارها و صنایع می‌شود و می‌تواند به عواقب منفی برای محیط‌زیست منجر شود.

طرح سودمند دولت برای کاهش مصرف گاز

تعویض خط تولید این بخاری‌ها نداشته است. این بخاری‌ها به‌صورت غیراستاندارد در سراسر کشور به‌ویژه در مناطق محروم و روستایی به کار گرفته می‌شوند و عمده گاز ما را می‌بلعند.

ضرورت اصلاح الگوی مصرف

این استاد دانشگاه خاطرنشان کرد: مسئله بعدی، الگوهای مصرف است که باید اصلاح شود که کمبود این موضوع مصرف سرانه انرژی در کشور ما را بالا می‌برد. به‌طور مشخص در کشورهای دیگر می‌بینیم که حتی برای گرم نگه داشتن آب از فلاسک استفاده می‌شود، اما در کشور ما شاید در طول روز چندین بار از شعله‌های گاز برای جوش آوردن آب استفاده شود یا گاهی دیده می‌شود در مشاغل و فروشگاه‌ها یک اجاق خوراکی‌ریز را قرار داده‌اند و گاز را به‌صورت خالص مصرف می‌کنند. چنین مواردی تنها یکی از صدها موردی است که باید فرهنگ‌سازی شود.

مردان با‌شماره به اهمیت اصلاح الگوی مصرف گاز در کشور خاطرنشان کرد: اینکه بگوییم کشور ما از نظر منابع گازی بین ۳ کشور اول دنیا قرار دارد، پس تنها می‌توانیم بدون محدودیت از گاز استفاده کنیم، کاملاً غلط است. اتفاقاً ما باید درباره صرفه‌جویی، اقدامات زیادی انجام دهیم. آن چیزی که اکنون درباره مصرف گاز همانند برگ برنده در دستان دولت است، بحث مدیریت صحیح منابع انرژی باتوجه به منابع موجود است که اگر به این مهم توجه ویژه شود، ناترازی انرژی به‌طور قطع ریشه‌کن می‌شود.

حسن مرادی، نماینده سابق مجلس و عضو افتخاری باشگاه اقتصاد انرژی با‌شماره به تغییرات جدید در تعرفه گاز خانگی به توضیح داد: بنده این تعرفه‌گذاری را مثبت ارزیابی می‌کنم و معتقد هستم که می‌تواند به کاهش مصرف گاز خانگی منجر شود. آن چیزی که مسلم است، مصرف بالای انرژی در ایران است، به‌طوری که سرانه مصرف انرژی در کشور ما چند برابر کشورهای دیگر است. شوفاژ، فن کوئل و بخاری در بیشتر خانه‌ها وجود دارد، بنابراین زمانی که مترآز یک خانه بسیار بزرگ است و چندین اتاق دارد، تجهیزات سرمایشی و گرمایشی زیادی را می‌طلبد. اگر بخواهیم در محدوده جغرافیایی شهر تهران صحبت کنیم، بیشتر این خانه‌ها در مناطق برخوردار و شمالی شهر قرار گرفته‌اند و مصرف انرژی در این مناطق چندین برابر جنوب شهر است. با مطالعه آمارها و با نگاهی به مصرف سرانه گاز و برق درمی‌یابیم که مناطق یک، ۲ و ۳ بیشترین مصرف گاز خانگی را در پایتخت دارند و از این حیث، جزو مشترکان پرمصرف و بسیار پرمصرف قرار می‌گیرند.

وی در ادامه توضیح داد: اما به‌طور کلی، مشکلی که در کشور وجود دارد، نداشتن مصرف استاندارد انرژی است و چیزی که بیشتر از همه به‌ششم می‌خورد، مصرف ۲۵ میلیون بخاری غیراستاندارد است که در دولت دوازدهم قرار بود روی بهره‌وری این بخاری‌ها کار شود و این‌گونه لوازم گرمایشی جایگزین شوند؛ اما اقدامی نشد و متأسفانه همچنان سازمان بهینه‌سازی جز تعداد محدود، توفیقی در

روشی برای کاهش مصرف انرژی

بیش از حد انرژی می‌شود. این کارشناس انرژی خاطرنشان کرد: در کل، مصرف بخش خانگی به‌دلیل نبود استاندارد در ساختمان‌ها و تجهیزات گرمایشی بسیار بالا است و برای حل این مسئله باید از روش‌های مختلف استفاده کرد. اعمال تعرفه‌گذاری پلکانی و ارائه سیاست‌های تشویقی و تنبیهی به مردم برای صرفه‌جویی در مصرف انرژی و گاز طبیعی می‌تواند موثر باشد. علاوه بر این، باید از طریق سیاست‌های غیرقیمتی به‌سمت بهبود ساختمان‌ها و افزایش راندمان تجهیزات گرمایشی کشور حرکت کرد. هرچند باید توجه داشت که هدررفت انرژی در بخش‌های دیگر مانند نیروگاه‌های کشور هم بسیار زیاد است و باید برای این مسئله نیز تلاش کرد.

وی در خاتمه با‌شماره به اهمیت روش قیمت‌گذاری پلکانی افزود: این روش، بهترین مدل قیمت‌گذاری برای انرژی است. این روش، طرح بهینه و مناسبی بوده و در سطح جهان پیش‌تر امتحان شده

حمیدرضا عسگری، کارشناس انرژی به توضیح گفت: طبق سیاست‌های کشور در سال‌های گذشته و بهره‌برداري از فازهای پارس‌جنوبی، تولید گاز طبیعی در کشور به‌طور چشمگیری افزایش یافته و ظرفیت فعلی تولید گاز طبیعی به حدود ۷۵۰ میلیون مترمکعب در روز رسیده است. با این حال، افزایش تولید به همراه افزایش مصرف در همه بخش‌ها، به‌ویژه بخش خانگی، کشور را در زمستان سال گذشته با مشکل ناترازی در حدود ۲۰۰ میلیون مترمکعب گاز مواجه کرد. این کارشناس انرژی گفت: این شرایط باعث کاهش میزان گاز طبیعی در ماه‌های سرد سال می‌شود و معمولاً در زمستان، برای تامین نیاز بخش خانگی به گاز، مجبور هستیم که گاز موردنیاز صنعت را قطع کنیم. این امر باعث آسیب جدی به صنایع می‌شود و در درآمدهای صادراتی کشور مشکل ایجاد می‌کند. به‌عنوان مثال، در سال گذشته، قطع گاز پتروشیمی‌ها باعث تحمیل خسارتی حدود یک میلیارد دلاری به این صنعت شد.

عسگری با‌شماره به به‌صرفی در کشور گفت: بررسی میزان مصرف گاز طبیعی در کشور نشان می‌دهد که مصرف قابل‌توجهی وجود دارد. بخش عمده‌ای از مصرف به بخاری‌ها و تجهیزات گرمایشی خانگی اختصاص دارد و متأسفانه استاندارد مصرف تجهیزات گرمایشی تولیدی در کشور، اغلب روی مقادیر F و G قرار دارد، در حالی که در کشورهای دیگر، این شاخص روی مقادیر A و B قرار دارد. بخش دیگری از افزایش مصرف به استانداردهای ساختمان‌سازی کشور مربوط است. متأسفانه محبت ۱۹ ساختمان‌سازی در کشور به‌اندازه کافی جدی گرفته نمی‌شود، مسلماً این موضوع باعث هدررفت



ما پیش از اروپا گاز مصرف می‌کنیم و طبیعی است که ناترازی داشته باشیم؛ چراکه حجم مصرف از تولید پیشی می‌گیرد و فاجعه را رقم می‌زند و دولت هرچه تلاش می‌کند تا این ناترازی را جبران کند، موفق نمی‌شود. با این نحوه مصرف، روزبه‌روز باتوجه به توسعه شبکه نیاز بیشتر و مصرف هم به همان میزان بیشتر می‌شود. دولت باید برای مصرف بهینه اقداماتی انجام دهد. در این زمینه، بهترین راهکار، تمرکز بر بخش خانگی و همچنین جبران بخشی از ناترازی از طریق واردات گاز و تبدیل آن به محصولات صادراتی با ارزش‌افزوده بالا است.

وی در خاتمه بیان کرد: بار دیگر باید بگویم که طرح تعرفه‌گذاری پلکانی مشترکان پرمصرف برای افرادی که مصرف بالایی دارند، مدل مناسبی است تا مصرف خودشان را پایین آورند، اصل این طرح در بهینه‌سازی و کاهش مصرف کمک می‌کند و مفید و ثمربخش خواهد بود. کمبود گاز در تمام جنبه‌ها رسوخ و مشکلات مختلفی را ایجاد می‌کند، مصرف انرژی در کشور ما بالا است و انرژی که برای تولید یک کالا صرف می‌شود، سرمایه بیشتری را از بین می‌برد و دولت مجبور می‌شود، یارانه زیادی را صرف این موضوع کند. تا زمانی که مصرف گاز استاندارد نشود، در تمام بخش‌ها مشکل خواهیم داشت.



است، همچنین این روش فشار کمی به دهک‌های پایین جامعه وارد می‌کند. در واقع، نزدیک شدن نرخ گاز پرمصرف‌ها به قیمت‌های واقعی، می‌تواند نقش موثری در کاهش مصرف داشته باشد و صنایع کوچک و بزرگ را به‌سمت ارتقای تجهیزات گرمایشی و جلوگیری از هدررفت انرژی در ساختمان‌ها سوق دهد. به‌طور کلی، گاز ظرفیت بالایی برای صادرات دارد و می‌تواند به‌عنوان سوخت خوراکی در پتروشیمی‌ها و سایر صنایع انرژی بر همچون فولاد موردنیاز قرار گیرد. باتوجه به محدودیت توان تولید گاز طبیعی در کشور، نیاز است به راهکارهای مدیریت مصرف انرژی به‌صورت جدی پرداخته شود.

سخن پایانی

ساختمان‌ها و صنایع همچنان رواج دارد. برای حل این مشکل، باید از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی و ارائه سیاست‌های تشویقی و تنبیهی به مردم، فرهنگ صرفه‌جویی و مدیریت بهینه انرژی در جامعه ترویج داده شود. همچنین، باید از طریق سیاست‌های دولتی و قوانین مربوط به بهینه‌سازی ساختمان‌ها و ارتقای تجهیزات صنعتی، در راستای کاهش هدررفت انرژی و استفاده بهینه از منابع انرژی حرکت کرد.

به‌طور کلی، مدیریت بهینه انرژی و صرفه‌جویی در مصرف انرژی برای کشور ما بسیار مهم است، زیرا کشور ما برای تامین نیازهای انرژی خود از منابع طبیعی مانند گاز طبیعی و نفت استفاده می‌کند که در آینده ممکن است، ناکافی شوند. متأسفانه، در کشور ما هنوز فرهنگ صرفه‌جویی در مصرف انرژی به‌اندازه کافی وجود ندارد و بسیاری از افراد بدون توجه به هدررفت انرژی وارد کارهای روزانه خود می‌شوند. به‌علاوه، استفاده از تجهیزات قدیمی و نامناسب در

لزوم احداث نیروگاه برای تامین کسری برق صنایع



سیدجواد حسینی کیا، عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس

باتوجه به اینکه رهبر معظم انقلاب امسال را به نام «مهار تورم و رشد تولید» نام گذاری کردند، دولت باید برای رونق و رشد تولید از خود شروع و با اقدامات اساسی و ایجاد زیرساخت‌های مناسب، بستر تحقق این مهم را فراهم و برای تحقق رشد تولید، وزارت نیرو باید از قطع برق واحدهای تولیدی صرف‌نظر و کسری خود را با احداث نیروگاه جبران کند.

چندی پیش، رئیس‌جمهوری در جلسه مشترک مجلس و دولت اعلام کرد که حدود ۷ هزار و ۷۰۰ مگاوات برق تا پیش از تابستان وارد مدار سراسری می‌شود تا بخشی از ناترازی موجود در این زمینه برطرف شود.

در صورتی که اکنون برنامه‌های لازم برای تامین برق موردنیاز واحدهای تولیدی در فصل گرما پیش‌بینی و اجرایی نشود، قطعی برق واحدهای صنعتی موجب ناسامانی بازار سیمان و فولاد خواهد شد.

از طرف دیگر، به‌دلیل مشکلاتی که در تولید و مصرف گاز در زمستان وجود دارد، هر سال برخی صنایع با قطع گاز هم مواجه می‌شوند و این یعنی در تابستان، قطع برق و در زمستان، قطع گاز می‌تواند چالش تولید را در صنایع بیشتر کند.

از طرفی، دولت و مجلس با هدف جبران منابع بودجه‌ای و حرکت به سمت توسعه صنایع پایین‌دستی، سیاست افزایش نرخ خوراک و سوخت صنایع پتروشیمی را نیز اعمال کرد که زبان ناشی از این افزایش قیمت‌ها و همچنین قطعی برق، ضربه‌ای جدی به این شرکت‌ها و به تبع آن، بر پیکر نیمه‌جان صندوق‌های بازنشستگی وارد خواهد کرد.

برخی برآوردها نشان می‌دهد که بحران آب هم چالش دیگری است که ممکن است در صورت به‌نتیجه نرسیدن طرح‌های انتقال آب، فعالیت صنایع را با چالش جدی مواجه کند.

بنابراین، می‌توان بیان کرد که سیاست خاموشی در صنایع بزرگ، شاید آسان‌ترین و راحت‌ترین راه برای مدیریت بحران برق و گاز در شرایط اضطرار باشد؛ اما در این حال پرهزینه‌ترین راه نیز هست، چراکه این اقدام آسیب‌های سنگینی به اقتصاد کشور می‌زند و نرخ محصولات مهمی همچون میلگرد، ورق، آهن، سیمان و... را افزایش می‌دهد و در نتیجه آن، افزایش تورم را به‌دنبال خواهد داشت.

سود حاصل از تولید کالاهای پایه‌ای بسیار است و این سود نصیب عده‌ای محدود می‌شود؛ برای رفع این موضوع یا هزینه انرژی، باید دستمزد کارگران و مواد اولیه تولیدکنندگان کالاهای پایه‌ای به‌صورت جهانی محاسبه یا نحوه محاسبه نرخ کالاهای پایه‌ای اصلاح شود.

در حال حاضر باوجود اینکه مواد اولیه موردنیاز تولید کالاهای پایه‌ای از داخل تامین می‌شود و با نرخ ریال به‌دست تولیدکنندگان می‌رسد، اما محصول نهایی این زنجیره براساس دلار و قیمت‌های جهانی قیمت گذاری می‌شود.

این رویه موجب شده است تا صاحبان صنایع پایین‌دست مانند خودروسازان یا تولیدکنندگان لوازم خانگی با مشکلات بسیار روبه‌رو شوند.

در حال حاضر خودروسازان مواد اولیه موردنیاز خود مانند ورق فولاد، پتروشیمی و... را از بورس با نرخ‌های متفاوت خریداری می‌کنند که برای رفع این مشکل باید شرایطی فراهم شود که تولیدکنندگان پایین‌دست بتوانند نیاز خود را به‌صورت سالانه و با نرخ‌های ثابتی که توسط دولت تعیین می‌شود، تامین کنند. سود حاصل از تولید کالاهای پایه‌ای بسیار است و این سود نصیب عده‌ای محدود می‌شود.

برای رفع این موضوع یا هزینه انرژی، دستمزد کارگران و مواد اولیه تولیدکنندگان کالاهای پایه‌ای باید به‌صورت جهانی محاسبه یا نحوه محاسبه نرخ کالاهای پایه‌ای اصلاح شود.

بنابراین دولت باید برای ساماندهی این حوزه تصمیم‌گیری کند، زیرا تولیدکنندگان کالاهای پایه‌ای که محصولات خود را با نرخ دلار به‌فروش می‌رسانند، حقوق مالکانه را با نرخ ریال پرداخت می‌کنند.

پاما
سبک زندگی اقتصادی
را گسترش دهید

آخرین اخبار و تازه ترین تحلیل ها را در پایگاه خبری «کسترش نیوز» دنبال کنید

www.Gostaresh.news
Telegram.me/smtnews

بررسی موانع توسعه حوزه اکتشاف

اکتشاف بیل و کلنگی راه به جایی نمی‌برد



عکس: آیدان فردی

در زمین‌شناسی ایران عقب هستیم

بتوانند این روش را انجام دهند، چه برداشت و چه تفسیر؛ تعدادشان کم است. بیشتر آشنایی کارشناسان ما در این زمینه‌ها، در حد تئوری است، بر همین اساس در کشور، ژئوفیزیک‌ها و حفاری‌های عمیق نداشتیم. نماینده مردم ورزقان، چالش دیگر بخش اکتشاف را در حوزه زمین‌شناسی دانست و افزود: ما در زمین‌شناسی ایران بسیار عقب هستیم. نظام طبقه‌بندی کنسارها در دنیا مصنوعی است، به معنای اینکه برپایه شباهت‌ها، پدیده‌ها را تقسیم‌بندی می‌کنند که این طبقه‌بندی در طول زمان تعادل برقرار می‌کند، یعنی براساس آن نیازها و طرز تفکری که دارید، تغییر می‌کند.

وی ادامه داد: نظام طبقه‌بندی کنسارها در دنیا در یک برهه‌ای براساس هندسه و در یک دورانی برپایه فلز انجام می‌شد. این اواخر به‌موجب محیط زمین‌شناسی تقسیم‌بندی انجام می‌گرفت که در حال حاضر بیشتر تقسیم‌بندی‌ها براساس پدیده‌های تشکیل دهنده هستند. امروزه در دنیا به این موضوع پی برده‌اند که پدیده‌های تشکیل دهنده (کنسارها) بسیار مهم است. متأسفانه ما در موضوع دانش زمین‌شناسی و شناخت زمین‌شناسی ایران مشکل داریم.

وی با اشاره به نبود روش‌های جدید در اکتشافات کشور گفت: ما از

در سال‌های گذشته موانع بخش تولید و صادرات معدنی به‌نوبت از سر راه برداشته شده‌اند و حال نوبت به معضلی بنیادین به‌نام «عدم توسعه اکتشافات» رسیده و در حال حاضر، اکتشافات معدنی در ایران به یک حلقه مفقوده تبدیل شده است. در حالی که ایران ۷ درصد از ذخایر معدنی جهان را در اختیار دارد. نبود سرمایه‌گذاری مناسب، ضعف در دانش زمین‌شناسی، کمبود اطلاعات و عدم بکارگیری روش‌های نوین، از جمله دلایل ضعف اکتشافی کشور هستند. باتوجه به تاکید بر اینکه بخش معدن و صنایع مرتبط، می‌تواند جایگزین درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران شود، توسعه این بخش به اکتشافات جدید و حرکت جدی در این زمینه نیاز دارد. **سیدجواد حسینی** در همین راستا گفت‌وگویی با ۲ تن از اعضای کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی و یک کارشناس حوزه معدن داشته است که در ادامه می‌خوانید.

الله‌وردی دهقانی، عضو کمیسیون صنایع و معادن وضعیت اکتشاف در کشور را نسبت به سایر نقاط دنیا نامناسب دانست و به **سیدجواد حسینی** گفت: متأسفانه کشور در زمینه اکتشافات از وضعیت خوبی برخوردار نیست. در حال حاضر روش‌های ما به‌حالت کلیشه‌دار درآمده است؛ به معنای اینکه وقتی می‌خواهیم شرح خدماتی را برای یک منطقه بنویسیم، شرح خدمات یکسانی را می‌نویسیم. به تعبیری این شرح خدمات روح ندارند، چراکه هر کنسار طبیعت خود را دارد. دسته‌بندی روش‌های اکتشاف به راه‌حل نیاز دارد، به‌عنوان مثال، در ژئوفیزیک فقط در ازای پی آر اس و مغناطیس استفاده می‌کنیم که برای هر کدام ما یک بستر تعریف‌شده داریم.

فاصله با روش‌های اکتشافی دنیا

دهقانی با اشاره به اینکه در روش‌های اکتشافی از دنیا فاصله داریم، گفت: برای نمونه، اگر دنبال گنیتیو هستیم، باید از روش مغناطیس‌سنجی استفاده کنیم، اگر سولفیدی داشته باشیم، می‌توانیم در ازای پی آر اس استفاده کنیم که باید بیان کرد که دستورالعمل‌ها به‌صورت کلیشه‌ای استفاده می‌شود. روش‌های الکترومغناطیس بسیار کم انجام شده است و تعداد دستگاه‌هایی که در کشور وجود دارد، محدود هستند و افرادی که

ضرورت تشکیل کنسرسیوم‌های اکتشافی

معدن و صنایع معدنی، اختصاص بخشی از درآمدهای حقوق دولتی معدن به حوزه اکتشاف، ایجاد جذابیت برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، پوشش ریسک فعالیت‌های اکتشافی با تقویت صندوق بیمه سرمایه‌گذاری فعالیت‌های معدنی و تدوین قوانین و مقررات شفاف براساس معیارهای استاندارد جهانی برای تعامل بهینه بخش معدن، منابع طبیعی و محیط‌زیست از جمله الزامات ایجاد تحول در اکتشاف منابع معدنی کشور است.

نماینده مردم سقز و بانه در مجلس یازدهم اظهار کرد: اکتشاف به نیروی متخصص، توانمند و جوان نیاز دارد. بنابراین از چالش‌های اساسی که طی آینده نزدیک در این بخش با آن روبه‌رو خواهیم بود، کمبود نیروی فارغ‌التحصیل و با تجربه در این زمینه است؛ اکنون نیز متأسفانه استقبال از این رشته در دانشگاه‌ها بسیار اندک شده، بنابراین نیاز است که چالش‌های این حوزه را بررسی کنیم و برنامه‌ریزی درستی برای آن داشته باشیم. علاوه بر این، بخش اکتشافات با همان

بررسی بحث اکتشاف از ۲ منظر

اکتشافی، نبود نظارت لازم بر اجرای صحیح این پروژه‌ها است. به‌دلیل محدودیت‌های مالی در پروژه‌های اکتشافی، استفاده از کارشناسان با تجربه لازم در امر نظارت میسر نیست و در بسیاری موارد، شاهد حضور کارشناسانی در امر نظارت هستیم که دارای هیچ تجربه اجرایی در آن تخصص نیستند. اصلاح چنین مواردی نیز با استفاده فعال کردن تعرفه‌های خدمات اکتشافی که باعث واقعی شدن و اصلاح قیمت‌های خدمات اکتشافی در راستای بالا بردن کیفیت چنین خدماتی است، امکان‌پذیر است. وی افزود: یکی دیگر از مشکلات اساسی پروژه‌های اکتشافی در سطح کشور، مانند مشکل نبود ثبات در مدیریت اکتشاف در بخش‌های معدنی و تغییر مداوم مشاوران یک پروژه اکتشافی معدنی طی مراحل مختلف کار است که در بخش دولتی بسیار متداول است. باتوجه به وجود راهکارهایی برای استفاده از یک مشاور مجرب در طول یک پروژه معدنی، بنا به دلایل مختلف، انجام مراحل مختلف یک پروژه به شرکت‌ها و افراد مختلف واگذار می‌شود و در چنین شرایطی، هیچ مشاوره‌ی پاسخگویی مشکلات پروژه نیست و همواره دیگر مشاوران مقصر هستند.

ضعف در نتایج آنالیز شیمیایی

یکی از مهم‌ترین و شاید مهم‌ترین گلوگاه هر پروژه اکتشافی (یا هر پروژه معدنی) در هر مقیاسی، به‌ویژه در اکتشافات تفصیلی، آزمایشگاه آنالیز مواد معدنی است. نتایج ارائه‌شده برای نمونه‌های اخذشده در هر یک از مراحل پروژه اکتشافی، عمدتاً براساس نتایج آنالیز شیمیایی حاصله موردقضاوت قرار گرفته است و درباره ادامه یا توقف پروژه تصمیم‌گیری می‌شود. بنابراین میزان دقت و صحت این نتایج از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و توجه به این امر بسیار حیاتی و ضروری است. متأسفانه باز هم به‌دلیل تحریم‌های اقتصادی، دسترسی به تجهیزات و لوازم مصرفی استاندارد و خدمات پس از فروش این تجهیزات در عمل وجود

سخن پایانی

فعالان معدنی معتقدند باتوجه به تغییرات شدید اقتصادی کشور و تورم روزافزون در سطح جامعه، شاهد افزایش روزافزون هزینه‌های اجرایی و عملیاتی (به‌ویژه در ۲ سال اخیر) در سطح کشور هستیم.

همچنین به‌دلیل نبود تعرفه‌های خدمات اکتشافی در کشور،



دانش و فناوری روز جهان بی‌بهره هستیم و دانش ما با دستاوردها و نتایج پژوهش‌های دنیا به‌روز نمی‌شود. معضل دیگر در زمینه شناخت ما از زمین‌شناسی ایران است، خارجی‌ها کشور ما را بیشتر و بهتر از ما می‌شناسند.

اصلاح روند آموزش و پژوهش

نماینده مجلس یازدهم درباره ارائه راهکاری برای حل این مشکل گفت: این پرسش سختی است مانند اینکه بگویید وضعیت اقتصاد ما خراب است و چه راه‌حلی مدنظر دارید؟ اما رفع این چالش‌های موجود در بخش اکتشاف کشور در ابتدا به سازمان زمین‌شناسی و سپس دانشگاه‌ها مربوط می‌شود. تا زمانی که دانشگاه‌ها و آموزش‌وپرورش را اصلاح نکنیم، خیلی از این موارد تغییری نمی‌کنند، این عقب‌ماندگی‌ها را اگر در کشورمان بخواهیم به‌صورت ریشه‌ای اصلاح کنیم، باید نظام تفکری، آموزشی و جهانی‌بینی و اینکه مدیران ما چگونه فکر می‌کنند را بازنگری کنیم.



سرعت توسعه بخش فرآوری و استخراج تولیدات معدنی پیشرفت نداشته است و باید هرچه سریع‌تر برای آن چاره‌اندیشی شود.

تشکیل شورای عالی اکتشاف

وی در پایان خاطرنشان کرد:

تشکیل یک شورای عالی اکتشاف می‌تواند پیشنهاد تاثیرگذاری باشد که دبیرخانه آن در سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور قرار گیرد و یک برنامه‌ریزی بلندمدت و استراتژی اجرایی و به دور از زیاده‌خواهی تدوین کند. این سند برنامه‌ریزی برای اکتشافات توسعه‌یافته در آینده، به‌منظور تامین نیاز صنایع معدنی کشور و تغییر استراتژی اکتشافی موجود و اصلاح آن توسط نمایندگان و خصوصی منجر به شکل‌گیری یک استراتژی اجرایی و کاربردی و نظارت کامل بر آن می‌شود.



ندارد یا با مشکلات بسیاری روبه‌رو است. از این‌رو شاهد بروز خطاهای سیستماتیک در بسیاری از نتایج آنالیز انجام‌شده در کشور هستیم که متأسفانه در بسیاری از موارد نیز، این مشکلات توسط شرکت‌های مشاور و کاربران این اعداد، شناسایی نمی‌شوند.

لزوم اکتشاف ذخایر پنهان

شاه‌بوسی اظهار کرد: در بخش دولتی و هم در بخش خصوصی، عده آزمایشگاه‌ها در حال استفاده از تجهیزات آنالیز دستگاهی دست دوم و فرسوده هستند و هیچ دسترسی به خدمات پس از فروش این دستگاه‌ها ندارند. شاید چند آزمایشگاه معتبر آنکشت‌شمار در سطح کشور وجود دارند که دسترسی به مواد مصرفی استاندارد و مرغوب حاصل از خریدهای قبلی خود را دارند که آن هم به‌طورقطع در کوتاه‌مدت به پایان خواهد رسید و شاهد مشکلات بسیاری در نتایج آنالیز ارائه‌شده خواهیم بود. رفع این مشکلات، نیازمند کمک و یاری ارگان‌های حاکمیتی معدنی در تجهیز و بروزرسانی آزمایشگاه‌های دولتی و خصوصی از طریق سرمایه‌گذاری در بخش دولتی یا اعطای وام و تسهیلات کم‌بهره در بخش خصوصی و همچنین ایجاد معابر و تسهیلات گمرکی برای واردات این تجهیزات و مواد مصرفی است. وی ادامه داد: در مواردی نیز که امکان تهیه مواد مصرفی در کشور وجود دارد، با نظارت بر تولید مواد مرغوب و استاندارد و کمک به توسعه این نگاه‌ها، می‌توان شاهد کاهش وابستگی به این تجهیزات و مواد مصرفی از خارج باشیم. سرمایه‌گذاری در این موارد، هیچ کاستی نسبت به سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده در زمینه توسعه انرژی هسته‌ای یا صنایع موشکی ندارد و شاید برای توسعه و شکوفایی صنعت معدن کشور که از ارکان مهم توسعه کشور است، واجب‌تر نیز باشد.

شهریار خادمی
editor@smtnews.ir

ما از دانش و فناوری روز جهان بی‌بهره هستیم و دانش ما با دستاوردها و نتایج پژوهش‌های دنیا به‌روز نمی‌شود. معضل دیگر در زمینه شناخت ما از زمین‌شناسی ایران است، خارجی‌ها کشور ما را بیشتر و بهتر از ما می‌شناسند.

تشکیل کنسرسیوم‌های اکتشافی با هم‌راهی فعالان حوزه معدن و صنایع معدنی از ضروریات است

باتوجه به شرایط زمین‌شناسی، ایران می‌تواند شاهد طیف گسترده‌ای از کانی‌سازی عناصر مختلف و تیپ‌های مختلف کانسارهای باشد

تاکید یک کارشناس اقتصاد در گفت‌وگو با **صحنه**:

مشکل بخش مسکن کاهش تولید است



عکس: سمن

امیرعباس آذرموند: مشکل تامین مسکن باوجود تمام برنامه‌های حمایتی دولتی همچنان پابرجاست و هر روز هم بر دامنه شهروندان درگیر این مشکل اضافه می‌شود.

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد با تاکید بر اینکه مسکن یکی از ضروری‌ترین کالاهای برای زندگی امروز افراد جامعه است و تامین آن، باید طی یک منطق اصولی و عقلایی باشد، می‌گوید: «نمی‌توان کمبود مسکن را با واردات جبران کرد. کسی نمی‌تواند برای حل بحران مسکن از کشورهای دیگر واحد مسکونی وارد کند و به همین دلیل کالاهایی چون مسکن را جزو کالاهای غیرقابل تجارت خارجی نام‌گذاری می‌کنند؛ پس تولید مسکن یکسره موضوعی داخلی است.»

هادی حق‌شناس با اشاره به توانمندی‌های زیرساختی ایران در تامین مسکن از جمله نیروی انسانی و زمین اظهار می‌کند: «توان ایران در تامین مصالح ساختمانی بالا است و در این بخش هم نیازی به واردات نداریم؛ پس اینجا یک سوال مهم مطرح می‌شود: اینکه باوجود تامین تمام نیازهای ساخت واحدهای مسکونی در داخل کشور، چرا مردم ایران در تهیه واحدهای مسکونی موردنیازشان دائم دچار مشکل هستند و تامین مسکن هر دم برای عموم مردم دشوارتر از گذشته می‌شود.»

تاکید این نماینده پیشین مجلس و استاندار سابق گلستان این است که پاسخ سوال مطرح‌شده را باید دولت‌مردان بدهند و نحوه پاسخگویی آنهاست که نشان می‌دهد در ادامه چه جهت‌گیری خواهیم داشت.

آنچه در ادامه می‌خوانید متن کامل گفت‌وگو **صحنه** با این کارشناس اقتصاد است.

● **بخش مسکن، بخشی بین‌حوزه‌ای است و معمولاً مشکلات در این حوزه به‌سرعت دامن حوزه‌های دیگر اقتصاد را هم می‌گیرد. دولت سیزدهم نیز مانند دولت‌های قبلی از نخستین روزهای آغاز کار، برنامه‌های بسیاری برای تامین مسکن و حمایت از متقاضیان خرید و اجاره خانه ارائه کرد. چرا با گذشت ۲ سال از عمر دولت فعلی همچنان وضعیت بخش مسکن در کشور نامناسب است؟**

برای بررسی این مسئله باید نگاهی به رویکرد مداخله‌ای دولت‌ها در بخش مسکن داشته باشیم و سپس ببینیم چرا در سیاست‌های کلان دولت‌ها در بخش مسکن پیروزی بزرگی به‌دست نیامده است. واقعیت این است که در بخش مسکن مهم‌ترین پروژه مداخله‌گرانه دولتی، پروژه مسکن مهر بود که در دولت نهم به تصویب رسید، اما اجرای آن در ۸ سال فعالیت دولت‌های نهم و دهم به اتمام نرسید. در دولت‌های یازدهم و دوازدهم تلاش‌های فراوانی برای اتمام این پروژه صورت گرفت و در نهایت نیمی از تعهدات مسکن مهر انجام شد. اگر بخواهیم صادقانه به ماجرا بنگریم، نمی‌توانیم نادیده بگیریم که بخشی، ولو بسیار ناچیز و اندک از پروژه مسکن مهر هم در دولت سیزدهم اجرا شد.

شرایط در حالی به شرح یادشده است که همه می‌دانیم در دوران هشت‌ساله فعالیت محمود احمدی‌نژاد درآمدهای حاصل از صادرات نفت و گاز ایران به‌شکل افسانه‌ای و نجومی افزایش یافت و وضعیت درآمدی دولت از این محل قابل‌مقایسه با هیچ دولت دیگری نبود. به این ترتیب می‌توانیم با جرات بگوییم که دولت احمدی‌نژاد مشکلی در تامین مالی پروژه پیشنه‌های خود نداشت؛ با این حال اجرای پروژه‌های که هدفش تنها ساختن ۲ میلیون واحد مسکونی در کشور بود ۱۶ سال زمان برد. بر این اساس، باتوجه به تجربه گذشته می‌توان گفت احساسی بودن وعده ساخت سالانه یک میلیون واحد مسکونی نیز دور از ذهن نیست.

● **منظور شما از این مثال چیست؟**

می‌خواهم بگویم وقتی آن دولت با درآمدهایی که امروز داشتند آن رویایی به‌نظر می‌رسد موفق به اتمام پروژه مسکن مهر نشد و این طرح در نهایت با صرف زمانی ۸ برابر ادعای دولت فعلی به اتمام رسید، تحقق وعده‌ای که دولت سیزدهم در ابتدای کار خود داده، به همان اندازه غیرواقعی است که دست‌یافتن به درآمدهای مشابه در شرایط تحریمی. البته بررسی عملکرد دولت‌های نهم و دهم نشان می‌دهد پروژه مسکن مهر تنها شکست این دولت نبوده و در آن ۸ سال رشد اقتصادی به‌مراتب کمتر از دولت پیشین بود و زیرساخت‌های کشور هم توسعه چندانی را تجربه نکردند.

تاکید می‌کنم در دولت‌های نهم و دهم کشور نه دچار مشکل منابع بود و نه دولت برای تامین زمین مشکلی داشت. ضمن اینکه تقاضای موثر در بازار هم وجود داشت و از نظر تامین نیروی انسانی و توان مهندسی هم هیچ مشکلی در کشور نداشتیم. همه این موارد را در کنار این مسئله قرار دهید که مسکن یکی از ضروری‌ترین کالاهای برای زندگی امروز افراد جامعه است و تامین آن، باید طی یک منطق اصولی و عقلایی باشد.

به این نکته هم توجه کنیم که نمی‌توان کمبود مسکن را با واردات جبران کرد. کسی نمی‌تواند برای حل بحران مسکن از کشورهای

دیگر واحد مسکونی وارد کند؛ به همین دلیل کالاهایی چون مسکن را جزو کالاهای غیرقابل تجارت خارجی نام‌گذاری می‌کنند؛ پس تولید مسکن یکسره موضوعی داخلی است.

از سوی دیگر توان ایران در تامین مصالح ساختمانی نیز بالا است و در این بخش هم نیازی به واردات نداریم؛ پس اینجا یک سوال مهم مطرح می‌شود؛ اینکه باوجود تامین تمام نیازهای ساخت واحدهای مسکونی در داخل کشور، چرا مردم ایران در تهیه واحدهای مسکونی موردنیازشان دائم دچار مشکل هستند و تامین مسکن هر دم برای عموم مردم دشوارتر از گذشته می‌شود.

این سوالی است که باید دولت‌مردان به آن پاسخ دهند و نحوه پاسخگویی آنهاست که نشان می‌دهد در ادامه چه جهت‌گیری خواهیم داشت.

● **پاسخ شما به این سوال چیست؟**

راهگشا بودن پاسخ این سوال بستگی به میزان عالمانه بودن پاسخ دارد. بخشی از پاسخ به‌نظر من به این برمی‌گردد که دولت‌ها در هر فعالیتی که مداخله داشتند، موفقیت چندانی حاصل نشده است. حتی اگر موفقیتی هم در فعالیتی حاصل شده، بررسی جزئیات نشان می‌دهد این موفقیت با صرف هزینه‌ای گزاف و بیش از اندازه به‌دست آمده است؛ پس به‌باور من نخستین پاسخ به این پرسش با ناتوانی دولت‌ها در مدیریت امور اقتصادی برمی‌گردد.

در طرف دیگر، باید به واقعیت‌های حاکم بر شرایط اقتصاد امروز نیز بنگریم. در ۵ سال گذشته نرخ تورم اقتصاد ایران کمتر از ۳۰ درصد نشده و تولید کالا و خدمات در کشور هم با روند مطلوب فاصله زیادی دارد. در ۵ سال گذشته خالص سرمایه‌گذاری تشکیل‌شده در کشور به‌مراتب کمتر از استهلاک تجهیزات بوده که نشان از منفی شدن سرمایه‌گذاری در همه عرصه‌ها دارد. در این شرایط طبیعی است که بخش مسکن نیز دچار مشکل شود و نتواند در تامین نیازهای بازار به موفقیت چشمگیری دست پیدا کند.

● **یعنی شما فکر می‌کنید باوجود اینکه سود بخش مسکن بالاست، تمایل به حضور در این بخش کاهش یافته است؟**

به یک معنا چنین شده است. گرچه شما اشاره کردید که سود بخش مسکن نسبت به فعالیت‌های دیگر اقتصادی نسبتاً بالاتر است، اما باید به این نکته نیز توجه کنید که حضور در بازارهای موازی چون ارز، طلا یا خودرو که سرمایه‌گذار با سرمایه‌گذاری کمتری می‌تواند ابزارهای سرمایه‌گذاری متنوع‌تری را در سبد خود داشته باشد و اتفاقاً این ابزارها از قدرت نقدشوندگی بالاتری هم برخوردارند، به‌مراتب بازدهی بیشتری خواهد داشت. همچنین در تولید مسکن حدود ۲ سال خواب سرمایه وجود دارد؛ حال آنکه در بازارهایی مانند بازار ارز چنین محدودیت‌هایی دیده نمی‌شود.

● **فکر می‌کنید در این شرایط راهکار موثر چیست؟**

پیش از هر اقدامی سیاست‌گذار باید بداند که بخش‌های مختلف یک اقتصاد، تنها در شرایطی که اقتصاد کلان در مسیر درستی حرکت کند، شرایط مناسبی خواهند داشت. اقتصاد مسکن در یک اقتصاد روبه‌توسعه شرایطی متفاوت با زمانی دارد که اقتصاد ۱۲ سال است رشد مهمی نداشته و در این مدت همواره تورمی بالا و غیرمعمولی را تجربه کرده است. در اقتصادی که رفاه مردم رو به بیشتر شدن است، وضعیت شاخص‌های بخش مسکن، متفاوت خواهد بود با اقتصادی که

مسکونی شنیده می‌شود. چیزی که می‌تواند نیاز وسیع جامعه ایران به سرپناه

را مرتفع کند، پافشاری یک‌سویه بر عرضه واحدهای خالی‌مانده امروز نیست، بلکه تسهیل ساخت واحدهای مسکونی است. اینکه امروز ساخت واحدهای مسکونی در کشور کمتر و کمتر می‌شود، حاکی از آن است که مشکل مسکن به‌مراتب بیش از چیزی است که وانمود می‌شود. در این شرایط باید ناقوس خطر را برای سیاست‌گذاران کشور به صدا در آورد و هشدار داد مشکلات مسکن بیش از چیزی است که وانمود می‌کنید و اگر امروز برای این مشکلات چاره‌جویی نشود، در آینده بر ابعاد و پیچیدگی آن اضافه خواهد شد. امروز قبل از هر چیزی باید از دولت سیزدهم پرسید چه عاملی موجب شده سرمایه‌گذاران کوچک و خرد از حوزه تولید مسکن خارج شوند که خود عاملی مهم برای افزایش تقاضا و نرخ در کشور است. نمی‌توان درباره موضوعات مهم صحبت کرد و به‌عنوان راه‌حل، مسائل حاشیه‌ای را به میان کشید.

کسی نافی این نکته نیست که ورود هر چه بیشتر واحدهای مسکونی به بازار نقشی مثبت در کنترل روند بازار خواهد داشت. از سوی دیگر در شرایطی که میزان و تعداد سرمایه‌گذاران در حال کاهش است، اجرای سیاست‌هایی چون اخذ مالیات از واحدهای خالی، می‌تواند به فرار بیشتر سرمایه‌گذاران از بازار مسکن منجر شود.

● **به‌نظر شما می‌توانیم بگوییم تورم موجب فرار سرمایه‌گذاران خرد و متوسط از حوزه تولید مسکن شده است؟**

باید بررسی‌ها و مطالعات لازم در این زمینه صورت بگیرد تا بتوانیم قاطعانه در این باره صحبت کنیم. یک نگاه اجمالی نشان می‌دهد در ۵ سال گذشته دائم و به‌شکلی فزاینده بر هزینه ساخت واحدهای مسکونی در ایران افزوده شده و سرمایه‌گذاران خرد هم بیشتر تمایل به حضور در بازارهای دیگری مانند ارز و طلا پیدا کرده‌اند. این عوامل سبب شده هزینه ساخت‌وساز به‌نحوه افزایش یابد و سرمایه‌گذاران متوسط دیگر امکان ورود به این بازار را نداشته باشند.

جدا از نقش سرمایه‌گذاران بزرگ و شرکت‌های مهم ساخت مسکن در کشور، سهم سرمایه‌گذاران خرد و متوسط در این بخش قابل‌چشم‌پوشی نیست و دشوار شدن حضور آنها در توسعه واحدهای مسکونی کشور، از مهم‌ترین دلایل کاهش حضور آنها در تامین مسکن کشور است.

در این میان قدرت خرید مردم هم هر لحظه در حال تضعیف است. این روند در کنار کاهش عرضه به بازار سبب می‌شود قیمت‌ها روند افزایشی خود را تشدید کنند و کار ساخت مسکن در کشور دشوارتر از گذشته شود و تهیه واحد مناسب هر دم به آرزویی دست‌نیافتنی‌تر برای مردم تبدیل شود.

● **باتوجه به تمام موارد یادشده فکر می‌کنید راهکار نهایی حل مشکل مسکن به‌بازگرداندن اقتصاد به ریل توسعه بازمی‌گردد؟**

جز این راه‌حلی قطعی وجود نخواهد داشت. تا زمانی که اقتصاد ایران درگیر عدم تعادل‌های فعلی باشد، بخش‌های اصلی اقتصاد، از جمله بخش مسکن کشور به تعادل و ثبات نخواهند رسید.

بنا بر گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس در طول دهه ۹۰ نرخ فقر آن از ۱۹ درصد به بیش از ۳۱ درصد رسیده است. به همین دلیل باید از سیاست‌گذاران اقتصادی بخواهیم پیش از هر اقدامی سیاست‌های پولی و مالی خود را به‌نحوه اصلاح کنند که تورم ۵۰ درصدی کاهش یابد و قدرت خرید تضعیف‌شده مردم، دوباره تقویت شود. بدون این تغییرات اساسی در ساختار اقتصادی کشور، سیاست موثری برای بلندمدت وجود نخواهد شد.

بسیاری معتقدند یکی از مشکلات حوزه مسکن وجود خانه‌های خالی و ورود سایر ارگان‌ها مانند بانک‌ها به این حوزه است و اساساً کمبود واحد وجود ندارد. سال‌هاست که گفته می‌شود بانک‌ها ده‌ها هزار واحد مسکونی خالی در کشور دارند. تلاش برای عرضه این واحدها در بازار اجاره یا فروش چقدر می‌تواند مشکلات امروز کشور را حل کند؟

این بحث از گذشته هم وجود داشته است. حتی می‌گویند بیش از ۲.۵ میلیون واحد مسکونی خالی در کشور وجود دارد، اما من خیلی به این ارقام اعتماد ندارم.

● **چرا؟**

چون به‌عنوان مثال حتی ویلایی که فردی در شهرستان‌های گردشگری هم خریده جزو خانه‌های خالی حساب می‌شود. طبیعی است ویلایی که فردی در شمال ایران در منطقه‌ای ساحلی خریده یا واحدی در یکی از شهرهای حاشیه شهرهای بزرگ که در ایام تعطیل و آخر هفته‌ها از آن استفاده می‌شود، نباید در این آمار بگنجد. این واحدهای مسکونی هرچند خالی هستند، اما اساساً برای این ساخته نشده‌اند که همیشه در آن ساکنانی باشند.

● **تصور کنیم واحدهای خالی قابل عرضه در شهرهای بزرگی که مشکل مسکن دارند حدود یک میلیون واحد است. تلاش برای ورود این واحدها به بازار چقدر به کنترل شرایط کمک می‌کند؟**

من فکر نمی‌کنم کمک بزرگ و شایانی شود. اینکه بانک‌ها نباید در اقتصاد مداخله کنند حرف درستی است، اما حالا این اتفاق به‌دلایل گوناگونی رخ داده که پرداختن به آنها در چارچوب این بحث نمی‌گنجد و باید در بحث مرتبط با مشکلات نظام پولی کشور به آن پرداخت.

با فرض اینکه بپذیریم چندده هزار واحد خالی از کل واحدهای خالی کشور متعلق به شرکت‌های زیرمجموعه بانک‌ها هستند، ادعای پوچی است که عرضه همین تعداد واحد، مشکلات یک سال بازار مسکن کشور را حل خواهد کرد. در سال‌های ۹۵ و ۹۶ یک تعادل نسبی در بازار مسکن ایران به‌وجود آمد. در آن زمان هم بانک‌ها و شرکت‌های زیرمجموعه آنها واحدهای خالی زیادی داشتند، اما بازار وضعیت باثباتی داشت. منظوری از تعادل نسبی این است که در آن زمان، اقبال‌مبانی می‌توانستند به‌مراتب ساده‌تر از امروز واحد موردنیاز خود را تهیه کنند یا حداقل اجاره واحدهای مسکونی در محلات نسبتاً ارزان‌تر پایتخت کار چندان دشواری نبود.

● **یعنی مشکل مسکن بیش از آنکه ناشی از عرضه کم باشد، ناشی از تولید ناچیز است؟**

دقیقاً همین را می‌خواهم بگویم. در سال ۹۵ و ۹۶ تیراژ ساخت مسکن به‌مراتب بیش از ارقامی بود که امروز درباره ساخت واحدهای

چالش بازار و آمار در تورم نرخ مسکن

مسکن مواجهیم که اوج آن، تا اواسط فروردین ۱۴۰۲ بود، اما پس از آن چند اتفاق افتاد که باعث شد نرخ مسکن توقف داشته باشد و مثل ماه‌های قبل، رشد آنچنانی در نرخ مسکن احساس نشود. بیگی‌نژاد افزود: عدم افزایش نرخ ناشی از عوامل مختلفی است که اگر بخواهیم به اختصار اشاره کنیم، یکی از آنها، ساماندهی مشاوران املاک فاقد پروانه بود تا بخشی از تنظیم‌گری که در دست مشاوران املاک است، به مشاوران املاک دارای پروانه کسب واگذار شود. این موضوع به‌وضوح در شهر جدید پردیس قابل‌مشاهده است که پس از تعطیلی تعداد زیادی از املاک فاقد پروانه، یک ثبات قیمتی حاکم شد و در برخی از مناطق با کاهش شدید قیمتی مواجه بودیم.

بررسی‌ها درباره نسبت‌های متعارف بین نرخ رشد نرخ مسکن با نرخ رشد نقدینگی و تورم عمومی و همچنین رابطه سنتی نرخ

اما داود بیگی‌نژاد، نایب رئیس اتحادیه مشاوران املاک نظر دیگری دارد و می‌گوید: نرخ مسکن در چند سال اخیر به‌صورت فزاینده‌ای افزایش پیدا کرده و این سنگین‌وزن شدن نرخ مسکن، باعث شده حتی اگر افراد خانواده تمایل به انجام امور ملکی داشته باشند، به‌دلیل ناتوانی در تهیه مبلغ موردنیاز برای جابه‌جایی، عقب‌گرد کنند.

به‌گفته او، شواهد حاکی از آن است که افرادی که در مناطق بالاتر زندگی می‌کردند، به‌دلیل افزایش قیمت‌ها به مناطق پایین‌تر مهاجرت کردند و کسانی هم که در مناطق پایین شهر بودند، به حاشیه شهرها رفته‌اند.

نایب رئیس اتحادیه مشاوران املاک در گفت‌وگو با کافه خبر گفت: چند سالی است که بنا به هر دلیلی با افزایش نرخ در بازار

ملک و نرخ دلار نشان می‌دهد سطح میانگین نرخ آپارتمان‌ها در پایتخت، دست‌کم ۱۲ درصد بالاتر از «سطح متعارف» است. این وضعیت نتیجه «اضافه‌پوش» قیمت‌ها طی سال‌های ۹۷ تا ۹۹ است که باعث شد بازار مسکن نیز مثل دیگر بازارهای موازی، چربی به خود بگیرد. سال گذشته تحت تاثیر «برزش نرخ‌های بازدهی» عملیات مقدماتی چربی‌سوزی نرخ مسکن نیز شروع شد و به شکل افت حدود ۱۰ درصدی «قیمت واقعی» بروز کرد.

تحلیلگران بازار مسکن معتقدند در این مقطع باوجود آنکه بستر اولیه کاهش نرخ مسکن فراهم است، آینده یک متغیر برون‌زای اصلی، تعیین‌کننده ادامه مسیر است. در صورت تعیین تکلیف این متغیر -ریسک غیراقتصادی- دو مانع درونی بازار ملک برای کاهش نرخ نیز برطرف خواهد شد.

دریچه



**نسل جدیدی از
دنیای وب
در راه است**
حسین خوش‌رفنار - کارشناس
فناوری اطلاعات

متاورس با ایجاد یک دنیای دیجیتالی نامحدود و فارغ از اتفاقات و تنش‌های سیاسی، مکانی امن برای سرمایه‌گذاری و رقابت اقتصادی است که شکل و شمایل اقتصاد کنونی را به کلی تغییر خواهد داد. با توجه به ماهیت بلاک‌چینی متاورس انتظار می‌رود که حجم زیادی از سرمایه به حوزه کریپتوکارنسی سرازیر شود. به همین دلیل، نقش متاورس در نظام اقتصادی کشورها به‌ویژه ایران و تأثیرش بر اقتصاد و تجارت غیرقابل‌انکار است. نکته مهم این است که کشورها یا بهتر بگوییم، حاکمان کشورها باید بدانند که متاورس با چه ابزاری می‌خواهد نقش خود را در جامعه ایفا کند و اثر آن در شئون مختلف زندگی مردم و تأثیر آن در نظام شغلی چگونه خواهد بود؛ وقتی درباره متاورس صحبت می‌کنیم، در واقع از نسل جدید وب حرف می‌زنیم. وب با فضای متاورس نسل سوم خود را آغاز خواهد کرد. اما این را هم باید بدانیم که خروج از وب ۲ به وب ۳ غیرممکن و تا حدی محال است. به همین دلیل، فرآیندی را می‌طلبید که می‌تواند تسهیل‌کننده و سازنده دنیای آینده همراه با متاورس باشد. در واقع نمی‌توانیم به یکباره از وب ۲ کنونی به وب ۳ در آینده سوئیچ کنیم، بلکه نیازمند یک نسلی از وب هستیم که در میانه این دو وب قرار گیرد و همان‌گونه که گفته شد، نقش تسهیل‌کننده داشته باشد. گفتنی است، این همان حلقه گمشده میان دنیای متاورسی با دنیای فعلی ما است که به وب ۲.۵ مشهور است.

متاورس به‌صورت ماهوی با دنیایی که امروز ما در آن زندگی می‌کنیم، متفاوت است. برای مثال، یکی از ابزارهای مهمی که در متاورس استفاده خواهیم کرد، عینک‌های آ‌ی آر، وی آر و ایکس آر است. تجربه زندگی مردم با این ابزارها کاملاً متفاوت خواهد بود؛ به همین دلیل فعالان فناوری اطلاعات و ارتباطات با ایجاد وب ۲.۵ می‌خواهند آن امکانات و اهدافی را که در وب ۲ و دنیای متاورسی به‌دنبالش هستیم، بر بستر وب ۲ اجرا کنند.

در حقیقت متاورس، دنیایی غیرمترکز است که اطلاعات و داده از دایره اختیار فرد یا افراد معدود خارج می‌شود. حال با راه‌اندازی وب ۲.۵ بدون اینکه کاملاً غیرمترکز شویم، می‌توانیم از امکانات متاورسی بهره بگیریم. همان‌گونه که پیش‌تر هم اشاره شد، این حقیقت را باید بپذیریم که دنیای وب ۳ دنیای غیرمترکز است و چون معمولاً دولت‌ها به‌صورت مترکز عمل می‌کنند، نخستین رویکردشان با هر فرآیندی که رنگ و بوی غیرمترکز بودن را دارد، مدافعه است. اما معمولاً رویکردشان بعد از انکار، پذیرش است. دولت‌ها در نقطه پذیرش می‌خواهند این خودشان باشند که به‌عنوان بازیگر اصلی نقش ایفا کنند و نگذارند که تعاملات متاورسی از دست دولت خارج شود. نمونه واضح آن در کشور ما رمزریال است که دولت ما هم پذیرفت و خواهان کنترل آن است؛ ذات دنیای متاورسی چندان با این تمرکزگرایی همخوانی ندارد و خواهان خروج گردش اطلاعات از دسترس یک نفر یا یک نهاد واحد است. در دنیای دیجیتالی متاورس؛ دشمنی، ناسازگاری سیاسی و ملی معنی ندارد و فقط رقابت اقتصادی مطرح است. بنابراین، تمرکز اصلی کاربران سرمایه‌گذاری است و همین موضوع موجب می‌شود که اقتصاد محدودیت‌های فعلی را نداشته باشد. در واقع، متاورس می‌تواند محیطی ایمن و سرشار از فرصت‌های سرمایه‌گذاری با حجم بازاری گسترده و به دور از ریسک‌های اقتصادی مرسوم را به‌وجود آورد.

ظهور متاورس در سال ۲۰۲۱، موج جدیدی از فرصت‌های سرمایه‌گذاری را ایجاد کرده است. طرح‌های متفاوتی برای سرمایه‌گذاری از خرید و توسعه زمین‌های دیجیتال گرفته تا طراحی کالاهای دیجیتال به لطف دنیای رمزارزها در حال اجرا هستند.

در نهایت، متاورس راه خود را می‌پیماید و رویکرد عدم‌تمرکزگرایی دارد؛ از یک‌سو هم، دولت‌ها با قانون‌گذاری‌ها می‌خواهند آن را محدود و مهار کنند. در واقع هر کدام می‌خواهند خود را اثبات کنند. در نهایت، اتفاقی که می‌افتد؛ یک حالت بینابین است؛ آنجایی که نیاز داریم تا با سامانه‌های بانکی ارتباط برقرار کنیم، مجبور به اجرای پروتکل‌های قبل دولتی هستیم و آنجایی که لازم نیست، دولت دخالت کند، سیستم به‌صورت غیرمترکز اداره می‌شود. در متاورس، موضوع انحصارگرایی ابرشرکت‌ها در اقتصاد به کمک کریپتوکارنسی و فناوری‌های غیرمترکز بی‌معنی می‌شود. در نتیجه هر شخصی می‌تواند در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی نقش مهمی داشته باشد. بسیاری از کارشناسان بین‌المللی و کاربران با استفاده از چنین ساختاری می‌توانند سرمایه خودشان را از حاکمیت انحصارگرایانه اقتصاد کنونی نجات دهند و از شر قوانین دست‌وپاگیری مثل مالیات دور باشند. در واقع، عکس دنیای مرسوم امروزی که ابرشرکت‌ها و استارت‌آپ‌های بزرگ و قدیمی بازار را در انحصار خود دارند، رمزارزها و بلاک‌چین راهکارهایی را ارائه می‌دهند که به کمک آنها هر فردی می‌تواند در تصمیم‌گیری‌های حساس اقتصادی ایفای نقش کند و بدون هیچ محدودیتی، بازاری به بزرگی بازار ابرشرکت‌ها خلق کند. در واقع، متاورس می‌تواند به کمک کریپتوکارنسی موضوع انحصارگرایی در اقتصاد را به‌طور کلی از بین ببرد. عملی شدن چنین اتفاقی؛ یک تغییر انقلابی و تأثیر انکارناشدنی بر بازار سرمایه خواهد گذاشت.

جای خالی قوانین بین‌المللی در جنگ‌های سایبری بررسی شد

جامعه جهانی، مغلوب نبردهای صفر و یکی



انقلاب بعدی در جهان امروز، انقلاب وب خواهد بود. در واقع، با ورود از وب ۲ به وب ۳، جهان در آستانه تغییرات بنیادی در اقتصاد و حکمرانی قرار می‌گیرد. به گفته کارشناسان، انقلاب فناوری‌های جدید اطلاعاتی به‌طور کامل برجسته‌ای خودنمایی می‌کند.

به مناسبت روز جهانی وب، به اهمیت و نقش قوانین بین‌المللی در بروز حملات سایبری پرداخته است.

۱۹۷۰ با مشارکت کامپیوترهای میزبان و در قالب یک هسته اصلی کامپیوترهایی بر بستر یک شبکه به یکدیگر وصل شدند و بعدها در سال ۱۹۹۳ میلادی نام اینترنت روی این شبکه بزرگ گذاشته شد.

وب یا همان WWW که مخفف World Wide Web است، توسط آزمایشگاه اروپایی فیزیک ذرات CERN روی اینترنت گذاشته شد. بسیاری از دانشمندان معتقدند که

سرگذشت «وب» با همان تار جهان گسترده دهه ۶۰ قرن بیستم برمی‌گردد؛ زمانی که پنتاگون با ایجاد طرحی موسوم به آرپا قصد داشت به کارگرهای دفاعی خود تقویت بخشد. در آن زمان، چیزی به‌عنوان رایانه‌های شخصی وجود نداشت و تنها کامپیوترهای موجود در سازمان با کمک سیستم‌هایی می‌توانستند با یکدیگر ارتباط داشته باشند و تبادل اطلاعات کنند؛ فرآیندی که امروزه به آن ایمیل می‌گویند. در سال

سلاحی به نام رایانه

همین سلاح، جهان را در آستانه تهدید و نگرانی قرار داده است. به‌عبارت‌دیگر، عملیات سایبری می‌تواند نگرانی‌های بشردوستانه را افزایش دهد، به‌ویژه هنگامی که اثرات آن محدود به داده‌ها و اطلاعات یک سیستم موردهدف نیست و شمار زیادی از مردم یک یا چند کشور را در بر می‌گیرد. به‌نظر می‌رسد که این امکان وجود دارد که بتوان از طریق فضای سایبری و بکارگیری همین روش‌ها به‌عنوان سلاحی سایبری، در سیستم‌های کنترل فرودگاه، سیستم‌های حمل‌ونقل، سدهای برقایی یا دستگاه‌های نیروگاه‌های هسته‌ای اختلال ایجاد کرد که متأسفانه قربانی اصلی چنین عملیاتی معمولاً غیرنظامیان و مردم عادی هستند. پیش‌نیاز اعمال حقوق جنگ‌های مسلحانه، وقوع این نوع از جنگ‌ها است؛ یعنی در شرایط جنگ مسلحانه است که می‌توان پیگیر حقوق جنگ شد، اما باوجود اهمیت فراوان جنگ‌های سایبری، تاکنون هیچ‌یک از دولت‌ها گزارشی از وقوع چنین جنگ‌هایی نداده‌اند. هنگام مواجهه با جنگ‌های سایبری، ۲ دسته از حقوق به‌شدت اهمیت پیدا می‌کنند؛ یکی حقوق توسل به زور و دیگری حقوق بشردوستانه بین‌المللی.

قلمرویی که معلوم نیست

توسل به زور در منشور ملل متحد، به‌طور کلی ممنوع است. همچنین قاعده منع توسل به زور در این منشور هرگونه اقدام زورمدارانه در روابط بین‌المللی نظیر جنگ، تهدید به جنگ، اقدامات مقابله به مثل مسلحانه، محاصره دریایی یا هر شکل دیگر استفاده از تسلیحات را در بر می‌گیرد. هرچند تمامی اعضای ملل متحد، چه اعضای بزرگ و قدرتمند و چه اعضای کوچک و ضعیف با یکدیگر برابرند و در روابط خویش باید از تهدید یا توسل به زور دوری کنند؛ اما در فضای سایبری، وضع متفاوت‌تر از جنگ مسلحانه است. در واقع، به‌علت غیرواقعی و غیرموسس بودن قلمرو جنگ سایبری، محدوده حاکمیت دولت‌ها قابل‌تخصیص نیست. همچنین، مواردی از قبیل حراست از قلمرو و تجاوز به آن از منظر نقض حاکمیت ارضی دولت‌ها هم تقریباً غیرقابل‌تخصیص و شناسایی است. در واقع، انطباق حملات سایبری با تعریف مرسوم قبلی از تجاوز و فراتر از آن تعیین دولت یا نهاد متجاوز به‌شدت ابهام‌برانگیز و

سجاد عابدی - کارشناس امنیت سایبری: امروزه جنگ به‌شکل قدیم خود منحصر نمی‌شود، بلکه به‌علت پیشرفت خارق‌العاده در علوم رایانه‌ای، نوع جدیدی از مخصصات تحت‌عنوان جنگ سایبری شکل گرفته است. براین اساس، در تعریف جنگ اطلاعاتی یا سایبری باید گفت که این نوع از جنگ به‌معنای انجام عملیات نظامی مطابق با اصول مربوط به اطلاعات است. به‌عبارت‌دیگر، جنگ سایبری به‌نوعی از نبرد گفته می‌شود که طرفین جنگ در آن از رایانه و شبکه‌های رایانه‌ای (به‌ویژه شبکه اینترنت) به‌عنوان ابزار استفاده می‌کنند و نبرد را در فضای مجازی انجام می‌دهند؛ بنابراین، در جنگ سایبری تلاش می‌شود تا همه‌چیز را درباره دشمن بدانیم و در عین حال، نگذاریم او هیچ‌چیزی درباره ما بداند.

رایانه یا سلاح کشتار

هدف اصلی در جنگ سایبری این است؛ اگر موازنه توان رزمی وجود نداشته باشد، برهم زدن موازنه اطلاعات و دانش، به‌نفع نیروهای خودی است. پس در جنگ سایبری ممکن است بتوان با بهره‌گیری از دانش برتر، ضعف سرمایه و نفرات کمتر را جبران کرد.

نبرد سایبری به‌نوعی خود ابداع‌کننده گونه‌های جدید از سلاح‌های مدرن است که به‌شدت می‌تواند تغییرات بنیادین در عرصه نبردهای مدرن ایجاد کند. رایانه‌ها امروزه تا جایی پیش رفته‌اند که در آن نیروهای نظامی توانایی وارد کردن جراحات، کشتن و ایجاد خسارت‌های فیزیکی از طریق فضای مجازی را دارند. دامنه نبرد سایبری می‌تواند از فعالیت‌های شبکه‌ای بی‌ضرر تا حملات شدید به ساختارهای زیربنایی در سطح ملی در نوسان باشد. به‌همین دلیل، ابهاماتی در رابطه با مشروعیت جنگ‌های سایبری در حقوق حاکم بر فضای بین‌الملل وجود دارد.

تهدیدهای سایبری جهان

در جنگ سایبری تلاش برای نفوذ به شبکه‌ها، به‌منظور سرعت یا خرابکاری اطلاعات و فلج کردن سیستم‌های نظامی و دولتی از طریق فناوری‌های پیشرفته را می‌توان به‌عنوان سلاح‌های سایبری نام برد که در حال حاضر این نوع از جنگ‌ها، از حیث

جامعه امن و اخلاق‌مداری در فناوری

و بسیاری از دغدغه‌ها، بیماری‌ها، معضلات و مسائلی که امروز موجب معضلات و حتی مرگ‌ومیر است، حل می‌شود و کمتر شاهد پاندمی‌های رخ‌داده خواهیم بود. بی‌شک فناوری مسیر خود را طی می‌کند و انسان خواه‌ناخواه با آن همسو می‌شود. در این شرایط است که تاب‌آوری بشر در مقابل مشکلات بیشتر می‌شود و آینده‌ای به‌سمت فضا، هوای پاک و دنیای آزادتر همراه با عدالت فردی و اجتماعی رقم می‌خورد. از آنجایی که حرکت

سخن پایانی

به‌گفته کارشناسان، سرعت پیشرفت فناوری و ویژگی‌های منحصربه‌فرد فضای سایبر سبب تغییر بسیاری از مفاهیم سنتی حقوق بین‌الملل شده و در مواردی، شکل‌نگرفتن رژیم‌های هنجاری منسجم، تنها زمینه تفسیر جدید از مفاهیم سنتی را فراهم کرده است. جاسوسی سایبری در حقوق بین‌الملل، در زمره مفاهیم به‌نسبت جدیدی است که در زمینه رژیم حقوقی حاکم بر آن در حقوق بین‌الملل موجود، اتفاق‌نظری در میان نیست. بیم و ابهام در تسری اصول و قواعد حاکم بر جاسوسی در مفهوم کلاسیک به فضای سایبری که بیشتر قلمرو اعمال حقوق

است. به‌عبارت‌دیگر، در حوزه نبرد سایبری، برقراری ارتباط میان حمله با یک منبع خاص و تشخیص قصد طرف از این حمله اهمیت بسیار زیادی دارد و با در نظر گرفتن امکاناتی که فضای مجازی برای اقدام به حمله از راه دور و ناشناس ماندن فراهم می‌کند، طبیعی است که عاملان حملات سایبری رابطه به ناشناس ماندن داشته باشند.



مطابق با حقوق بین‌الملل، یک دولت باید میان حمله و منبع آن ارتباط برقرار کند؛ زیرا قوانینی که بر پاسخ مشروع به یک تهاجم تصریح می‌کنند (پاسخ به تهاجم را مجاز می‌شمارند)، براساس دولتی بودن یا نبودن منشأ تهاجم متفاوت است؛ یعنی اگر مهاجم شخص باشد و از سوی دولتی حمله انجام نگرفته باشد، دفاع مشروع باطل است. بنابراین اشکالی که اینجا وجود دارد، این است که مواد یادشده تنها ناظر به دولت‌ها است، پس برای منشأ غیردولتی نمی‌توان از این مواد بهره جست؛ بنابراین واقعیت این است که قوانین مربوط به حملات سایبری درباره دولت‌ها قابل‌اعمال و استناد است، نه درباره اشخاص. در صورتی که اقداماتی که در مقابله با این حملات صورت می‌گیرد، اگر در چارچوب موازین دفاع مشروع نباشد، خود نوعی نقض حقوق بین‌الملل به‌شمار می‌رود. از طرفی هم، دفاع مشروع زمانی قانونی است که اقدامات در راستای دفاع از حملات دولت متجاوز انجام گرفته و حملات به‌طورقطعی به آن منتسب باشد، نه به اشخاص خصوصی یا هر نهاد دیگر که دست به حملات سایبری زده‌اند.

به هر روی؛ حملات سایبری اگر مصداقی از تجاوز یا توسل به زور محسوب نشوند، می‌توانند به‌عنوان مداخله در امور داخلی دولت، یک تخلف بین‌المللی تلقی شوند. در صورت انتساب این اقدامات به یک دولت خاص، طرح مسؤلیت بین‌المللی دولت امکان‌پذیر خواهد بود. پس در این صورت امکان جبران خسارت به روش‌های مختلف اعم از توقف عمل متخلفانه، پرداخت غرامت و جلب‌رضایت وجود خواهد داشت.



در مسیر فناوری مانند راه رفتن روی یک شمشیر دولبه است، اگر ما درست رفتار کنیم، می‌توانیم به بهترین نحو ممکن از آن بهره‌مند شویم و اگر در تلاش برای نادیده‌انگاشتن آن باشیم، باید زبان و آسیب‌های این اغماض را هم متحمل شویم.



**در جنگ
سایبری تلاش
می‌شود تا
همه‌چیز درباره
دشمن بدانیم
و در عین حال
نگذاریم او
هیچ چیزی
درباره ما بداند**



**اغلب
جامعه‌شناسان
معتقدند
رشد فناوری
به‌منظور
رسیدن به
جامعه‌ای
امن باید با
اخلاق‌مداری
همراه باشد**

۳ ابزار متداول تهدید امنیت بانکی

یکی از مولفه‌هایی که در حوزه صنعت بانکداری بیشتر مورد توجه و تاکید قرار گرفته، ایجاد امنیت و اعتمادسازی در این بخش است. امروزه باتوجه به گسترش استفاده از اینترنت و خدمات الکترونیکی در نظام بانکی نیاز به پیاده‌سازی و ارائه راهکارهای درست و منطقی در جهت پایین آوردن مخاطرات امنیتی ضروری به نظر می‌رسد؛ بنابراین کارکنان بانکها و موسسات مالی و اعتباری باید خودشان را با اطلاعات و استفاده از خدمات نوین بانکی تطبیق دهند.

تهدیدهای سایبری متداول در بخش بانکداری، به‌طور پیوسته در حال تکامل و پیچیده‌تر شدن هستند. به‌منظور پیشی گرفتن از عاملین تهدید، درک محورهای مختلف تهاجمی که آنها برای انجام حملات از آن استفاده می‌کنند، حیاتی و مهم است. در ادامه به ۳ مورد از متداول‌ترین روندهای تهدید بانکی اشاره شده است:

بدافزار یا Malware

مدت‌هاست که بدافزارها تهدیدی برای بخش بانکداری بوده‌اند. مجرمان سایبری با آلوده کردن دستگاه‌های آسیب‌پذیر کاربر به‌وسیله بدافزار، می‌توانند به کل شبکه بانکداری دسترسی داشته باشند و اطلاعات مهم و حیاتی کاربر را به سرقت ببرند. با تسهیل آلودگی توسط بدافزارها نسبت به گذشته، این تهدید در سال‌های اخیر رشد یافته است. این امر دلیل ۷۵ درصد کل نقض اطلاعات در بخش بانکداری بوده است.

رشد «مدل و قالب بدافزار به‌عنوان سرویس» و همچنین «حملات بدافزار بدون فایل»، نیاز به سیاست‌های جامع امنیتی در صنعت بانکداری را نشان می‌دهد.

انجام حملات بدافزار در حال آسان‌تر شدن و کم‌هزینه‌تر شدن است؛ بنابراین ضروری است که بانکها با تیم‌های امنیتی خود کار کنند تا اطمینان حاصل کنند که دستگاه‌های مشتریان و کارمندان در معرض آسیب و تهدید قرار نمی‌گیرند.

مهندسی اجتماعی

حملات مهندسی اجتماعی خلاف روش‌های قدیمی هک کردن، از رفتار و اعمال انسانی استفاده می‌کند تا به سرورهای شرکت دسترسی پیدا کند. مهندسان اجتماعی، کارمندان شرکت را با زبانه دست خود قرار داده و آنها را ترغیب به به اشتراک‌گذاری اطلاعات هویتی ورودی یا دیگر اطلاعات حساس و از این اطلاعات برای به خطر انداختن شبکه استفاده می‌کنند. در بخش بانکداری، رایج‌ترین حمله مهندسی اجتماعی، فیشینگ است.

حملات فیشینگ از طریق راه‌های ارتباطی انجام می‌شود؛ مانند ایمیل‌ها، تماس‌ها یا پیام‌هایی که عنوان مقامات و مسئولان شرکت را جعل می‌کنند تا کارمندان را برای به اشتراک‌گذاری اطلاعات فریب دهند.

در حملات فیشینگ می‌توان از لینک‌های گمراه‌کننده نیز استفاده کرد. متخلفان با این کار کارمندان را به وبسایت‌هایی راهنمایی می‌کنند که آلوده به بدافزار هستند.

علاوه بر این، مشتریان هم اغلب در حملات فیشینگ مورد هدف قرار می‌گیرند؛ بنابراین ضروری است که آنها را نیز درباره بهترین اقدامات امنیتی سایبری آگاه سازید. این کار می‌تواند از طریق یک خبرنامه یا ایمیل درباره آگاهی امنیتی انجام گیرد.

دستکاری اطلاعات

یک تصور غلط و رایج درباره حملات سایبری این است که آنها فقط در ارتباط با سرقت اطلاعات هستند، اما همیشه این‌گونه نیست، زیرا حملات دستکاری اطلاعات نیز به یک روش بسیار محبوب برای حملات مجرمان سایبری تبدیل شده است. حملات دستکاری اطلاعات زمانی اتفاق می‌افتد که یک عامل تهدیدکننده به سیستم هدف دسترسی پیدا و تغییرات نامشخصی را به نفع خود در اطلاعات ایجاد کند.

نمونه این‌گونه حمله زمانی است که کارمند، اطلاعات تراکنش مشتری را اصلاح می‌کند. این امر احتمالاً تا زمانی که تراکنش‌ها به‌ظاهر تایید شوند، نادیده گرفته خواهد شد. این امر منجر به اشتباهاتی در چگونگی ثبت اطلاعات در آینده می‌شود. هرچه دستکاری اطلاعات بیشتر مورد توجه قرار نگیرد، آسیب بیشتری ایجاد خواهد شد.

اطلاعات دستکاری‌شده، اصلاً تفاوتی با اطلاعات عادی و معمولی ندارند، به همین دلیل شناسایی و جلوگیری از این حملات بسیار دشوار است. این امر به‌ویژه در بخش بانکداری خطرناک است، چراکه اطلاعات دستکاری‌شده می‌تواند منجر به عدم انطباق با استانداردهای اطلاعاتی شود و جریمه‌های سنگینی را به همراه دارد.

آموزش و آگاه‌سازی

با آگاه‌سازی، فرهنگ‌سازی و ارائه آموزش‌های نوین می‌توان از حملات سایبری و فاش شدن اطلاعات بانکها و مردم جلوگیری به عمل آورد که در این صورت آمار تخلفات اینترنتی نیز کاهش می‌یابد؛ بنابراین نه‌تنها بانکها و موسسات بانکی، بلکه تمامی حوزه‌هایی که به ارائه خدمات در بستر اینترنت می‌پردازند باید به فکر توسعه امنیت سرویس‌های‌شان باشند.



گروه بانک و بیمه
editor@smtnews.ir

کارشناسان در بررسی وضعیت امنیت سایبری شبکه بانکی مطرح کردند

تأمین امنیت سایبری با کمک «کلاه‌سفیدها»

از زمان ظهور اینترنت و انقلاب دیجیتال، چشم‌انداز صنعت مالی در جهان به‌شکل قابل‌توجهی تغییر کرده است. همان‌طور که رایانه‌ها در همه فعالیت‌های روزانه ما اهمیت بیشتری پیدا کرده‌اند، موسسات مالی نیز همه بخش‌های کسب‌وکار خود را طبق همین رویه تغییر داده‌اند.

پیشرفت در فناوری، مقررات و قوانین جدیدی را برای فعالیت‌های مالی ایجاد کرده و در عین حال فعالیت‌های مجرمانه و سوءاستفاده‌های مالی کلان را نیز ممکن ساخته است. در این بین، نگرانی فزاینده بانکها و موسسات مالی این است که چگونه به انبوهی از بحران‌های احتمالی ناشی از ضعف در امنیت سایبری و روندهای آن واکنش موثر نشان دهند. آنچه مسلم است، از هک و خرابکاری‌های مجرمانه گرفته تا آسیب‌پذیری در زیرساخت‌های موجود و روندهای افشای داده‌های مجرمانه، بانکها را با چالش‌های متنوعی مواجه ساخته است؛ بر همین اساس موضوع تأمین امنیت سایبری در زیرساخت‌های حیاتی با تکیه بر نظام بانکی و حوزه پرداخت، از ضرورت‌هایی است که در چند سال گذشته با حساسیت بالایی دنبال شده است. افزایش امنیت سایبری در نظام بانکی ایران پرداخته است.

امروزه، توسعه فناوری اطلاعات و فضای سایبری موجب شده بخش‌های مهمی از کارکرد زیرساخت‌های حیاتی و حساس، وابسته به این فضا شوند.

در نتیجه وجود چنین وابستگی‌ای، امنیت زیرساخت‌ها به فضای سایبری گره خورده است. گاهی نیز کشورهای متخاصم

انجام حملات بدافزار در حال آسان‌تر شدن و کم‌هزینه‌تر شدن است؛ بنابراین ضروری است که بانکها با تیم‌های امنیتی خود کار کنند تا اطمینان حاصل کنند که دستگاه‌های مشتریان و کارمندان در معرض آسیب و تهدید قرار نمی‌گیرند.

پویا پوراوعظم، رئیس پیشین اداره تطبیق بانکداری دیجیتال بانک خاورمیانه، تا امروز بانکها و شرکت‌های فعال در حوزه فناوری مالی نسبت به صنایع دیگر در حوزه امنیت سایبری، از وضعیت بهتری برخوردار بوده‌اند. حداقل از نظر آماری این‌طور بوده است. با این حال، وضعیت نظام بانکی و پرداخت، مطلوب هم نبوده است.

برای تأمین امنیت سایبری حذف دسترسی به خدمات و زیرساخت‌های خارجی، راه‌حل اصلی نیست و درمان موقتی و سریع است. همچنین ممکن است منشأ برخی حملات خارج از کشور باشد، اما لزوماً از طریق دسترسی به اینترنت و خارج از کشور اعمال نشود و به داخل ایران و تهدیدهای داخلی سازمان بازگردد؛ بنابراین می‌توان گفت در حال حاضر در زیرساخت‌های حیاتی به‌ویژه نظام بانکی و شبکه پرداخت، تهدیدات داخلی، جدی است و نقطه ضعف اصلی تأمین امنیت سایبری حذف دسترسی به خدمات و زیرساخت‌های خارجی، راه‌حل اصلی نیست و درمان موقتی و سریع است. همچنین ممکن است منشأ برخی حملات خارج از کشور باشد، اما لزوماً از طریق دسترسی به اینترنت و خارج از کشور اعمال نشود و به داخل ایران و تهدیدهای داخلی سازمان بازگردد؛ بنابراین می‌توان گفت در حال حاضر در زیرساخت‌های حیاتی به‌ویژه نظام بانکی و شبکه پرداخت، تهدیدات داخلی، جدی است و نقطه ضعف اصلی تأمین امنیت سایبری حذف دسترسی به خدمات و زیرساخت‌های خارجی، راه‌حل اصلی نیست و درمان موقتی و سریع است.

شروط اجرای موفق باگ‌بانتی در بانکها
اجرای موفق باگ‌بانتی، شروطی دارد. متخصصان ارزیابی سامانه، باید هم از لحاظ دانشی، تخصص مناسب داشته باشند و هم تعهد

ارژنگ طالبی‌نژاد، مدیر برندینگ، باتوجه به اینکه وظیفه حفاظت از حجم عظیم داده‌های حساس مشتری و دارایی و سپرده برعهده بانک‌هاست، با افزایش پیچیدگی تهدیدات سایبری، حفاظت از این اطلاعات به یک چالش مهم تبدیل شده است. در این زمینه، اقدامات امنیتی سایبری برای جلوگیری از دسترسی‌های غیرمجاز، سرقت داده‌ها و کلاهبرداری مالی بسیار مهم است.

بانکها باید روی فناوری‌های پیشرفته‌تری مانند رمزگذاری، احراز هویت چندمرحله‌ای و سیستم‌های تشخیص تقلب و کشف ناهنجاری سرمایه‌گذاری کنند تا بتوانند زیرساخت‌های خود را در برابر تهدیدات سایبری پیشرفته تقویت کنند.

نوآوری، نقشی محوری در توانمند کردن بانکها برای انطباق، رشد و برآورده ساختن نیازهای درحال‌رشد مشتریان دارد. با این حال، نوآوری با خطرات امنیتی ذاتی همراه است. از آنجا که بانکها از فناوری‌های نوپنظیر مانند بانکداری تلفن همراه، هوش مصنوعی و بلاک‌چین استقبال می‌کنند، باید اطمینان حاصل کنند که اقدامات امنیتی سایبری نیز با سرعت و دقت انجام می‌شود.

نوآوری‌هایی در فناوری امنیت سایبری از جمله تشخیص ناهنجاری مبتنی بر یادگیری ماشین و تجزیه و تحلیل رفتاری، به بانکها کمک می‌کند تا تهدیدات را در زمان واقعی شناسایی کنند و به آنها پاسخ دهند. همچنین، این امر انعطاف‌پذیری آنها را در برابر حملات افزایش می‌دهد.

همکاری با فین تک‌ها

ظهور شرکت‌های فین تک شیوه‌های سنتی بانکداری را متحول و بانکها را مجبور به همکاری با استارت‌آپ‌های نوآور کرده است. چنین همکاری‌هایی جدا از اینکه فرصت‌های جدیدی را ارائه می‌دهند، چالش‌هایی را نیز برای امنیت سایبری طرح می‌کنند. بانکها باید چهارچوب‌های امنیتی قوی ایجاد کنند تا از داده‌های

ضرورت تقویت تاب‌آوری زیر ساخت‌ها

با هدف اختلال در زیرساخت‌های حیاتی کشور، سعی در ایجاد اختلال در زیرساخت‌هایی می‌کنند که شبکه بانکی بر آن استوار است.

هرچند تا امروز مشکل جدی در این زمینه ایجاد نشده اما بررسی شاخص‌های دفاعی-امنیتی فضای سایبری زیرساخت‌های

تهدیدات داخلی امنیتی، نقطه ضعف بانک‌ها

اصلی هم همین‌جاست. در حال حاضر بانکها در تأمین تجهیزات موردنیاز برای کنترل تهدیدات شبکه خارج از سازمان، مشکلی ندارند، اما در بعد فرهنگ‌سازی در سازمان و بانک، توجه لازم نشده است؛ بنابراین گاهی مشاهده می‌شود امنیت سایبری در همه بخش‌ها، اعم از هیات مدیره، مدیریت ارشد و البته در بین تمام کارمندان سازمان، دغدغه اصلی نبوده و به آن اهمیت داده نمی‌شود.

برای حفظ امنیت سایبری در اشتراک‌گذاری اطلاعات نیز باید مانند سایر کشورهای جهان از زیرساخت‌ها و پلتفرم‌های موجود استفاده کرد. گاهی نیز باوجود پرداخت هزینه‌های بالا برای تأمین تجهیزات، به‌دلیل بهره‌برداری نادرست از تجهیزات به نتایج مطلوب در برقراری امنیت سایبری نمی‌رسیم. نکته بعدی اینکه بخشی از بودجه امنیت سایبری باید برای آموزش، هزینه شود. همچنین

استفاده از تخصص هکرها در حفظ امنیت سایبری

کاری و حرفه‌ای لازم را دارا باشند. پلتفرم مربوطه نیز باید قوانین را شفاف، دقیق و فنی بیان کند تا بین متخصص، هکر و سازمان، تضاد ایجاد نشود. داوری عادلانه باشد و انگیزه برای همکاری متخصص ایجاد شود. به‌خاطر تفاوت فاحش ارزش دلار و ریال، بسیاری از متخصصان امنیت بوده و به‌اصطلاح «کلاه‌سفید» هستند استفاده از کشور دارند. مسئله دیگر حمایت محدود بانکها از فین‌تک‌های زیرمجموعه، در زمینه تأمین بودجه امنیت سایبری است که آسیب‌پذیری سیستم را بالا می‌برد. مسئله بعدی، نگاه سنتی در برخی مجموعه‌های بانکی و مالی و تنظیم قراردادهای امنیتی در قالب مناقصه با کمترین هزینه بدون توجه به کیفیت و بررسی فنی است. فرهنگ‌سازی میان مدیران ارشد و هیات مدیره سازمان‌های بانکی نیز از ضرورت‌هاست.

سهام بانک‌ها در شاخص‌های سطح بلوغ

سطح بلوغ استفاده از ظرفیت‌های باگ‌بانتی در کشور باید افزایش

نقش نوآوری در بانک‌ها برای ارتقای امنیت سایبری

به اشتراک گذاشته شده مشتریان با شرکای فین‌تک خود محافظت کنند. در این زمینه، تلاش‌های مشترک می‌تواند منجر به توسعه راه‌حل‌های ایمن و یکپارچه، مانند شکل‌گیری پلتفرم‌های بانکداری باز که استانداردهای امنیتی را نیز افزایش می‌دهند، شود.

صنعت بانکداری تحت چهارچوب‌های نظارتی سختگیرانه‌ای عمل می‌کند که برای تضمین ثبات مالی، حفاظت از منافع مشتریان و مبارزه با جرایم مالی طراحی شده‌اند. این مقررات استانداردهای امنیت سایبری و الزامات حفاظت از داده‌ها را در برمی‌گیرد. بانکها باید در شیوه‌هایی که برای برقراری امنیت سایبری خود انجام می‌دهند، نوآوری کنند تا بتوانند با قوانین در حال تحول این حوزه مانند مقررات حفاظت از داده‌های عمومی اتحادیه اروپا (GDPR) و دستورالعمل دوم خدمات پرداخت (PSD) همسو شوند.

پذیرش اقدامات امنیتی نوآورانه به بانکها کمک می‌کند ضمن حفظ شیوه‌های نوین و سختگیرانه حفاظت از داده‌ها، بتوانند با

با پیشرفت فناوری اطلاعات، سرویس‌های مختلفی به مشتریان نظام بانکی داده می‌شود و به همین میزان نیز تهدیدهایی از سوی مهاجمان، مشتریان بانکی را تهدید می‌کند. در یک حمله سایبری به سیستم بانکی یکسری خدمات از جمله اینترنت بانک، اطلاعات هویتی مشتریان نزد بانکها و زیرساخت‌های سامانه‌های حاکمیتی دچار مشکل می‌شود. در همین راستا بانک مرکزی مجموعه‌ای از پروژه‌های مختلف را برای اشرافیت بر فضای امنیت سایبری و تهدیدهای سایبری در دستور کار قرار داده و معماری کلان سامانه‌های هوشمند تهدیدهای سایبری را پیگیری کرده است. به‌نظر می‌رسد امنیت سایبری و نوآوری در چشم‌انداز در حال



عکس: سامان شرف‌الدین

حیاتی و حساس، باتوجه به رویکردهای پدافند غیرعامل موضوع مهمی است که در دستور کار تمام دولت‌ها قرار دارد. اکنون کشور ما، بیش از پیش به تعیین شاخص‌های دفاعی-امنیتی فضای سایبری نیاز دارد و پرداختن به این مهم، موجب تقویت تاب‌آوری زیرساخت‌ها در برابر چنین تهدیدهایی می‌شود.



باید بابت بخش‌هایی که خارج از پوشش فایروال و تجهیزات امنیتی هستند اقدامات لازم صورت گیرد. با این همه در حال حاضر باتوجه به تأمین تجهیزات، موضوع اصلی در تأمین امنیت سایبری، در

حوزه مباحث استراتژیک و کلان امنیت است؛ چنانچه مشکلاتی در حوزه ساختار سازمانی امنیت اطلاعات و امنیت سایبری بانکها مشاهده می‌شود. به‌عنوان نمونه هنوز در برخی بانکها، متولی امنیت اطلاعات آن، در سطوح میانی سازمانی قرار دارد. در حوزه قراردادهای فناوری یا شرکت‌های پیمانکار نیز زیرمجموعه و شرکای تجاری باید به ملاحظات قراردادی اهمیت بدهند تا دغدغه‌های امنیت سایبری در الزامات قراردادی گنجانده شود.



یابد که از یک سو نیازمند تغییر نگاه سازمان‌ها به موضوع باگ‌بانتی است و از سوی دیگر، نیازمند نگاه تسهیل‌گرانه در نهادهای نظارتی، نکته بعدی اینکه قوانین حوزه مالیات و تأمین اجتماعی، مربوط

به ۲۰ تا ۳۰ سال گذشته است و لحاظ آنها برای کسب‌وکارها، باعث شکست آنها می‌شود؛ بنابراین بروزرسانی قوانین نیز مهم است. نکته دیگر، بلوغ خود پلتفرم‌های باگ‌بانتی و آموزش نیروی انسانی به‌ویژه در حوزه secure coding است که واقعا به آن کم‌توجهی می‌شود.

نکته آخر، مشاوره انعقاد قرارداد با SLA برای ارزیابی مستمر این فرآیند است. این موارد منجر به بلوغ فضای امنیت سازمان‌ها و صنعت مالی و بانکی می‌شود.



قوانین جدید انطباق پیدا کنند.

اعتماد و تجربه مشتری

حفظ اعتماد مشتریان برای بانکها مهم است و امنیت سایبری نقشی حیاتی در ایجاد و حفظ این اعتماد دارد. مشتریان از موسسات مالی و بانکها انتظار دارند که از اطلاعات شخصی و مالی آنها به بهترین شکل ممکن محافظت کنند. بانک‌هایی که تأمین امنیت سایبری را در اولویت خود قرار و تعهد خود را به حفاظت از داده‌ها نشان می‌دهند، از یک مزیت رقابتی بهره‌مند می‌شوند. راه‌حل‌های نوآورانه امنیت سایبری، مانند احراز هویت بیومتریک، اینترنت بانکها و اپلیکیشن‌های بانکداری همراه ایمن و سیستم‌های تشخیص کلاهبرداری و کشف تقلب، تجربه مشتری را به‌راحتی و بدون به خطر انداختن امنیت و افزایش می‌دهند.

سخن پایانی

تکامل بانکها و موسسات مالی، در هم تنیده شده‌اند. از آنجا که فناوری به تغییر شکل بانکداری سنتی ادامه می‌دهد، اقدامات امنیتی سایبری قوی برای حفاظت از دارایی‌های مشتری، رعایت مقررات و تقویت اعتماد مشتریان برای بانکها، امری ضروری است. بانکها در ادامه باید بیش از همیشه از نوآوری برای تقویت دفاع خود در برابر تهدیدات سایبری نوظهور و در عین حال ارائه خدمات مالی یکپارچه، ایمن و مشتری‌محور استفاده کنند. شاید با ایجاد تعادل مناسب بین نوآوری و امنیت، بانکها بتوانند عصر دیجیتال را طی کنند و آینده نوین صنعت مالی را با اطمینان رقم بزنند.

نگاه ویژه فولاد آلیاژی به محیط زیست



خبرنگاران عضو بسیج رسانه از ۴ کارخانه شرکت فولاد آلیاژی ایران ام‌اژ کارخانه فولادسازی، کارخانه نورد سنگین، نورد سبک و کارخانه عملیات حرارتی و تکمیل کاری بازدید کردند. خبرنگاران عضو بسیج رسانه در قالب طرح راهیان پیشرفت از شرکت فولاد آلیاژی ایران بازدید کردند.

به گزارش خبرنگار **سایت** از استان یزد، مشاور روابط عمومی و امور بین‌الملل شرکت فولاد آلیاژی ایران درباره موفقیت‌های چشمگیر شرکت به‌ویژه در زمان تحریم، گفت: این شرکت در ۹۰ روز ابتدایی در سال ۱۴۰۲ موفق شد از ۹ کورد عبور کند و هم‌اکنون این شرکت صاحب ۴۴۳ گرید فولاد آلیاژی است. به گزارش روابط عمومی شرکت فولاد آلیاژی ایران، داود پاک‌طینت با اشاره به اینکه کارمندان شرکت فولاد آلیاژی ایران با رضایت و تعهد به این شرکت خدمت می‌کنند، تصریح کرد: شکست‌ناپذیری بی‌در پی در این شرکت نشان از این مهم است که در مجموع سطح تعلق سازمانی و رضایت عمومی بالاست.

پاک‌طینت به قدرت رقابت فولاد آلیاژی ایران در بین فولادهای آلیاژی در دنیا اشاره کرد و افزود: محصولات این شرکت در صنعت خودروسازی، ماشین‌ساز، نفت و گاز و پتروشیمی، ابزارسازی، نیروگاهی و ریلی کاربرد دارد. وی عنوان کرد: هم‌اکنون شرکت فولاد آلیاژی ایران به این سطح از فن و دانش رسیده است که تمام فولادهای آلیاژی مشتریان شرکت را در هر سطح و سفارش تولید می‌کند و هیچ محدودیتی در این زمینه ندارد.

حسین یارحسینی، رئیس واحد محیط‌زیست شرکت فولاد آلیاژی ایران در این بازدید درباره مکانیزم سیستم فیلتر کبسه‌ای به کار گرفته شده در کارخانه فولادسازی و همچنین مکانیزم‌های تصفیه و بازچرخانی آب در مجتمع توضیحاتی ارائه و تاکید کرد: شرکت فولاد آلیاژی ایران تمام تلاش خود را معطوف به رعایت حدود استانداردهای محیط‌زیستی ملی کشور و حتی فراتر از آن نموده است و هزینه راهبری تجهیزات فیلتراسون هوا و آب در شرکت بالغ بر ۸۰ میلیارد تومان در سال برآورد می‌شود. یارحسینی به ۶۰ هکتار فضای سبز شرکت فولاد آلیاژی ایران به‌عنوان یکی از شاخص‌های محیط‌زیستی این شرکت اشاره کرد و گفت: با طراحی و اجرای سامانه آبیاری هوشمند، صرفه‌جویی چشمگیری در زمینه مصرف آب شرکت در فضای سبز صورت گرفته است.

۷ شالیکوبی مباشر خرید برنج کشاورزان

رئیس سازمان جهاد کشاورزی مازندران با اشاره به برپایی جلسه هماهنگی و پیگیری برای خرید برنج تولیدی مازاد کشاورزان مازندرانی گفت: خرید برنج ارقام محلی و پرمحصول در انبارهای شرکت غله شهرستان‌های بابل و فریدونکنار و هفت واحد شالیکوبی به‌عنوان مباشر شرکت غله در شهرستان‌های آمل، بابل، قائمشهر، فریدونکنار، محمودآباد، جویبار و ساری انجام می‌شود.

حسن عنایتی در گفت‌وگو با مهر افزود: مازندران استان برتر کشور در تولید کمی و کیفی برنج است که سالانه حدود یک میلیون تن برنج سفید تولید می‌کند. عنایتی از خرید ۲ هزار تن برنج داخلی در طرح حمایتی دولت خبر داد و افزود: سازکار اجرایی طرح حمایتی خرید توافقی برنج بعد از سفر وزیر جهاد کشاورزی به مازندران عملیاتی شده است و ادارات غله در شهرستان‌ها، برخی شالیکوبی‌های منتخب استان به‌عنوان مباشر و فروشگاه‌های زنجیره‌ای کشور در این طرح مشارکت دارند.

عنایتی یادآور شد: از هفته گذشته تاکنون ۲ هزار تن برنج از شالیکاران مازندرانی خریداری شده که ۵۰۰ تن آن برنج پرمحصول و هزار و ۵۰۰ تن برنج طارم محلی بوده است.

اگرچه دولت و بخش خصوصی در آستانه برداشت برنج جدید برای خرید برنج پارسالی در مازندران وارد عمل شدند اما به اعتقاد کشاورزان، این زمان برای خرید دیر است، زیرا بخشی از محصولات دچار آفت‌زدگی و بخشی نیز از دسترس آنان خارج شده است.

گروه استان‌ها
editor@smtnews.ir



در یک
پژوهش علمی
مشخص شد
خطر
فرونشست
زمین در
۱۴ درصد
مساحت
دشت‌های
چهارمحال و
بختیاری بسیار
بالا است



مهم‌ترین عامل
انسانی در
تشدید پدیده
فرونشست،
برداشت
بی‌رویه
از آب‌های
زیرزمینی است
و استخراج نفت
و مواد معدنی
تاثیر کمی در
این معضل
دارد

به دنبال افت ۱۰ متری سطح آب‌های زیرزمینی رخ داد

فرونشست زمین در دشت‌های بام ایران



پدیده فرونشست زمین در سال‌های اخیر به یکی از مخاطرات طبیعی در چهارمحال و بختیاری تبدیل شده است، خشکسالی از بیش از یک دهه گذشته موجب کاهش سطح ایستابی منابع آبی در این استان شد، برداشت‌های بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی این موضوع را تشدید کرد و ۴ دشت در این استان در وضعیت ممنوع قرار دارند. آثار فرونشست زمین در دشت‌های بام ایران نمایان شده و با وجود ممنوع شدن برداشت آب در ۴ دشت چهارمحال و بختیاری، اما افت سطح منابع زیرزمینی همچنان ادامه دارد. تخلیه منابع آب زیرزمینی موجب ایجاد پدیده فرونشست شده است و می‌توان آن را زلزله خاموش نامید، ناقوس فرونشست در دشت‌های چهارمحال و بختیاری به صدا درآمده است، اما به نظر می‌رسد این موضوع بسیار مهم هنوز در اولویت مسئولان قرار ندارد. در بسیاری از نقاط کشور آثار پدیده شوم فرونشست زمین مشهود شده است، در کسری از ثانیه فروچاله‌های بزرگ در یک قسمت از زمین ایجاد می‌شود و باید این انتظار را داشته باشیم که در یک لحظه زیر پای‌مان خالی شود.

خانمیرزا، دشت بحرانی

فاکتورهای تاثیرگذار در موضوع فرونشست در دشت‌های شهر کرد، خانمیرزا، جوتقان و آلونی بحث برداشت بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی و تغییر کاربری اراضی بود.

یوسفی با تاکید بر اینکه به مسئله فرونشست زمین بحران خاموش می‌گویند، گفت: این بحران از لایه‌های زیرین زمین آغاز می‌شود و بنابراین تا زمانی که علامت ظاهری آن مانند فروچاله، شکستن لوله‌های انتقال آب، گاز و... و ترک خوردگی تاسیسات مشخص نشود، نمی‌توان به آن پی برد.

استادیار بخش تحقیقات حفاظت آب و خاک مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی چهارمحال و بختیاری با بیان اینکه برای جلوگیری از فرونشست زمین در این استان باید بر روی برداشت از منابع آب زیرزمینی و تغییر کاربری اراضی تمرکز کرد: در تحقیق علمی انجام گرفته در استان برای مسئله فرونشست، تغییرات ۶ هزار و ۳۴۲ چاه از دهه ۶۰ تا ۹۸ مورد بررسی قرار گرفت.

افت شدید آب‌های زیرزمینی

وی افزود: سطح آب‌های زیرزمینی در چاه‌های بررسی شده در چهارمحال و بختیاری در دهه ۶۰ تا ۷۰ به‌طور متوسط ۱۶ متر بود، اما در دهه ۹۰ میانگین سطح آب به ۵ متر رسیده است که با افت ۱۰ متری سطح آب‌های زیرزمینی در ۴ دشت مورد مطالعه در استان روبه‌رو هستیم.

یوسفی با بیان اینکه در افت سطح آب‌های زیرزمینی در چهارمحال و بختیاری موضوعاتی مانند خشکسالی، تغییر اقلیم و برداشت بی‌رویه دخیل است، خاطر نشان کرد: برای توسعه کشاورزی برداشت از آب‌های زیرزمینی در استان افزایش داشته است.

استادیار بخش تحقیقات حفاظت آب و خاک مرکز تحقیقات و

برداشت‌های بی‌رویه آب در دشت‌های شهر کرد

فرونشست زمین در جهان ۴ میلیمتر است، اما این عدد در کشور ایران بسیار بالاست.

کریمیان بیان کرد: سالانه ۶ میلیارد متر مکعب اضافه برداشت از منابع آب زیرزمینی کشور وجود دارد که این برداشت‌های بی‌رویه از عوامل اصلی فرونشست زمین محسوب می‌شود، اگر برداشت آب از منابع زیرزمینی مدیریت شود، می‌توان از تشدید فرونشست جلوگیری کرد، در گام بعدی باید تغذیه آبخوان‌ها در دستور کار قرار بگیرد که این مسئله نیازمند اقدامات آبخیزداری است.

سرپرست معاونت آبخیزداری اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری چهارمحال و بختیاری افزود: در آبخیزداری نفوذ آب به لایه‌های زیرین خاک و منابع آب زیرزمینی صورت می‌گیرد، سازه‌های آبخیزداری در زمان بارش آب را ذخیره و منابع آب زیرزمینی را تغذیه می‌کنند، همچنین از وقوع روان‌آب و فرسایش خاک جلوگیری

سخن پانای

تمامی دشت‌های چهارمحال و بختیاری ممنوعه و ممنوعه بحرانی هستند و نباید از این دشت‌ها برداشت آب صورت بگیرد، اما برداشت از منابع آب زیرزمینی این دشت‌ها با قوت ادامه دارد و حتی شاهدیم که مجوز حفر چاه جدید در دشت‌های ممنوعه بحرانی استان مانند دشت شهر کرد صادر می‌شود. مرگ آبخوان‌های چهارمحال و بختیاری همانند یک تراژدی است، اگر اکنون به فکر احیای دشت‌های این استان نباشیم، قطعاً پدیده فرونشست زمین

در نشست شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی مطرح شد

انحصار فروش زغال سنگ کرمان شکسته شد

مدیرکل راه آهن استان کرمان افزود: در ۴ ماه نخست سال ۱۴۰۱ تعداد ۱۱۴ واگن باری زغال سنگ به میزان ۵ هزار و ۹۳۱ تن صادرات زغال سنگ توسط این اداره کل داشته‌ایم.

معدان زغال سنگ کرمان در شهرستان‌های زرتند، کوهبنان و راور واقع در شمال این استان قرار گرفته‌اند. معدان زغال سنگ باوجود اینکه به شدت اشتغالزا هستند، اما بازار فروش حداقلی آنها سبب شده بود که این معدان توسعه چندانی در استان کرمان نداشته باشند.

جانی دوباره به معدان زغال سنگ استان

مجوز صادرات زغال سنگ در دولت سیزدهم از یک سو و برنامه راه‌آهن جمهوری اسلامی برای اتصال این واحدها به خطوط راه‌آهن سراسری از سوی دیگر سبب شد تا دستفروش کارگر در معدان زغال سنگ این دیار با طی ۲ هزار کیلومتر به سهولت به کشور ترکیه صادرات شود. برنامه‌ای که از آذر سال ۱۴۰۰ برای صادرات زغال سنگ آغاز شده بود، اکنون به اوج خود رسیده است و آخرین اخبار حکایت از افزایش صادرات ۲۷۹ درصدی این محصول می‌دهد؛ آماري که در صورت ادامه شاید بتواند جانی دوباره به معدان زغال سنگ استان ببخشد.

کارگر درج شود. وی ادامه داد: با این اتفاق هم سازمان تامین اجتماعی دچار بحران مالی نمی‌شود و هم معدنکار زغال سنگ این هزینه را در نرخ تمام شده هر ماه لحاظ کرده و برنامه‌ریزی مالی و اقتصادی خواهد داشت. رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معدان و کشاورزی کرمان با اشاره به اینکه با این وضعیت کارگران زغال سنگ راندمان کاری ندارند تصریح کرد: باید نیروهای تازه نفس وارد معدان استان شود.

رشد صادرات زغال سنگ

مجید ارجونی، مدیرکل راه آهن استان کرمان با اشاره به آمار بار صادراتی اداره کل راه آهن استان کرمان افزود: ۴۷۶ واگن باری زغال سنگ به میزان ۲۲ هزار و ۴۵۰ تن طی ۴ ماهه نخست امسال از راه آهن کرمان به مقصد وان در کشور ترکیه صادر شده است.

وی خاطر نشان کرد: صادرات این میزان بار نسبت به مدت مشابه سال قبل رشد ۲۷۹ درصدی را نشان می‌دهد.

کرمان مشکلات زیادی برای این شرکت به وجود آورده است.

طبیعی‌زاده با بیان اینکه شرکت زغال سنگ کرمان مصداق کامل یک مدیریت دولتی است عنوان کرد: با توجه به سرانه اشتغال در کشور بیش از ۹۰۰ میلیارد تومان نیاز است تا اینگونه اشتغالی ایجاد شود. رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معدان و کشاورزی کرمان بیان کرد: زغال سنگ نقش مهمی در تامین مواد خام فولاد دارد و باید این ظرفیت در خدمت اقتصاد استان قرار گیرد. گفتنی است، ۳ هزار و ۲۰۰ نفر از کارگران زغال سنگ کرمان با موضوع مشاغل سخت‌روبه‌رو هستند که بار مالی سنگینی بر شرکت‌های خصوصی زغال سنگ وارد کرده است؛ به‌همین دلیل بحث بازنگری پیش از موعود پیشنهاد می‌شود.

طبیعی‌زاده بیان کرد: پیشنهاد می‌شود در مشاغل مانند معدان که ذاتاً سخت و زیان‌آور محسوب می‌شوند ۴۰ درصد حق بیمه مشاغل سخت و زیان‌آور کارگران هر ماه به همراه حقوق ماهانه از معدنکار اخذ و در سوابق

سرپرست معاونت آبخیزداری اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری چهارمحال و بختیاری در گفت‌وگو با مهر با اشاره به دلایل وقوع فرونشست زمین، اظهار کرد: عوامل طبیعی و انسانی در این مسئله دخیل است، فرآیندهای طبیعی مانند ذوب شدن یخچال‌های طبیعی و تراکم لایه‌های آبرفتی موجب انحلال لایه‌های زیرین خاک می‌شود.

روح‌الله کریمیان افزود: مهم‌ترین عامل انسانی در تشدید پدیده فرونشست زمین برداشت بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی است، استخراج نفت و مواد معدنی نیز می‌تواند تاثیرگذار باشد، اما تاثیر کمی دارد.

وی با بیان اینکه پدیده فرونشست زمین آسیب‌های بسیاری در پی دارد، گفت: برهم خوردن ارتفاع شیب رودخانه‌ها و آبراهه‌ها، بیرون‌زدگی لوله‌های انتقال آب کشاورزی، ایجاد فروچاله و کاهش نفوذپذیری آب در خاک به‌علت تراکم لایه‌های خاک از تبعات این پدیده است.

سرپرست معاونت آبخیزداری اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری چهارمحال و بختیاری یادآور شد: در دشت شهرکرد، بروجن و خانمیرزا شاهد برداشت‌های بی‌رویه منابع آب زیرزمینی هستیم و فرونشست زمین در این دشت‌ها رخ داده است. در دشت شهرکرد، بروجن و خانمیرزا شاهد برداشت‌های بی‌رویه منابع آب زیرزمینی هستیم و فرونشست زمین در این دشت‌ها رخ داده است.

وی با بیان اینکه در فرونشست زمین در دشت‌های استان تهران، خراسان رضوی و اصفهان بسیار بالاست، گفت: متوسط نرخ جهانی

استفاده از ظرفیت زغال سنگ برای اقتصاد کرمان

رئیس اتاق بازرگانی کرمان با اشاره به اینکه انحصار خرید محصول زغال سنگ مشکلات زیادی را برای این شرکت به وجود آورده است گفت: زغال‌سنگ نقش مهمی در تامین مواد خام فولاد دارد و باید این ظرفیت در خدمت اقتصاد استان قرار گیرد.

به گزارش ماین نیوز، سدیمهدی طبیعی‌زاده در شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان کرمان اظهار کرد: بیش از ۳ هزار نفر در مجموعه زغال سنگ کرمان مشغول به کار هستند، اما انحصار خرید زغال سنگ

